



شورای عالی حوزه ی علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها)  
شهرستان: دولت آباد

موضوع

# تربیت کودک در هفت سال دوم از نظر اسلام

استاد راهنما

سرکار خانم مرضیه دادخواه

استاد داور

حجت الاسلام و المسلمین مسعود راعی

محقق

سهیلا بهرامیان

تابستان ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه ی علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها)  
شهرستان: دولت آباد

موضوع

# تربیت کودک در هفت سال دوم از نظر اسلام

استاد راهنما  
سرکار خانم مرضیه دادخواه

استاد داور  
حجت الاسلام و المسلمین مسعود راعی

محقق  
سهیلا بهرامیان

تابستان ۱۳۹۲

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع: **تربیت کودک در هفت سال دوم از نظر اسلام** که توسط پژوهشگر محترم خانم: **سهیلا بهرامیان** برای دریافت دانشنامه سطح ۲ (کارشناسی) تدوین شده است، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ ۱۳۹۲ / با کسب رتبه‌ی ..... پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم مرضیه دادخواه

استاد داور: حجت الاسلام و المسلمین مسعود راعی

مدرسه علمیه: حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان: دولت آباد

امضاء مدیر و مهر مدرسه

## تقدیم

این رساله را تقدیم می کنم به :

ساحت مقدس آقا و سرور شیعیان عالم امام زمان ارواحنا له الفداء و به امید تعجیل در فرج

آن بزرگوار.

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای متعال که به این بنده توفیق نوشتن این تحقیق را عنایت فرمود و تشکر میکنم از همسرم که با فداکاری بسیار خود باعث شد که من بتوانم این تحقیق را به ثمر برسانم و همچنین از پدر و مادر دلسوزم که همواره پشتیبان من بودند و سرکار خانم دادخواه که با تمام وجود مرا در به ثمر رسیدن این تحقیق یاری رساند. و در پایان تقدیر ویژه از مدیریت محترم مدرسه حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها) حاجیه خانم ناصری میکنم.

## چکیده مطالب

یکی از مهمترین و طبیعتیترین نیازهای کودکان تربیت است که در دین مبین اسلام به آن اهمیت فراوانی داده شده است. تربیت همان رشد استعدادهای نهفته در وجود انسان است که اگر به بهترین نحو این استعدادها شکوفا شود باعث سعادت و خوشبختی انسان میگردد. اسلام بیشترین تأثیرات تربیتی را در دوره‌ی ۷ سال دوم میداند چرا که کودک در این دوران قابلیت پذیرش و درک بیشتری دارد مؤثرین افرادی که میتوانند در تربیت کودک نقش داشته باشند پدر و مادر هستند چون با یکدیگر بیشتر در ارتباطند و فرزندان مستقیماً تحت تأثیر افکار و رفتار آنها قرار میگیرند. مراحل تربیت در این دوران به دو دوره‌ی ۷ تا ۱۱ سال و ۱۲ تا ۱۴ سال تقسیم می شود. کسب شخصیت از مهمترین ویژگیهای این دوران است و وظیفه والدین میباشد که با احترام و وقار با فرزندانشان رفتار کنند و نیز استقلال طلبی از دیگر ویژگیهای این دوران میباشد و کودکان از اینکه مدام مواظبشان باشند و در کارهایشان دخالت کنند ناراحت میشوند. والدین با شناخت مراحل تربیت بهتر میتوانند اصول و روشهای تربیتی را به کار بندند و خودشان به عنوان الگو برای فرزندان قرار گیرند و با محبت و تشویق و شخصیت دادن به فرزند و خودداری از تحقیر و توهین بهترین و صالحترین فرزندان را تحویل جامعه اسلامی دهند.

کلید واژه‌های این تحقیق عبارتند از: «تربیت»، «کودک»، «هفت سال دوم»

# فهرست مطالب

## عنوان صفحه

مقدمه..... ۱

## بخش اول : کلیات ، مفاهیم و ضرورت تربیت و انواع آن

### فصل اول: کلیات

- ۱-۱- تعریف و تبیین موضوع ..... ۵
- ۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع..... ۶
- ۱-۳- اهداف و فوائد موضوع..... ۶
- ۱-۴- بررسی پیشینه و سابقه موضوع..... ۷
- ۱-۵- طرح مسأله و پرسشهای تحقیق..... ۸
- ۱-۶- فرضیه تحقیق..... ۸
- ۱-۷- روش تحقیق..... ۹
- ۱-۸- ساختار و محدوده تحقیق..... ۹
- ۱-۹- واژگان کلیدی..... ۱۰

### فصل دوم: مفاهیم و ضرورت تربیت و انواع آن

- ۲- مفاهیم و ضرورت تربیت و انواع آن..... ۱۱



- ۱-۲-۲- معنا و مفهوم تربیت..... ۱۲
- ۲-۲-۲- معنا و مفهوم کودک..... ۱۴
- ۲-۳- اهمیت و ضرورت تربیت در هفت سال دوم..... ۱۶
- ۲-۴- آغاز تربیت از دیدگاه اسلام..... ۲۰
- ۱-۲-۴-۲- تربیت فرزند ۲۰ سال قبل از تولد..... ۲۰
- ۲-۴-۲- تربیت فرزندان از زمان انتخاب همسر..... ۲۱
- ۳-۲-۴- تربیت فرزندان از هنگام انعقاد نطفه..... ۲۱
- ۴-۲-۴- تربیت فرزند از رحم مادر..... ۲۲
- ۲-۵- انواع تربیت..... ۲۳
- ۱-۲-۲-۲- تربیت اخلاقی..... ۲۳
- ۲-۵-۲- تربیت دینی..... ۲۶
- ۳-۲-۵- تربیت اجتماعی..... ۲۹
- ۴-۲-۵- تربیت عاطفی..... ۳۱
- ۱-۲-۵-۴- میزان و محدوده محبت به فرزند..... ۳۳
- ۵-۲-۵- تربیت جنسی..... ۳۵

## بخش دوم: شناخت مراحل تربیت و اصول و روشهای تربیتی

### فصل اول: شناخت مراحل تربیت در دوره هفت سال دوم

- ۱- شناخت مراحل تربیت فرزندان..... ۴۰
- ۱-۱- مراحل تربیت فرزندان..... ۴۰
- ۲-۱- کلیاتی دربارهی خصوصیات این دوره..... ۴۰

- ۱-۳-۱- ویژگیهای مهم دوره ۷ تا ۱۱ سالگی (کودکی)..... ۴۱
- ۱-۳-۱-۱- فطام روانی ..... ۴۱
- ۱-۳-۲- علاقه به فعالیت و کار..... ۴۲
- ۱-۳-۳- سن دانایی..... ۴۴
- ۱-۳-۴- ثبات شخصیت کودک..... ۴۵
- ۱-۳-۵- ظهور استعدادها..... ۴۵
- ۱-۳-۶- بیدار شدن فطریات..... ۴۶
- ۱-۴-۱- ویژگیهای مهم دوره ۱۲ تا ۱۴ سالگی (نوجوانی)..... ۴۷
- ۱-۴-۱-۱- کسب شخصیت..... ۴۸
- ۱-۴-۲- استقلال طلبی ..... ۴۹
- ۱-۴-۳- شدت و تلون عاطفی..... ۵۱
- ۱-۴-۴- بلوغ جنسی و توجهات لازم در این زمینه ..... ۵۱
- ۱-۴-۵- کامل کردن رفتار اجتماعی..... ۵۳

## فصل دوم: اصول و روشهای تربیت

- ۲- اصولها و روشهای تربیت ..... ۵۶
- ۲-۱- اصول تربیت..... ۵۷
- ۲-۱-۱- اصول مشترک ..... ۵۸
- ۲-۱-۱-۱- اصل احترام..... ۵۸
- ۲-۱-۱-۲- اصل وفای به عهد..... ۶۰
- ۲-۱-۱-۳- اصل راستگویی ..... ۶۳

- ۶۵ ..... ۲-۱-۱-۴- اصل آزادی.
- ۶۷ ..... ۲-۱-۱-۵- اصل عدل و مساوات.
- ۷۰ ..... ۲-۱-۱-۶- اصل تدرج و تمکن.
- ۷۱ ..... ۲-۱-۱-۷- اصل تسهیل و تیسیر.
- ۷۲ ..... ۲-۱-۲- اصول مختص به جوانان.
- ۷۲ ..... ۲-۱-۲-۱- اصل ارتباط نزدیک و تفاهم.
- ۷۳ ..... ۲-۱-۲-۲- اصل اعتماد به نفس.
- ۷۴ ..... ۲-۱-۲-۳- اصل اجتماعی شدن.
- ۷۵ ..... ۲-۱-۲-۴- اصل مشورت کردن.
- ۷۷ ..... ۲-۲- روش ها.
- ۷۷ ..... ۲-۲-۱- روشهای مفید و مؤثر مشترک بین کودکان و نوجوانان.
- ۷۸ ..... ۲-۲-۱-۱- روش الگویی.
- ۸۰ ..... ۲-۲-۱-۲- روش محبت.
- ۸۱ ..... ۲-۲-۱-۳- روش تکریم شخصیت.
- ۸۳ ..... ۲-۲-۱-۴- روش تشویق.
- ۸۴ ..... ۲-۲-۱-۵- روش هماهنگی در تربیت.
- ۸۶ ..... ۲-۲-۱-۶- روش داستان سرایی.
- ۸۷ ..... ۲-۲-۱-۷- روش پرکردن اوقات فراغت.
- ۸۹ ..... ۲-۲-۲- روش مفید و مؤثر مختص به نوجوانان.
- ۸۹ ..... ۲-۲-۲-۱- روش مسئولیت پذیری.
- ۸۹ ..... ۲-۲-۲-۲- روش نظارت و هدایت والدین در دوستیابی.

۹۱ ..... ۲-۲-۲-۳- روش تغافل

۹۲ ..... ۲-۲-۲-۴- روش پرورش اراده

۹۳ ..... ۲-۲-۳- روشهای آسیب زا

۹۳ ..... ۲-۲-۳-۱- روش اجبار و زور

۹۴ ..... ۲-۲-۳-۲- روش توهین و تحقیر

۹۶ ..... ۲-۲-۳-۴- روش ناهماهنگی والدین

۹۷ ..... ۲-۲-۳-۵- روش تنبیه

۹۹..... نتیجه گیری

۱۰۰..... فهرست منابع

۱۰۶..... کتابشناسی

## مقدمه

در میان پدیده‌های جهان هر جا رشد و پویایی و زندگی حضور دارد پرورش و تلاش برای رشد بهتر و زندگی برتر نیز وجود دارد. در میان موجودات رو به تکامل این جهان، انسان بیش از سایر جانداران نیازمند مراقبت و تربیت است چرا که اگر فرزند انسان، با تربیت صحیح مواجه نشود موجب میشود روزبه روز از هدف خلقت دورتر شده و در ارتباط با خالق و مخلوق دچار مشکلات و انحرافات فردی و اجتماعی شود.

فرزند انسان برخلاف بسیاری از جانوران در دو زمینه نیازمند مراقبت و پرورش است. یکی رشد جسمی، تغذیه، بهداشت، نگهداری از آسیب‌های بیرونی و دیگری رشد عقلی و تجربی، فهم آداب و اخلاق، روش معاشرت و همزیستی و زندگی اجتماعی، با توجه به این زمینه‌های تربیتی، لازم است که روشها و اصول تربیتی ارائه شود تا والدین و مربیان بتوانند تربیت صحیحی برای نسل آینده به کار بندند و بدین طریق جامعهای سالم و آرمانی را به وجود آورند.

انسان در مقاطع مختلف سنی دارای حالات و صفات مختلف است لذا در هر مقطع نیاز به مبانی تربیتی متفاوتی با مقطع دیگر دارد اما اینگونه نیست که در یک یا چند مقطع به تربیت نیاز نداشته باشد بلکه با توجه به سن افراد تربیت هم به نوعی، متغیر میشود به گونهای که تربیت در ۷ سال دوم با تربیت در هفت سال اول متفاوت است و والدین در هفت سال دوم بهتر میتوانند فرزندان را تربیت نمایند و به سوی هدف اصلی سوق دهند.

برای اینکه والدین و فرزندان به اهداف عالیه برسند لازم است که دوران هفت سال

دوم شناخته شود و با روحیات و ویژگیهای این دوران آشنایی پیدا کنند و برای بهتر شناختن، این دوران به دو قسمت ۷ تا ۱۱ سال و ۱۲ تا ۱۴ سال تقسیم میشود. وبه ویژگیهایی چون فطام روانی، سن دانایی، کسب شخصیت و ... اشاره میشود و پس از آشنایی با این خصوصیات باید بتوانند با کمک گرفتن از اصولی چون اصل احترام ، اصل تدرج ، تمکن و اصل تیسیر و روشهایی چون روش الگویی، تشویق، داستان سرایی و ... فرزندان خود را به بهترین نحو تربیت نمایند.

اما باید یادآوری کرد که روشهای آسبزا چون تنبیه، اجبار و تحمیل، تحقیر و توهین هم وجود دارند که نه تنها فرزندان با این روشها تربیت نمیشود بلکه نتیجهی عکس داشته و فرزندان را به راههای انحرافی میکشانند. پس والدین باید دقت لازم و کافی داشته باشند تا بتوانند با کمک یکدیگر و با هماهنگی در گفتار و رفتارشان فرزندان را به تربیت صحیح ملبس نمایند.

## بخش اول

# کلیات و مفاهیم و ضرورت تربیت و انواع آن

## فصل اول

### کلیات



## ۱- کلیات

### ۱-۱- تعریف و تبیین موضوع

تربیت در اصل به معنای بالا رفتن و اوج گرفتن است و از نظر اسلام عبارت است از هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکاملی بشر یا ایجاد هویت تازه در فرد به منظور فراهم آوردن زمینه جهت رشد و تکامل همه جانبه.

به طور کلی تربیت پایه‌ی اساسی رفتار انسان است و لازم است که افراد به طور صحیح تربیت شوند و اگر تربیت با برنامه‌ی دقیق، حساب شده صورت گیرد موفقیت آمیز بوده و در آینده نتیجه‌ی بهتری می‌دهد.

فرزندان امانتی در دست والدین هستند که نگهداری، حفظ، سلامت، شکوفایی استعدادها و لیاقتها و بروز خلاقیت‌های آنان جز در پرتو آگاهی و بصیرت تحقق نمی‌یابد و والدین باید به این آگاهی و بصیرت دست یابند تا بتوانند آینده‌ی خوب را برای فرزندانشان تأمین کنند.

تربیت فرزندان اگر چه در هفت سال اول مهم است اما چون در هفت سال دوم فرزندان از رشد ذهنی و بلوغ اجتماعی بیشتری برخوردار می‌گردند و از نظر ذهنی و روانی آمادگی پذیرش قیود تربیتی و یادگیری مفاهیم را پیدا می‌کنند و وارد مرحله نوینی از زندگی شده و در اندیشه جدایی از دنیای کودکان هستند. در واقع از دنیای کودکی به دنیای بزرگسالان پا می‌نهند و چون در این زمان است که روحیه اطاعت و فرمانبرداری بالایی دارند والدین بهتر می‌توانند با آنها رابطه برقرار کنند. پس در اسلام نیز با توجه به احادیث می‌بینیم که در رابطه با این دوران توصیه‌های اکید شده است.

## ۲-۱- ضرورت و اهمیت موضوع

اهمیت تربیت در هفت سال دوم از آنجا روشن میشود که پیامبر اکرم ( صلی الله علی وآله ) میفرمایند: «کودک در هفت سال اول سید و آقا است و در هفت سال دوم روحیه اطاعت دارد و در هفت سال سوم وزیر و مشاور است»، و در این هفت سال دوم است که والدین میتوانند به خوبی فرزندان را جهتدهی نمایند تا از تربیت صحیح برخوردار شوند و آموزه‌های لازم را به ایشان تعمیم کنند. چراکه این دوران زمان اطاعت و فرمانبرداری آنها است و فرزندان هم، چون قدرت تشخیص خوب و بد را دارند بهتر میتوانند با والدین و مربیان همکاری داشته باشند و نهایتاً از تربیت صحیحی برخوردار شوند.

ضرورت اجتناب ناپذیر تربیت بر هیچ کس پوشیده نیست و تربیت درست و صحیح نه تنها لازم بلکه جزء وظایف اصلی جامعه اسلامی ماست اما این تربیت باید مبتنی بر شناخت صحیح و کافی باشد. انسان از اول با فطرت الهی به دنیا آمده و با تربیت صحیح یا ناپسند است که آن فطرت شکوفا میشود و یا جلوی شکوفایی آن گرفته میشود مسلماً تعلیم و تربیت مفید و سالم در فضای مساعد رشد، میتواند نقش مطلوب بر لوح فطرت فرزندان بنگارد و زمینه کمال آنها را فراهم سازد و این راه آینده‌های روشن را برای امتها تضمین میکند.

## ۳-۱- اهداف و فواید تحقیق

تعلیم و تربیت فرزندان در هفت سال دوم میتواند انسانهای سالم و با تفکر را تحویل جامعه دهد و بدین واسطه جامعه کمتر به مشکل بر میخورد. یکی از هدف های این تحقیق این است که والدین را با مفهوم صحیح تربیت آشنا کند تا والدین معرفت و آگاهی دقیقی نسبت به این امر خطیر پیدا کنند و فرزندان شایسته‌های برای جامعه‌ی اسلامی بپروراند.

هدف دیگری که میتوان به آن اشاره کرد این است که مراحل تربیت در دوره‌ی ۷ تا ۱۴ سال را به خوبی بیان کرده تا هر کدام از والدین و مربیان بتوانند با وظایف خود آشنا شوند و بتوانند به فرزندان و دانش‌آموزان کمک شایان توجهی بنمایند و آنها را برای رویارویی با انواع رفتارها و اخلاقیات و مشکلات مختلف در جامعه آماده سازند چرا که اگر فرزند دارای تربیت صحیح باشد به راحتی میتواند با مشکلاتی که در جامعه به آنها برخورد میکند روبه‌رو شده و راهکاری مناسب بیابد.

از دیگر اهداف آن است که اصول و روشهای تربیت بیان شود تا با ارائه راهکارهای تازه و بدیع و منطبق با فطرت فرزندان نگرشی به تربیت آنها و تأثیر تربیت در الگوپذیری فرزندان داشته باشد.

از جمله فوایدی که میتوان به صورت کاربردی بیان کرد این است که بتوان این تحقیق را در مراکز دبستانی و راهنمایی و خانواده‌ها به کار برد و با استفاده از اصول و روشهای تربیت بتوانند فرزندان و دانش‌آموزان را به تربیت صحیح و الگو بودن ملبس کنند.

#### ۴-۱- بررسی پیشینه و سابقه‌ی موضوع

مسأله تعلیم و تربیت از زمانی که خداوند انسان را خلق کرد مطرح شد، همان زمانی که آدم به خاطر نافرمانی از بهشت رانده شد. خداوند برای اینکه او بتواند این اشتباه خود را جبران کند اسماء حسنا‌ی خود را به او آموخت و این اولین نهاد تربیتی بود که بنا شد. بعد از این جریان پیامبران متعددی برای هدایت و تربیت انسان‌ها فرستاده شدند و انسان طبق فطرت خود تحت تأثیر فرمان الهی قرار میگرفت آنها را میپذیرفت و عمل می‌نمود یا اینکه از آنها نافرمانی میکرد تا اینکه خداوند آخرین پیامبر خود را با دینی کامل فرو فرستاد که جامع و کامل بود و دستوراتی در رابطه با تعلیم و تربیت هم در آن به چشم میخورد.

در این باره کتاب تربیت نوشته‌ی آیت الله امینی کتاب خوبی است که در آن درباره‌ی تربیت فرزندان، مسئولیت پدران و مادران، اهمیت تربیت، دوران کودکی، ادب کودکان، احترام به قانون، راستگویی و... بیان شده است. کتاب تربیت فرزند در پرتو رهنمودها و رفتار پیامبر نوشته‌ی آقای حبیب الله میرزایی که درباره‌ی وظایف والدین در دوران جنینی و شیرخوارگی کودک، پرورش دینی و اعتقادات کودکان و وظایف مربیان و... سخن گفته است.

این تحقیق بنا دارد که تمام مسائل مربوط به تربیت در هفت سال دوم را در کنار هم مورد بررسی قرار دهد و اصول و روشهای تربیتی مناسب را ارائه دهد تا والدین و مربیان بتوانند با به کار بردن این اصول و روشها افراد سالم و صالحی تحویل جامعه دهند.

## **۵-۱- طرح مسأله و پرسشهای تحقیق**

### **سؤال اصلی:**

چرا تربیت کودک در هفت سال دوم از نظر اسلام اهمیت دارد؟

### **سؤالات فرعی:**

- ۱- اهمیت و ضرورت تربیت از دیدگاه اسلام چیست؟
- ۲- تربیت در سنین ۷ تا ۱۴ سالگی شامل چه مراحل می باشد؟
- ۳- اصول و روشهای تربیتی مربوط به هفت سال دوم کدام است؟

## **۶-۱- فرضیه تحقیق**

- بیشترین تأثیرات تربیتی از سنین ۷ تا ۱۴ سال است.
- شناخت کامل از خصوصیات جسمی و روحی در روند تربیت بهتر، مؤثر است.
- تربیت صحیح در دوران کودکی در پیشگیری از بسیاری از بزهکاریهای اخلاقی و اجتماعی در دوران نوجوانی و جوانی مؤثر است.

## ۷-۱- روش تحقیق

روش این تحقیق، کتابخانه‌ای، تحلیلی و توصیفی است.

## ۸-۱- ساختار و محدوده ی تحقیق

پژوهش حاضر از مقدمه، دو بخش و نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش اول کلیات بحث مطرح شده است که شامل دو فصل است که در ابتدا کلیات طرح تحقیق بیان شده است و در فصل دوم به معنای تربیت، اهداف و ضروریات و انواع تربیت پرداخته شده است.

بخش دوم نیز شامل دو فصل است در ابتدا مراحل تربیت و شناخت دوران ۷ تا ۱۴ سال بیان شده است که این خود دارای دو قسمت است. قسمت اول ویژگیها و مراحل تربیت را در دوره‌ی سنی ۷ تا ۱۱ سال بررسی کرده و قسمت دوم ویژگیها و مراحل تربیت در دوره‌ی سنی ۱۲ تا ۱۴ سال را مورد بررسی قرار داده است.

و در فصل دوم اصول و روشهای تربیتی بیان شده که در آن به اصولی مانند احترام، وفای به عهد، راستگویی، آزادی، عدم تبعیض در خانواده و ... اشاره شده است که همگان در فطرت خود از اینگونه رفتارها لذت میبرند و در قسمت روش به روشهای مفید و مؤثر و آسبیزا پرداخته شده که روش های مفید و مؤثر خود شامل رفتارهایی است که والدین باید با فرزندان خود داشته باشند تا در تربیتشان موفق شوند و آن شامل روش الگویی، محبت، تکریم شخصیت، تشویق و... میباشد و روشهای آسبیزا روشهایی است که اگر والدین به آنها رو بیاورند نه تنها در کار تربیتی خود موفق نخواهند بود بلکه اثرات مخربی نیز خواهد داشت و آن نیز شامل اجبار و تحمیل، توهین و تحقیر، ناهماهنگی والدین و تنبیه است.

## **۹-۱- واژگان کلیدی**

تربیت: بار آوردن با علم، و پرورش توانائیهای انسان است یعنی زمینهای فراهم شود که استعدادهای انسان به تدریج شکوفا شود تا به کمال برسد.

کودک: طفل، صغیر و کسی که به حد بلوغ نرسیده باشد. در این تحقیق منظور هفت سال دوم زندگی فرد میباشد.

هفت سال دوم: دوران سنی ۷ تا ۱۴ سالگی میباشد.

## فصل دوم

# مفاهیم و ضرورت تربیت و انواع آن

## ۲- مفاهیم و ضرورت تربیت و انواع آن

کودک در ابتدای آفرینش هنوز شکل نگرفته و برای هر یک از سعادت و شقاوت آمادگی دارد، میتواند یک انسان کامل گردد و یا به صورت یک حیوان پست و فرومایه در آید سعادت و شقاوت آینده هر فردی، به کیفیت پرورش او بستگی دارد و این کار بزرگ بر عهده‌ی پدر و مادر نهاده شده است.

امام صادق(علیه السلام) میفرماید: « اِنَّ خَيْرَ مَاوَرَّتْ الْاَبَاءُ لِابْنَائِهِمُ الْاَدَبُ لَا الْمَالُ »<sup>۱</sup> «بهترین

ارثی که والدین برای فرزندان خود باقی میگذارند، ادب و تربیت صحیح است نه مال و ثروت». اغلب کجرویها، فسادها و انحرافات و ناهنجاریهای اخلاقی و رفتاری آدمی از آنجا شروع میشود که از قوانین طبیعی تربیت خارج میشود. شتابزدگیهای کودکانی بزرگسالان در تربیت، دلسوزیهای افراطی، حساسیتهای و سختگیریهای بیش از حد و مرز و اقدامات ناشیانه‌ای که با قصد تربیت و با نیت خیر خواهانه انجام میشود مانع شکوفایی قابلیت‌های فطری و سرمایه‌های کمال زایی طبیعت کودک میگردد و با شکوفا نشدن استعدادها نمیتواند به کمال برسد.<sup>۲</sup>

### ۲-۱- معنا و مفهوم تربیت

واژه‌ی تربیت ، بر پرورش دادن استعدادهای انسانی یعنی فراهم کردن زمینه‌ی رشد

---

۱ . مهدی ، حسینی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی ، تهران ،انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۷۵ش، ص ۲۸۱.

۲ . ابراهیم ، امینی، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی ، ۱۳۵۹ش، ص ۱۱.



استعدادهای آدمی دلالت میکند. این واژه از ریشه «رَبُّو» به معنی زیادت، فزونی، رشد و برآوردن<sup>۱</sup>، پرورش دادن<sup>۲</sup>، پروراندن<sup>۳</sup>، ادب آموختن و با علم و با ادب شدن<sup>۴</sup> و نیز به معنای رشد و نمو و به سوی هدف و غایتی که کمال آن شیء است<sup>۵</sup> آمده است.

«رَبَّيْتُ الْوَلَدَ قَرَبًا» یعنی فرزند را تربیت کردم و او رشد کرد.<sup>۶</sup> «رب» دراصل به معنای تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و کمال خود برسد.<sup>۷</sup>

به طور کلی تربیت عبارت است از: هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکاملی بشر یا ایجاد هیئت تازه در فرد به منظور فراهم آوردن زمینه جهت رشد و تکامل همه جانبه او.<sup>۸</sup>

درقرآن کریم در رابطه با تربیت آیاتی بیان شده است اما نه با لفظ تربیت بلکه با واژه ترکیه که مراد همان تربیت و تهذیب است «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۹</sup> «خداوند بر اهل ایمان منت نهاد که رسولی از خود آنان در میانشان برانگیخت تا آیات خدا را بر آنها تلاوت کند و نفوس آن را از هر نقص و آلائش پاک گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد».

۱. جمال الدین محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، چاپ سوم، بیروت، انتشارات دار صادر، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۶.

۲. مصطفی، حسین دشتی، معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)، ج ۲، تهران، انتشارات فرهنگی آرایه، ص ۴۰۰.

۳. محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۱ش، ص ۷۴۹.

۴. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۸ش، ص ۷۲۰ و حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۶.

۵. امیر حسین، بانکی پورفرد، تربیت از منظر ولایت، اصفهان، انتشارات شهید حسین فهمیده، ۱۳۸۱ش، ص ۵۳.

۶. ابوالقاسم الحسن بن محمد، الراغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۳ش، ص ۳۴۰.

۷. همان، ص ۱۸۴.

۸. م. سجادی، ۴۰۵ نکته در تربیت، چاپ اول، اصفهان، انتشارات گل افشان، ۱۳۸۱ش، ص ۸.

۹. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۶۳.

دو نکته در این آیه شریفه شایان توجه است. اول اینکه یکی از اهداف مهم بعثت پیامبر (صلی الله علی وآله) تزکیه و اصلاح نفوس است دوم اینکه تزکیه قبل از تعلیم آمده یعنی پرورش قبل از آموزش، برخلاف اصطلاح رایج بین فارسی زبانان که معمولاً آموزش را مقدم بر پرورش میدانند.<sup>۱</sup> از این رو فهمیده میشود که فرق است بین تعلیم و تربیت، تعلیم آموزش و یاد دادن مطلبی به دیگری است اما تربیت، سازندگی، و پرورش شخصیت میباشد، با تربیت میتوان افراد را به شکل دلخواه ساخت و در نتیجه، اجتماعی را دگرگون کرد.<sup>۲</sup>

البته تمام اینها در صورتی است که روشها و اهداف تربیت، هماهنگ با فطرت و سرشت و استعدادهای نهفته انسان باشد چه بسیار تربیتهایی که به جای ساختن شخصیت انسان، مایه سوختن استعدادهای او میشود.<sup>۳</sup>

## ۲-۲- معنا و مفهوم کودک

دوران زندگی بشر به سه قسمت تقسیم میشود: ۱- دوران کودکی و نوجوانی ۲- دوران جوانی و میان سالی ۳- دوران پیری و کهن سالی؛ در میان این دورههای مختلف دورهی کودکی و نوجوانی مهمترین و حساسترین دورهی زندگی بشر از حیث تربیت است. این دوره براساس روایات از ابتدای تولد تا سن ۲۱ سالگی میباشد.<sup>۴</sup> در نتیجه دوره کودکی انسان از تمام حیواناتی که دوران کودکی دارند طولانیتر است. طولانی بودن دورهی کودکی انسان تنها به ضعف جسمانی و وابستگی بدنی او به بزرگترها مربوط نیست بلکه مهمتر از آن طول دورههای است که کودک و نوجوان صرف ساختن و پرورش روانی خود میکند ساختمان روانی

۱. حبیب الله، میرزایی، تربیت فرزند در پرتو رهنمودها و رفتار پیامبر، چاپ دوم، مشهد، انتشارات عروج اندیشه، ۱۳۸۶، ص ۲۰.

۲. ابراهیم، امینی، تربیت، چاپ چهارم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۱۵.

۳. حبیب الله، میرزایی، همان کتاب، ص ۳۴.

۴. همان، ص ۲۰.

انسان، از آن جمله ساختار ذهنی او، در یک دوره‌ی حداقل پانزده ساله به کمال خود نزدیک میشود.

میتوان تحول انسان را از این زاویه به ساخته شدن بنایی تشبیه کرد که در طی این زمان شکل میگیرد و به تدریج ساخته میشود. آنچه زیر بنای تربیت قرار میگیرد، همین ساختار رو به کمال است.<sup>۱</sup> دوران کودکی و نوجوانی خود دارای سه مرحله‌ی تربیتی است که هر مرحله‌ای براساس نیاز و تغییرات روحی و جسمی و عقلی انسان پایشی شده است.<sup>۲</sup> که در روایات به این صورت بیان شده است: امام صادق «علیه السلام» میفرماید: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبْ سَبْعًا...»<sup>۳</sup>، «فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کند و هفت سال او را با آداب صحیح تربیت کن و...»

پیامبر اکرم (صلی الله علی وآله) نیز فرمودند: «أَلَوْلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ زَيْرُ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيتَ اخْلَاقَهُ لِاحِدَى وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا مَا ضَرَبَ عَلِ جَنْبِهِ فَقَدْ اعْذَرْتَ اِلَى...» «فرزند در هفت سال اول زندگی، آقا و سید پدر و مادر است، در هفت سال دوم بنده‌ی مطیع آنها (یعنی باید مورد امر و نهی و تربیتی پدر و مادر قرار گیرد، و هفت سال سوم وزیر و مشاور پدر و مادر است اگر در سن ۲۱ سالگی اخلاقش رضایت بخش بود (که خوب) و اگر نه نوک پای به او بزن (کنایه از اینکه به او دل نبند) و تو نزد خداوند معذوری.»<sup>۴</sup>

در میان مراحل سه گانه‌ی تربیتی ۷ سال اول که دوران فرمانروایی طفل است دارای حساسیت، ظرافت و تأثیر خاصی میباشد زیرا در این مرحله‌ی است که کودک شکل میگیرد و شخصیت آینده‌ی او پایه گذاری میشود و لکن به پای مرحله‌ی دوم (۷-۱۴ سالگی) نمی - رسد چرا که در روایات از آن به عنوان دوره‌ی ویژه‌ی تربیت یاد شده است و این مرحله از

۱. علی اصغر، احمدی، اصول تربیت، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۷، ص ۴۲.

۲. حبیب الله، میرزایی، همان کتاب، ص ۵۴.

۳. شیخ حسن، فرزند شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲.

۴. همان، ص ۲۲۲.

اهمیت بیشتری برای تربیت برخوردار است.<sup>۱</sup> کودک در لغت به معنای کوچک، طفل صغیر آمده و نیز فرزندی که به حد بلوغ نرسیده باشد خواه دختر باشد یا پسر.<sup>۲</sup>

منظور از کودک در این تحقیق کودک در ۷ سال دوم است که از سن (۷-۱۱) سالگی کودک است و به حد بلوغ نرسیده و از سن (۱۲-۱۴) سالگی کم کم پا به دورهی بلوغ و نوجوانی میگذارد همان طور که از نظر گذشت در روایات دوران کودکی را به دو مرحله تقسیم کردند کودکی اول از تولد تا ۶ سالگی و کودکی دوم از ۷ سالگی تا ۱۴ سالگی. اگرچه سه سال آخر این مرحله کودک وارد مرحلهی بلوغ و نوجوانی میشود ولیکن براساس آنچه گفته شد تمام این دوره ی (۷-۱۴) سال را کودکی مینامند.

### ۳-۲- اهمیت و ضرورت تربیت در هفت سال دوم

دین مقدس اسلام برای تربیت کودک اهمیت زیادی قائل شده است و کودکان را اماناتی در دست والدین میداند و تربیت را به عنوان یکی از حقوق فرزندان و در عین حال یکی از وظایف والدین در نظر گرفته است و در روایات زیادی بر این امر تأکید کرده است. امام سجاد (علیه السلام) در رسالهی حقوق خود در مورد حق فرزندان میفرماید:

«اما حق فرزندت این است که بدانی او از توسل و در نیک و بد این جهان منسوب به تو و

تو به حکم ولایتی که بر او داری، نسبت به تربیت صحیح و آموختن آداب نیکو و راهنمایی و

شناساندن ذات خداوند یکتا و کمک در اطاعت و پیروی از او مسئولی، باید دربارهی او همانند کسی

رفتار کنی که میداند در نیکی به وی، اجر و پاداش است و در بدی و زشتی به او، کیفر و عقاب.»<sup>۳</sup>

۱. حبیب الله، میرزایی، همان کتاب، ص ۵۷.

۲. مجید، وزیری، حقوق متقابل کودک، ولی در اسلام و مواد تطبیقی آن، تهران، انتشارات بینالملل، ۱۳۸۱، ص ۴۷.

۳. فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، چاپ اول، جلد ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۴۲۸.

فرزند صالح بهترین میراثی است که از انسان باقی میماند زیرا هر کس او را ببیند و از اخلاق و رفتار صحیح او لذت ببرد برای پدر و مادر و مربیان شایسته و لایق او طلب مغفرت میکند و صرفنظر از دعای خیر مردم اصولاً عمل درست فرزند سبب متعالی شدن مقامات و درجات پدر و مادر در جهان آخرت میشود چرا که اگر نیکی کند، آن نیکی به حساب والدین او نیز ثبت میشود و اگر بدی هم انجام دهد، باز والدین در عمل او شریکند.<sup>۱</sup> خداوند در قرآن میفرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً» مال و فرزندان زینت زندگی این دنیاست و کارهای شایسته ماندنی، نزد پروردگارت به پاداش و امید آن بیشتر است.<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیت این مسأله در احادیث نیز به آن اشاره شده است و ارزش داشتن فرزند صالح نمایانتر میشود. رسول اکرم (صلی الله علی وآله) میفرماید: «الولدُ الصالحُ ریحانةٌ من ریحانِ الجنة» «فرزند صالح، نهال سبز و خوشبویی از نهالهای بهشت است».<sup>۳</sup> با توجه به آنچه که بیان شد اهمیت امر تربیت از اینجا معلوم میشود که اگر کودکی با تربیت صحیح و اسلامی پرورش یابد میتواند در جامعه خود نیز تأثیرگذار باشد و اگر همهی افراد جامعه با چنین تربیتی بزرگ شوند جامعهای متمدن و رو به پیشرفت و ترقی به وجود خواهد آمد. طبق روایات مرحلهی اول کودکی ۶ یا ۷ ساله اول عمر کودک محسوب میشود، روانشناسان اهمیت فراوانی برای این مرحله قائلند تا آنجا که در اهمیت بخشیدن به آن راه غلو پیموده و آن را مرحلهای حساس و سرنوشت ساز در زندگی قلمداد کرده و بیان داشتهاند رفتار آیندهی فرد، مطابق با نوع پرورش نخستین دوران کودکی شکل میگیرد اما در نظریات

۱. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، گلی خوشبو از جانب خداوند، پژوهشگر: رضا بصیرت، قم، انتشارات شهاب الدین، ۱۳۸۸، ص ۴۳.

۲. سوره کهف (۱۸)، آیه ۴۶.

۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، چاپ دوم، بیروت (لبنان)، انتشارات مؤسسه علمی مطبوعات، ۱۴۲۶ق، ص ۴۸۱.

اسلامی این مطلب روشن است که مرحله‌ی اول کودکی حائز اهمیت است ولی دومین

مرحله‌ی آن نسبت به اولی از اهمیت بیشتری برخوردار است.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علی وآله) میفرماید: « **الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ و ...** »

«کودک به مدت هفت سال آقا و فرمانده است و مدت هفت سال دیگر عبد است و...»<sup>۲</sup> طبق

این روایت ۷ سال دوم زندگی کودک دوران اطاعت و بندگی کودک است در این دوره

تغییرات محسوسی در تن و روان کودک پدید می‌آید جسم او نسبتاً قویتر، ذهنش رشد

یافته‌تر و فهمش بیشتر میشود، رابطه‌ی اجتماعی وی با مادر کمتر میشود و شور و علاقه‌ی

خاصی برای ارتباط با دیگر کودکان نشان میدهد، تا جایی که پس از پذیرش از سوی

همسالان و افراد گروه به آرامش میرسد ولی از آنجا که هنوز به رشد کافی عقلانی برای

تشخیص مصلحت خود نرسیده، نیازمند آگاهی و تربیت مستقیم هستند.

در این دوره نباید به کودک آزادی کامل داد و از اشتباهات و خلافهایش چشم پوشید

اگر کودک دوران سیادت را به طور طبیعی و در محیطی مناسب و اطمینان بخش سپری کرده

باشد، در دوران تأدیب دارای نوعی تعادل روانی خواهد بود، و برای اطاعت پذیری و حرف

شنوی از والدین مقاومت به خرج نمیدهد، این دوره باید تکمیل کننده‌ی دوره‌ی قبل در

تربیت باشد یعنی مربی باید تمام امکانات تربیتی را فراهم ساخته، کودک را تحت نظارت کامل

خویش قرار دهد و آموزشهای لازم را به او بیاموزد.<sup>۳</sup>

استاد شهید مطهری درباره‌ی اهمیت این دوران میفرماید: آیا در دوره‌های مختلف عمر

تأثیر تربیت یکسان است؟! مسلماً دوره فرق میکند و بعضی دوره‌ها تناسب و موقعیت بسیار

بهتری دارد برای شکوفا شدن استعدادها، همین دوره‌ی بعد از ۷ سالگی که در احادیث هم به

---

۱. محمد، بستانی، اسلام و روانشناسی، ترجمه: محمود هویشم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷، ص ۶۸.

۲. شیخ حسن، فرزند شیخ طبرسی، همان کتاب، ص ۲۲۲.

۳. حبیب الله، میرزایی، همان کتاب، ص ۶۳.

آن عنایت شده دورهی بسیار مناسبی است.<sup>۱</sup> امام صادق (علیه السلام) نیز دربارهی این دوره میفرماید: «الزَّيْمَةُ نَفْسُكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيهِ» «اطاعت از فرامین دستورات را به مدت ۷ سال بر او واجب ساز، پس اگر نجات یافت که چه نیکو است و اگر نه خیری در او نیست».<sup>۲</sup> جملهی خیری در او نیست دقیقاً مؤید این نکته است که اگر در پرورش رفتارهای مثبت در این دوره موفقیتی حاصل نشود، در این صورت، اصلاح و تغییر رفتار، در حکم یک امر محال و ناممکن است.

طبیعی است که این اندازه تأکید، اهمیت پرورش در مرحلهی دوم کودکی را نشان میدهد، اما تأکید امام (علیه السلام) با چنین عبارتی بیشتر برای جلب توجه و نظر ماست تا نشان دهد که در بعضی شرایط و احوال، شخصیت مطابق با نوع پرورش در این مرحله به گونهای شکل میگیرد که دیگر تغییر رفتار در آینده محال میشود. مهمترین مسأله قابل توجه در این جا آن است که تفاوت بین دیدگاه اسلام و روانشناسی را از نظر تعیین مرحلهی حساس و تعیین کننده در رفتار آتی فرد، مد نظر داشته باشیم به طوری که در اکثر نظریات روانشناسی، مرحله - ی اول تعیین کننده است اما از نظر شارع اسلام مرحلهی دوم تعیین کننده معرفی میشود. به هر حال ارزش و اهمیت مرحلهی دوم کودکی به نحوی است که شارع اسلام بدان اشاره کرده و این مطلب نه تنها از نوع دستورهایی که اشاره به اهمیت این مرحله دارند استنباط میشود بلکه حتی از نوع و چگونگی برخورد با کودکان در تمام زمینههای رفتاری نیز به دست می آید که میتوان از احادیث راجع به برخورد با کودکان به اهمیت این مرحله پی برد.<sup>۳</sup>

---

۱. مرتضی، مطهری، تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۴، ص ۳۸.  
۲. علی رضا، صابری یزدی، محمد رضا، انصاری محلاتی، الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، چاپ دوم، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۴.  
۳. محمود بستانی، همان کتاب، ص ۹۳.

## ۴-۲- آغاز تربیت از دیدگاه اسلام

تربیت از دیدگاه اسلام، سالها قبل از تولد به صورت غیر مستقیم آغاز میگردد، یعنی قبل از انعقاد نطفه پدر و مادر.<sup>۱</sup>

روانشناسی به نام دکتر سیلوآنوس استال در یکی از کتابهایش مینویسد از حکیمی پرسیدند از چه زمان تربیت را باید آغاز کرد؟ در پاسخ گفت: از بیست سال قبل از تولد و اگر به نتیجهی لازم نرسیدید معلوم میشود که باید زودتر از آن شروع میکردید<sup>۲</sup> حال اگر بخواهیم شروع زمان تربیت را به ترتیب بیان کنیم به صورت زیر است:

### ۱-۴-۲- تربیت فرزند ۲۰ سال قبل از تولد

بسیاری از اخلاق و روحیات والدین به فرزند آنان منتقل میشود و والدین اگر دوست دارند فرزندانیشان دارای صفات نیک باشند. باید همان صفات را در خود پرورش دهند، و اگر دوست دارند صفات ناپسند در فرزندشان وجود نداشته باشد، باید همان صفات را از خود دور کند و به بیان بهتر، هر یک از والدین برای تربیت صحیح فرزندان، در درجهی اول باید خود را تربیت کند و بنا بر آنچه بزرگان اخلاق گفتهاند اگر فردی بخواهد صفات رذیلهی نفس خود را پاک کند و به جای آن صفات نیک بکارد، حداقل باید بیست سال بر نفس خود مسلط باشد و آن را مطیع خود کند. فلذا برای تربیت فرزند، باید بگوییم بیست سال قبل از تولد فرزند، والدین باید با تربیت نفس خود، فرزندشان را نیز بالتبع تربیت کنند.<sup>۳</sup>

---

۱. حبیب الله، میرزایی، همان کتاب، ص ۴۴.

۲. اعظم، منصوری، مهمترین روشهای ارتباط و تربیت کودکان، چاپ سوم، اصفهان، انتشارات حسین فهمیده، ۱۳۸۴، ص ۱۵.

۳. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۷۵.



## ۲-۴-۲- تربیت فرزندان از زمان انتخاب همسر

زمانی که مردی به خواستگاری زنی میرود و یا زنی به خواستگاری مردی جواب مثبت میدهد، باید به این نکته توجه داشته باشد که علاوه بر اینکه میخواهد برای خود همسری انتخاب کند در درجهی بالاتر قصد دارد پدر و مادر آیندهی فرزند خود را انتخاب نماید.<sup>۱</sup>

شارع اسلام بر گزینش همسر پیوسته تأکید فراوان دارد. امام صادق (علیه السلام) مردم را از ازدواج با بعضی اشخاص یا اقوام که دارای صفات بدی بودند منع کرده است و توضیح می - دهد، چون در اصل و نژاد آنها، این صفات بد موجود است لذا اثر سوء خود را بر ژنها خواهد گذاشت<sup>۲</sup> و باز ایشان میفرمایند: « فَتَخَيَّرُوا لِنُطْفَتِكُمْ » برای نطفه‌های خود بهترین را اختیار کنید.<sup>۳</sup>

## ۲-۴-۳- تربیت فرزند از هنگام انعقاد نطفه

برای انعقاد نطفه، دستورات زیادی از طرف شرع وارد شده است که عمل نمودن به آنها از یک سو، باعث مطلوب شدن زندگی زناشویی میشود و از سوی دیگر باعث به وجود آمدن نوزادی سالم، قوی و باهوش میگردد.

زمان انعقاد نطفهی فرزند، مکان آن، فکر و اندیشهی زوجین در آن لحظه، خصوصیات روحی والدین و بسیاری شرایط دیگر که رعایت آنها تأثیر زیادی بر رشد جسمی و روحی نوزاد خواهد گذاشت.<sup>۴</sup> مثلاً در حالت قانندگی، احتلام و خضاب بستن، نزدیکی و مجامعت، آثار نامطلوبی را در طول انعقاد نطفه بر جنین بر جای خواهد گذاشت این آثار نامطلوب به

۱. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۷۴.

۲. محمود بستانی، همان کتاب، ص ۵۷.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه وآله)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۲، ص ۳۸۱.

۴. مؤسسه پژوهشهای دینی، امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۷۳.

صورت ضایعات عقلی و روانی و جسمی بروز میکند. مانند: روان پریشی (دیوانگی)، کوری، کرو لالی، بیماریهای پوستی و جذام.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴-۲- تربیت فرزند از رحم مادر

دوران بارداری یکی از حساسترین دورهها است چرا که در این زمان ساختمان روانی و جسمانی کودک پیریزی میشود و به این علت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «دقت کن فرزندان را در کدام رحم قرار میدهی، که همانا اصل و ریشه تاثیرگذار است.»<sup>۲</sup> و نیز فرمودند: «برای نطفههای خود بهترین رحمها را برگزینید چرا که زنان شما فرزندانی همانند برادران خود به دنیا خواهند آورد.»<sup>۳</sup>

در دوران بارداری عوامل مادی و معنوی زیادی وجود دارد که میتواند نقش موثری در سعادت‌مندی فرزندان ایفا کند. باید توجه داشت که اخلاق و عقاید مادر، اعمال و رفتار و نیز نوع تغذیه و چگونگی آن، جسم و روح جنین را به شدت تحت تأثیر قرار میدهد. پس لازم است که در این دوره‌ی نه ماهه که وجود کودک جزئی از وجود مادر میباشد، مادر مراقب باشد و تربیت خود را از همان لحظه که جنین را در خود میپرورد آغاز کند و بتواند فرزندش را با فطرتی نیکو به دنیا بیاورد.

البته در این راستا ناگفته نماند که پدر هم در این زمان نقش کلیدی را ایفا میکند و باید با برخوردهای محبت‌آمیز، زمینه آرامش روانی مادر را فراهم کند و بیش از هر زمان دیگر به مادر محبت کند و نیز سعی داشته باشد تا لقمهی حلال را برای آنها فراهم کند چرا که لقمهی حلال اثر بسیاری بر روح و روان جنین دارد.

۱. محمود بستانی، همان کتاب، ص ۵۷.

۲. محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامهی کودک، مترجم: عباس پسندیده، قم، انتشارات دار الحدیث، ۱۳۸۶، ص ۳۹، به نقل از کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۵۵، ح ۴۳۴۰۰.

۳. همان، ص ۳۹، به نقل از کشف الغم، ج ۲، ص ۳۳۹، ح ۲۹۱۷.

پس باید توجه داشت که پدر و مادر در رابطه با فرزندان وظیفه‌ی خطیری به عهده دارند و نباید این فکر غلط را در ذهن داشته باشند که وقتی بزرگ شد شروع به تربیت او کنند بلکه تربیت از زمان قبل از بارداری آغاز میشود و در طی مراحل مختلفی به گونه‌های متفاوت صورت میگیرد تا اینکه فرد صالح و سالمی به وجود آید و بتواند با تربیت صحیحی که دارد الگویی برای نسلهای بعد شود.

## **۵-۲- انواع تربیت**

تربیت زیر بنای رفتار انسان است و انسان با تربیت صحیح است که استعدادهای نهفته‌اش شکوفا میشود و به کمال خود میرسد. ولی این در صورتی است که تربیت با برنامه‌ی حساب شده صورت گیرد و همان طور که میدانید روح انسان ابعاد گوناگون دارد لذا تربیت نیز انواع گوناگون دارد که هر یک از آنها در جای خود حائز اهمیت است که در این قسمت به آنها پرداخته میشود.

### **۱-۵-۲- تربیت اخلاقی**

تربیت اخلاقی از مهمترین نوع تربیت است و والدین موظفند علاوه بر اینکه به فرزندان خود محبت کنند، مسائلی را که دین بر آنها تأکید دارد آموزش دهند و... . وظیفه مهم دیگری که دارند این است که آنها را با اخلاق بار بیاورند یعنی رفتارهای خوب را به فرزندان‌شان آموزش دهند و از رفتارهای بد آنها را، باز دارند. زمانی که والدین فرزندان‌شان را تشویق به سخاوت میکنند یا او را به خاطر دروغ گفتن سرزنش میکنند در واقع آنها در حال تربیت اخلاقی فرزندان‌شان هستند و او را به عنوان عضوی مفید برای جامعه پرورش میدهند.<sup>۱</sup>

باید دانست که یادگیری و پذیرش ارزشهای اخلاقی در سه مرحله شکل میگیرد:

---

۱. علی، قائمی، خانواده و تربیت کودک، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳، ص ۱۶.

در مرحله اول، پیامدهای زود گذر و آنی مورد نظر است و علت، ترس از تنبیه و جذب لذت و احساس خوشایندی است.<sup>۱</sup> در این مرحله کودکان و نوجوانان توجهی به معنا و ارزش اعتباری و اهمیت اعتقادی معیارهای ارزشی رفتار خویش ندارند. بلکه از دیدگاه آنها درست و نادرست، خوب و بد، براساس آثار و پیامدهای ملموس جسمانی ارزیابی میشود. زیرا پدر و مادر یا مربی در مقام تسلط و اقتدار هستند. از این رو، پذیرفتن و اطاعت کردن از صاحبان اقتدار و احترام و افراد معتبر و قدرتمند، مهمترین شاخصه این مرحله است و کودکان و نوجوانان در تحلیل نهایی و علتیابی منطقی، دلیل اطاعت را اجتناب از تنبیه «دوری از درد و الم» و نزدیک شدن به احساس خوشایندی (خوشی و لذت) میدانند.<sup>۲</sup>

در مرحله دوم، ترس از دست دادن موقعیت در جمع گروه و میل به احساس خوشایندی در جمع و گروه است. در اینجا به جای اقتدار فردی، اقتدار جمعی و اجتماعی حاکم است توجه به گروه و محرومیت و طرد از موقعیت در گروه، عامل انجام کار و اطاعت است در حقیقت، اینجا پذیرش وعدم پذیرش مقررات اخلاقی به احساس خوشایندی و لذت در گروه یا احساس ناخوشایندی در اثر محرومیت از گروه حاکم بود و در اینجا اقتدار گروهی و اجتماعی حاکم بر ذهن است.<sup>۳</sup>

ولی در مرحله سوم عامل یادگیری و اطاعت از قوانین و مقررات، نه ترس از اقتدار فرد و یا گروه و از دست دادن موقعیت است و نه احساس خوشایندی برای مقبولیت در جمع، بلکه در موقعیت آزاد و دور از هر گونه اجبار، تهدید و تطبیقی، در جوی کاملاً معنوی و همراه با احترام متقابل، فرد خود آگاهانه آن رفتار را انتخاب میکند، به ارزش آن پی میبرد، ضرورت آن را درک کرده و به عمل مبادرت میورزد. فرد احساس میکند که باید با دیگران آنچنان

---

۱. محسن، تنه کار، تربیت دینی کودکان، چاپ اول، قم، انتشارات نسیم حیات، ص ۱۲۱.  
 ۲. رضا، فرهادیان، تربیت برتر، چاپ سوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰. ص ۸۹.  
 ۳. محسن، تنه کار، همان کتاب، ص ۱۲۱.

رفتار کند که خود تمایل دارد با وی رفتار نمایند با عقل و منطق، اهمیت، ارزش و ضرورت اجرای مقررات را درک میکند و این درک و یادگیری به طور طبیعی به عمل میپیوندد.<sup>۱</sup>

تمام سعی و تلاش والدین و مربیان تربیتی باید این باشد که انگیزی پذیرش مقررات اخلاقی را در کودکان و نوجوانان به جایی برسانند که آنها همانند مرحله سوم قوانین و مقررات اخلاقی را یاد بگیرند و به آن عمل کنند چه کسی باشد یا نباشد، چه منفعتی باشد برای آنها یا نباشد. در این رابطه توجه به نکات زیر برای والدین در مربیان تربیتی قابل توجه میباشد.

- ۱- زمینهای را ایجاد کنند تا کودکان و نوجوانان خود به ارزشهای اخلاقی پی ببرند.
- ۲- درک مفاهیم اخلاقی باید متناسب با ظرفیتهای ذهنی، عقلی و عاطفی کودکان و نوجوانان باشد.
- ۳- در مقابل رفتارهای غلط و عکسالعمل های نامناسب کودکان و نوجوانان از واکنش سریع بپرهیزند.

- ۴- یاد خدا را در مقابل آنها زنده نگه دارند.<sup>۲</sup>
- ۵- نسبت به رفتار و اعمال خود مراقب باشند بسیاری از والدین تربیت را پند و اندرزو امر و نهی میدانند و فکر میکنند فقط هنگامی که با فرزندان صحبت میکنند و امر و نهی میکنند مشغول تربیت هستند غافل از اینکه کودکان و نوجوانان به گفتار والدین عمل نمیکند بلکه به رفتار والدین عمل میکنند یعنی آنها به شنیدهها وقتی عمل میکنند که با دیدههایشان یکسان باشد لذا وقتی والدین خود دروغی میگویند نباید از فرزندانشان انتظار راستگویی داشته باشند.<sup>۳</sup>

---

۱. محسن، تنه کار، همان کتاب، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۱۲۶.

۳. ابراهیم، امینی، تربیت، همان، ص ۲۷.

## ۲-۵-۲- تربیت دینی

هر کودکی علاوه بر نیازهای مادی و دینی، نیازهای معنوی و روحانی هم دارد و والدین همانگونه که بر خود لازم میدانند نیازهای مادی کودک از جمله خوراک، پوشاک و مسکن او را تأمین کنند موظفند نیازهای معنوی او را برطرف نموده و با تربیت دینی، باعث رشد و تعالی روح او شوند.<sup>۱</sup>

تمام تلاش والدین برای دین باوری و تربیت دینی باید این باشد که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد، هر یک از اعضای خانواده باید در منزل احساس امنیت روانی کند فرزندان باید کانون خانواده را امنترین محل و پناهگاه بدانند تا راز دل خود را با والدینشان در میان نهند و از آنها چارهجویی نمایند.<sup>۲</sup> هر چند ارتباط کلامی و عاطفی در خانواده بیشتر باشد، فرزندان بیشتر به دعوت والدین به امر دین پاسخ میدهند در هر فرصتی باید با فرزندان صحبت کرد، محرمانه و صمیمانه با او ارتباط کلامی و عاطفی برقرار ساخت.<sup>۳</sup>

در مسائل دینی و عبادتها نباید سختگیری بیجا داشت زیرا در روحیهی فرزندان اثرات منفی میگذارد بنابراین باید سعی شود فرزندان را با محبت و احترام با مسائل دینی و عبادی آشنا کرد و در این مورد، توان و طاقت فرزندان را هم در نظر گرفت و با استفاده از تشویق و جایزه، فرزندان را به امور دینی ترغیب کرد.<sup>۴</sup>

همانطور که بیان شد در ۷ سال دوم کودکان روحیهی اطاعت پذیری بالایی دارند تمام سعی و تلاش والدین و مربیان تربیتی باید به گونهای باشد تا در این دوران با رفتار و اعمال خود کودکان را علاقمند به امر دین و عبادت کنند تا در زمان ۷ سال سوم خود فرزندان بدون

۱. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۸۷.

۲. محسن تنه کار، همان کتاب، صص ۳۹-۴۰.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۴۴.

آنکه نیازی به تأکید والدین برای انجام مسائل دینی و عبادی داشته باشند، آنها را انجام دهند . معمولاً کودکانی که در خانواده‌های مذهبی به دنیا می‌آیند از سن ۳- ۴ سالگی پاره‌ای از برنامه‌های مذهبی را به تقلید از پدر و مادر و بزرگترها انجام می‌دهند و در این زمینه از خود علاقه نشان می‌دهند.<sup>۱</sup> اما به راستی چه باید کرد تا فرزندان همانطور که در دوران کودکی علاقمند به مسائل دینی و عبادی هستند در زمان بزرگسالی نیز اینگونه باشند؟ و آیا در روایات راهی برای تربیت دینی فرزندان بیان شده است؟ به طور قطع و یقین روایات اهل بیت (علیهم السلام) که متضمن سعادت دنیا و آخرت انسان است در این مورد نیز سکوت نکرده و برای تربیت دینی فرزندان راهکارهایی بیان نموده است که روحیهی لطیف کودک آن را پذیرا است که در زیر به بعضی از این راهکارها اشاره شده است.

#### الف- آراستگی به فضایل اخلاقی و الگو بودن والدین: آراستگی به صفات مثبت

اخلاقی از مهمترین دستگیره‌های محافظت از دین و تثبیت اعتقادات مذهبی است. حسن خلق به معنای عام و کسب فضایل اخلاقی از مهمترین عوامل دینداری بوده و چون زرهی نفوذناپذیر، انسان را از گزند دشمن مصون میدارد صفاتی چون صداقت و راستی، شجاعت، سخاوت، عفت، حکمت، عشق و محبت خالصانه به خدا و اولیاء او، حیاء و ... از جمله فضائلی است که وجودشان علاوه بر تکمیل شخصیت، از انسان در برابر خطرات اعتقادی محافظت مینماید. و همچنین واضح است که آراسته بودن به این فضائل بهترین و مؤثرترین راه برای دیندار شدن فرزندان است که موجب میشود والدین الگوی آنها شده و با عمل خود، فرزندان را به خیر و خوبی دعوت کنند. به طور مثال، وقتی پدری فرزند خود را به کاری امر میکند ولی خود اهل آن نباشد فرزند نیز آن را انجام نخواهد داد.<sup>۲</sup>

#### ب- عادت دادن کودک به عبادات: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کودک باید از

۱ . حبیب الله میرزایی ، همان کتاب، ص ۵۸.  
 ۲ . مهدی ، نیلی پور، بهشت عقاید، چاپ اول ، اصفهان، انتشارات سیمرغ ، ۱۳۹۱، ص ۳۳۴.

سن هفت سالگی نماز خواندن را شروع کند».<sup>۱</sup> و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «نماز را به فرزندان خود بیاموزید و هنگامی که به سن بلوغ رسیدند آنها را به نماز خواندن وادار کنید».<sup>۲</sup> در این دو حدیث و احادیث زیاد دیگری از این قبیل به والدین توصیه شده است که فرزندان خود را از سن هفت سالگی به نماز خواندن تشویق و ترغیب کنند کودکی که از سن ۷ سالگی تا زمان رسیدن به سن تکلیف با تشویق والدین به خواندن نماز عادت کند احتمال این که بعد از رسیدن به سن تکلیف نمازخواندن را رها کند بسیار بعید و دور از ذهن است درمورد سایر عبادات هم باید به همین شکل عمل کرد و کودکان را از همان کودکی به تمام عبادات عادت داد تا در بزرگسالی به عاداتهای پسندیده خود عمل کنند.

ج- شیرین کردن عبادات برای کودکان: همانگونه که بعضی از امور مادی، دارای لذت و شیرینی خاصی است امور معنوی هم شیرین و جذابیت خاصی دارد و با این تفاوت که لذت امور مادی مختص به یک زمان و مکان خاصی است به این معنا که سریع حاصل میشود و سریع هم از بین میرود. برخلاف لذتهای معنوی که دیر به وجود میآید ولی همیشگی و باقی است اما به دلیل اینکه این لذتها دیر حاصل میشوند والدین باید درابتدا عبادات را با امور مادی برای فرزندان خود شیرین کنند تا اینکه کودکان کم کم و به مرور زمان به لذت حقیقی عبادات دست پیدا کنند. امام صادق (علیه السلام) میفرماید: « برای فرزندان در روزهای جمعه میوه بخريد تا به آمدن جمعه شاد شوند».<sup>۳</sup>

حتی خانوادهها میتوانند وسایلی که نیاز کودک است و آنها خواه ناخواه مجبور به خرید آنها هستند مانند لباس، کفش، جا مدادی، خودکارو... را به عنوان جایزه برای فرزندانشان بخرند مثلاً بگویند هر کسی یک هفته نمازش را اول وقت خواند یک جا مدادی قشنگ جایزه اش

---

۱. محمد تقی، فلسفی، الحدیث، روایات ترتیبی، ج ۳، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۸۸.  
 ۲. عبدالواحد، تمیمی آمدی، تصنیف غرالحکم. درالحکم، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶، ص ۱۷۵.  
 ۳. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۹۳.



میباشد این طور با یک تیر دو نشان زده‌اند.

د- عبادات به اندازه توان کودک باشد : علاوه بر مطالبی که تاکنون بیان شده نباید از

این نکته هم غفلت کرد که بیش از توان فرزند، نباید از او انتظار عبادت داشت و حتی المقدور باید به واجبات اکتفا کرد.

ه- تهیه امکانات جذاب: مانند سجاده زیبا، مهر، تسبیح، عطر و چادر و مقنعه

و- حضور در محافل مذهبی

ی- ارتباط با خانواده‌های مذهبی و متدین<sup>۱</sup>

### ۳-۵-۲- تربیت اجتماعی

زندگی انسان از روز اول در میان افراد دیگر آغاز میشود و از همان ابتدا با آنها رابطه برقرار میکند و همین ارتباط، تغییراتی را در رفتار او به وجود می‌آورد، بدین ترتیب یادگیری اجتماعی آغاز میشود و رفتارهای کودک رنگ اجتماعی پیدا میکند.

رشد و تکامل اجتماعی کودک با سایر جنبه‌های رشد و تکامل وی مانند رشد جسمی، رشد عقلی و رشد عاطفی هماهنگ و کاملاً مربوط است و هم‌چنان که در این زمینه‌ها رشد پیدا میکند. در زمینه اجتماعی هم پیشرفتهایی حاصل میشود و کودک به سوی استقلال بیشتر پیش میرود، و با ورود کودک به مدرسه و پیدا کردن همکلاسی‌ها و دوستان و ارتباط با افرادی مانند، معلم، مدیر و مربی و ... شرکت در فعالیتهای و جلسات مدرسه در زمینه رشد اجتماعی سرعت میگیرد و تغییراتی در رفتار کودک به وجود می‌آید که در زیر به آنها اشاره میشود:

۱- او یاد میگیرد در گروه‌ها و بازی‌هایی که تأثیر متقابل و پیچیده‌ای دارند شرکت کند.

---

۱. مؤسسه پژوهش‌های امیرالمؤمنین، همان کتاب، صص ۹۸-۹۹

۲- ارتباطهای خود را از مادر و پدر و اعضای خانواده به سایر دوستان و گروهها در

مدرسه توسعه دهد.

۳- به محرکهای اجتماعی بیشتر پاسخ دهد.

۴- کودک در این دوره میتواند مسئولیتهای زیادی به عهده بگیرد و مسئولیت پذیری

را تجربه نماید.<sup>۱</sup>

اما وظیفه والدین و مربی در اینجا آن است که کمک به تربیت اجتماعی کودک کند و

به این صورت که کودک را از ترغیب و تشویق کنند تا با کودکان جدید که تازه با آنها برخورد

دارند بازی کنند و دوست شوند بسیاری از کودکان نمیتوانند با افراد تازه وارد ارتباط برقرار

کنند به طور مثال: اگر در جای جدیدی میروند مانند مهمانی یا افراد جدیدی را میبینند از

کنار پدر و مادرشان تکان نمیخورند اگر کودک در سن پائین باشد ۳ یا ۴ سال این امر طبیعی

است ولی کودکان بالای ۷ سال مثلاً ۱۰ ساله دیگر طبیعی نیست و اینگونه کودکان

از نظر اجتماعی پیشرفت نکردهاند و اینجا وظیفه والدین اوست که او را به صورتی ترغیب

کنند تا او نیز بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند این کار را میتوانند به روشهای مختلف انجام

دهند به طور مثال: اگر فرد تازه واردی به عنوان مهمان به منزل شما بیاید کودک شما خجالت

میکشد با او روبه رو شود از او بخواهید همراه شما بشقاب بیاورد.

در کودکان و نوجوانان استعدادهای فوقالعادهای نهفته است. شکفتن این استعدادها

نیازمند زمینهسازی است. پدر و مادر میتوانند با زمینهسازیهایی موثر اجتماعی رشد

استعدادهای کودکان را تسریع ببخشند مثلاً اگر کودکی در منزل قرآن را به زیبایی تلاوت

میکند یا اگر شعری، سخنی و هنری میداند، از او خواسته شود تا نزد دوستان، خویشان و

محافل و نشستهای خانوادگی و اجتماعی دانستهها و مهارتهایش را آشکار کند و او را در

---

۱. شهاب الدین، ادیبی، روانشناسی ارتباط والدین با فرزندان، چاپ اول، اصفهان، انتشارات چهار باغ، ۱۳۸۲، ص ۹۸.

جمع تشویق نمایند تا بدین صورت فرزندشان از لاک خود بیرون بیاید و روابط اجتماعی قوی شود و کودک به تواناییهای خود اطمینان یابد به طور خلاصه باید اعتماد به نفس کودک را بالا ببرند.<sup>۱</sup>

راه دیگر برای اجتماعی شدن کودک آن است که والدین مسئولیتهایی را در خانه و یا مربی در مدرسه به عهده او بگذارند ولی باید توجه کنند نباید بیش از توان کودک از او انتظار داشته باشند. زیرا اگر کودک موفق به انجام کاری که بر عهدهاش گذاشته شده نشود به جای اینکه پیشرفتی حاصل شود یک قدم نیز به عقب برگشتهایم. همانطور که گفته شده کودک در این سن علاقمند است به روابط اجتماعی، در اینجا نیز والدین وظیفه دارند نظارت کامل بر دوستیهای او و حتی جلساتی که شرکت میکند داشته باشد ولی نباید کودک بداند تحت کنترل شدید والدین است، بلکه والدین باید در عین حال که فرزند خود را کنترل میکند باید موظف باشند تا کودکشان این موضوع را نفهمد.<sup>۲</sup>

#### ۴-۵-۲- تربیت عاطفی

یکی از نیازهای فطری و طبیعی هر انسانی، نیاز او به عطوفت و مهربانی است. هر انسانی پذیرای محبت و مهربانی از سوی دیگران است. همچنین از نظر روحی و روانی پذیرای کلامی است که به همراه عطوفت و مهربانی بیان شده باشد، و درمقابل از تندی و خشونت بیزار است.<sup>۳</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) میفرماید: « هر که فرزندش را ببوسد خداوند برای او حسنهای نویسد و هر که فرزندش را شاد کند، خدای - عزوجل - روز قیامت شادش گرداند».<sup>۴</sup>

۱. محمد جواد، مروجی طبسی، چاپ ۱۸، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۳، صص ۸۶-۸۷.

۲. شهاب الدین، ادیبی، همان کتاب، ص ۱۰۰.

۳. مؤسسه پژوهش های دینی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۷۶.

۴. محمد محمدی ری شهری، حکمت نامهی کودک، همان، ص ۴۱.

هیچ روشی چون روش محبت در تربیت آدمی مؤثر نیست و مفیدترین روشهای تربیت به نیروی محبت کارایی پیدا میکند. محبت از نظر تربیتی نیروی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد. این مطلب به اندازه‌های بر روحیهی افراد تأثیرگذار است که حتی خداوند برای دعوت فرد گردنکش و ظالمی چون فرعون به پیامبران خود، حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت هارون (علیه السلام) امر میکند که با او با ملایمت و نرمی سخن بگویند و از تندی و پرخاشگری بپرهیزند. وقتی خداوند برای دعوت فردی چون فرعون، امر به ملایمت میکند، برای رفتار با کودک که از نظر روحی بسیار لطیف و شکننده است هم باید با تأکید بیشتری چنین توصیه ای نموده باشد.

شیوه انبیاء و اولیاء الهی هم در برخورد با کودکان همینگونه بوده است. به عنوان مثال لقمان وقتی قصد نصیحت کردن فرزند خود را دارد او را با اسم «یا بنی» که به معنای پسرکم است میخواند که این خود نشان دهندهی نهایت محبت لقمان به فرزند خود میباشد.<sup>۱</sup>

حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند سؤال کرد: خداوند! بهترین اعمال، نزد تو کدام است؟ ندا رسید: «دوست داشتن کودکان چرا که فطرت آنها بر توحید بنا نهاده شده است».<sup>۲</sup>

سؤالی که مطرح است این است که چرا شارع مقدس در مورد محبت به فرزند این قدر تأکید و سفارش دارد؟! برای پاسخ به این سؤال به چند نکته میتوان اشاره نمود:

**نکته اول:** این است که محبت به فرزند نشان دهندهی اوج احساسات والدین نسبت به فرزند خود است این کار نوعی آرامش و اطمینان روانی در فرزند ایجاد میکند و زمینه را برای پذیرش تربیت صحیح فراهم میسازد.<sup>۳</sup> کودکانی که از محبت والدین محرومند، در خانه احساس ناامنی و نارضایتی کرده، افسرده و پژمرده میشوند.<sup>۴</sup>

۱. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۷۷.  
 ۲. محدث عاملی، زین العابدین کاظمی خلفای، الجواهر سفیه - کلیات حدیث قدسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دهقان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳.  
 ۳. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۷۸.  
 ۴. http://farsnews.com/newstext.php?nn= 13910806000451. ۹۲/۵/۱

**نکته دوم:** این که شارع مقدس قصد دارد فرزندان در محیط خانواده از محبت والدین

سیراب شوند، به شکلی که در محیط بیرون از خانه با هرلبخندی جذب نشوند، کودک اگر نتواند در محیط خانواده، در حد نیازش از محبت اطرافیان برخوردار باشد چونان تشنه‌ای در بیرون از منزل به دنبال آن محبت می‌گردد تا عطش روحش را برطرف سازد. چنین کودکانی به راحتی، جذب دوستان ناباب میشوند.

**نکته سوم:** این که فرد اگر در دوران کودکی به اندازه‌ی کافی از محبت والدین بهره‌مند

نشود، این بیمحبتی در آینده به شکل عقده‌های روانی بروز میکند و شخص در سنین بزرگسالی برای خالی کردن این عقده، دست به هر کاری می‌زند. اگر در معارف اسلامی، در مورد محبت کردن به ایتام این همه سفارش شده است به این دلیل است که کودک یتیم از محبت والدین بی‌بهره است و اگر سایرین هم این مسأله را برای او جبران نکنند در آینده، این بیمحبتیها در جامعه به شکل نامناسبی بروز خواهد کرد.

**۱-۴-۵-۲- میزان و محدودهی محبت به فرزندان:** با وجود تاکیدات فراوان در مورد ابراز

محبت والدین به فرزند، از این نکته نیز نباید غفلت کرد. که هر چیزی در حد اعتدال مناسب است و اگر از آن حد تجاوز کند نه تنها مفید نیست بلکه مضرات زیادی به همراه دارد.<sup>۱</sup>

آیین مقدس اسلام، در برنامه تربیت کودک، اولیاء را از زیاده‌روی در اعمال محبت

برحذر داشته است. آنانکه در مهر و نوازش فرزندان افراط میکنند و با روش ناپسند خویش

فرزندانشان را به بیماری خودپسندی و از خودرضایی مبتلا مینماید مورد بدبینی پیشوایان

اسلام هستند.<sup>۲</sup> امام باقر (علیه السلام) میفرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و

محبت نسبت به فرزندان از حد تجاوز کنند و به زیاده‌روی و افراط بگرایند».<sup>۳</sup>

---

۱. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۸۰.  
۲. محمد تقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، جلد دوم، چاپ دهم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۲.  
۳. محمد تقی، فلسفی، الحدیث - روایات ترتیبی، ج ۱، همان کتاب، ص ۲۰۴.

این قبیل پدران و مادران بیخرد به صورت دوستی و مودت تیشه به ریشه سعادت فرزندان خود میزنند و با عواطف نابجا و محبت‌های ناپسند خویش، آنان را به راه بدبختی و سیه‌روزی سوق می‌دهند. کودکانی که با این روش مذموم تربیت میشوند، لوس و از خود راضی بار می‌آیند و این خلق ناپسند از بیماری‌های خطرناک روانی است و عوارض بسیاری روی جسم و جان میگذارد و نتایج سوءاش از خلال گفتار و رفتار بیمار به خوبی مشهود است.<sup>۱</sup> امام علی (علیه السلام) میفرماید: «خودپسندی و از خود راضی بودن بدترین حالت روانی است.»<sup>۲</sup>

طفلی که سالیان دراز در محیط خانواده مستبدانه حکومت کرده پدر و مادر، مطیع بیقید و شرط او بوده‌اند، طبعاً لوس و از خودراضی است حال که بزرگ شده متوقع است تمام مردان و زنان مانند پدر و مادرش از او اطاعت کنند و اوامر او را بیچون و چرا به کار بندند. بدیهی است آن کسی که از جامعه چنین توقع بیجایی دارد مورد نفرت و انزجار مردم است و او را با چشم سخط و غضب نگاه می‌کنند و این خود یکی از آثار شوم خودپسندی است.<sup>۳</sup>

امام علی (علیه السلام) نیز در این باره میفرماید: «از صفت مذموم خودپسندی پرهیز کن که دچار غضب کنندگان بسیاری خواهی شد.»<sup>۴</sup> چنین کودکانی در میان هم سالان خود نیز از هیچ محبوبیتی برخوردار نیستند نه به اندازه‌های محبت به کودک کم باشد که او را عقده‌های نماید و نه به اندازه‌های زیاد که او را لوس و نازپرورده کند البته پیدا کردن حد اعتدال در محبت کار بسیار سخت و دشواری است چه بسا کودک نیاز به محبت دارد ولی والدین به خاطر تشخیص اشتباه از محبت خود به فرزند دریغ نمایند و یا برعکس زمانی باید با کودک با قاطعیت برخورد کنند ولی با محبت‌های ظاهری، در تربیت فرزند راه ناصواب را در پیش

۱. محمد تقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، همان کتاب، ص ۲۳۳.  
 ۲. محمد تقی، فلسفی، الحدیث - روایات ترتیبی، ج ۳، همان کتاب، ص ۲۸۴.  
 ۳. محمد تقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، همان کتاب، صص ۳۲۳-۳۲۴.  
 ۴. محمد تقی، فلسفی، الحدیث - روایات ترتیبی، ج ۳، همان کتاب، ص ۳۱۱.

میگیرند.

بنابراین در این رابطه والدین وظیفه حساسی دارند با توجه به شناختی که از روحیات فرزند دارند باید آن حد اعتدال در محبت را تشخیص داده و اعمال نمایند.<sup>۱</sup> والدین باید بدانند که به کودکان در سن ۷ سال دوم باید طوری محبت کنند که با آنها دوست شوند نه افراط. اگر والدین نتوانند دوست فرزندان خود باشند دیگر نمیتوانند تربیتی سازنده داشته باشند چون کودکان در این سن به گروه همسالان و دوستان خود رغبت بیشتری نشان میدهند و از آنها حرف شنوی دارند، و سعی میکنند از امر و نهی والدین و حتی از هم صحبتی با آنها پرهیزند زیرا فکر میکنند که والدین نمیتوانند آنها را درک کنند.

#### ۵-۵-۲- تربیت جنسی

یکی دیگر از مسائلی که والدین در تربیت کودکان و نوجوانان باید به آن توجه داشته باشند، تربیت جنسی آنهاست.<sup>۲</sup> منظور از تربیت جنسی این است که زمینهها و عوامل مربوط به مسایل جنسی طوری فراهم شود که استعدادهای شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری کند.<sup>۳</sup> چرا که قوهی شهوت بسیار نیرومند است و حکم آتش را دارد که اگر کنترل نشود همهی هستی انسان را بر باد میدهد نمیتوان آتش و پنبه را در کنار یکدیگر قرار داد و انتظار داشت آتش پنبه را نسوزاند. تنها آیهایی که در قرآن کریم، خطابش با کودکان است و برای آنها تکلیف معین میکند دربارهی همین موضوع است:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

---

۱. مؤسسه پژوهش های دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۸۰.  
۲. همان، ص ۱۰۳.  
۳. حافظ، ثابت، تربیت جنسی در اسلام، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ص ۴۴.

مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ ...»

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید. بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه

وقت (برای ورود به اتاق شما) باید از شما اجازه بگیرند. پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که

لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء این سه وقت خصوصی برای

شماست...»<sup>۱</sup>

این آیه با کنایه به والدین سفارش میکند که اتاق استراحت آنها باید از اتاق کودکان

جدا باشد و از سوی دیگر، امر میکند که در این سه وقت از روز که عموماً افراد لباسهای

پوشیده‌ی خود را از بدن خارج میکنند و ممکن است وضعیت نامناسبی داشته باشند فرزندان

باید با اجازه‌ی والدین وارد اتاق آنها شوند که مبادا با صحنه‌ی ای برخورد کنند که والدین

دوست ندارند آن صحنه را فرزندانشان ببینند که این صحنه‌ها کمترین اثری که برای کودک به

همراه می‌آورد، تحریک جنسی و بلوغ زودرس است.

سن شش یا هفت سالگی آغاز سنی است که بسیاری از کودکان، خوب و بد را از هم

تشخیص میدهند و به اصطلاح ممیز به حساب می‌آیند در این سن کودک بعضی از مسائل

جنسی را درک میکند و والدین باید برای پاک ماندن روحیه‌ی کودک، او را از کلیه‌ی مسائل

تحریک کننده دور نگه دارند.<sup>۲</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: « دختر وقتی به سن شش سالگی و پسر وقتی به سن

هفت سالگی رسید دیگر هیچ نامحرمی او را نبوسد». <sup>۳</sup> از سن ۱۰ سالگی دوره‌ی بیداری و

هشیاری جنسی آغاز میشود. به دستور امام کودکان حق ندارند با افراد جنس مخالف حتی

مادر و پدر و خواهر در یک بستر بخوابند. امام صادق (علیه السلام) در همین رابطه میفرمایند:

---

۱. سوره نور (۳)، آیه ۵۸.

۲. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۱۰۵.

۳. شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی، همان کتاب، ص ۲۳۳.



«پسر بچه‌ی ده ساله در کنار زنان در یک رختخواب ن خوابند».<sup>۱</sup> و پیامبر اکرم (صلی الله علی وآله )

میفرمایند: « پسران ده ساله را با همدیگر در یک رختخواب ن خوابانید و همچنین دختران ده

ساله را».<sup>۲</sup>

در این سن رشد تن بسیار و رشد روان کم است فرد مقابل جنس مخالف از تغییرات

خود آگاه است. به همین نظر ضروری است آگاهی لازم به فرزندان داده شود بسیاری از

انحرافات جنسی در این سن پایه‌گذاری میشود و این همان گونه که ذکر شد بعلت کمی رشد

عقلی و فزونی احساسات است و به همین جهت مورد بهره‌گیریهای جنسی دیگران قرار

میگیرند. نوجوانان در این سن از تغییرات تدریجی بدن و مسائلی که برای شان مطرح میشود

باید آگاه شوند، پسر توسط پدر و دختر توسط مادر ونیز باید در آنها مقاومت پدید آورد تا در

برابر افراد بدکار خود دار باشد البته نباید مسائل به گونهای گفته شود که حیای ما بین آنها از

میان برود.<sup>۳</sup>

حال بعد از آشنایی با انواع تربیت لازم است بیان شود که آنچه مدنظر این تحقیق است

بیان اصول و روشهای تربیت اخلاقی است که پاره‌های از مسائل مربوط به آن نیازمند تربیت

دینی و سخنان بزرگان نیز میباشد در نتیجه این تحقیق تربیت اخلاقی را به طور کامل و

تربیت دینی را در کنار تربیت اخلاقی بیان میکند .

---

۱. محمدتقی ، فلسفی ، الحدیث - روایات تربیتی ، ج ۳، همان، ص ۸۹.

۲. همان ، ص ۸۹.

۳. علی ، قائمی، همان کتاب، ص ۲۳۴.

## بخش دوم

# شناخت مراحل تربیت و اصول و روشهای تربیتی

## فصل اول

### شناخت تربیت در دوره‌ی هفت سال دوم

## ۱- شناخت مراحل تربیت در دوره هفت سال دوم

### ۱-۱- مراحل تربیت فرزندان

والدین برای اینکه تربیت خوب و صحیحی ارائه دهند باید بدانند که فرزندشان از چه مرحله عبور میکند و در هر مرحله چه ویژگی‌هایی دارند. برای مراحل تربیت، تقسیم بندی‌های مختلفی ارائه گردیده است ولی چون این پژوهش بر اساس مبانی اسلامی است در اینجا نیز تقسیم بندی براساس احادیث صورت گرفته است و به ۳ مرحله تقسیم میشود:

۱- مرحله کودکی اول (از بدو تولد تا ۶ سالگی)

۲- مرحله کودکی دوم (از ۷ سالگی تا ۱۴ سالگی)

۳- مرحله جوانی (از ۱۵ سالگی تا ۲۱ سالگی)

در این پژوهش همانطور که بیان شده تربیت کودک در هفت سال دوم مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱-۲- کلیاتی درباره‌ی خصوصیات این دوره

در این دوره اراده‌ی کودک هنوز تحت تأثیر مبانی اخلاقی و در عین حال حق و عدالت را وسیله‌ی اجرای مقاصد خود قرار میدهد. کارهای انعکاسی از جنبه‌ی انعکاسی- اجباری وارد مرحله‌ی اختیاری میشود و قدرت انتخاب پیدا میکند و برای رسیدن به هدف قصد و نقشه‌ای برای او مطرح میشود و تا حدود زیادی از قید کششها آزاد میشود همچنین

از بین فعالیتهای مختلف راه معینی را انتخاب مینماید و رغبت درزندگی او نقش پیدا میکند و سعی دارد از راه درک ارزشها به نتایجی برسد. هنوز ارزش اشیاء را از لحاظ لذت و الم درک میکند به طوری که فشار اجتماعی بر او اعمال میشود، تدابیر متعددی از طرف والدین برای تحت تسلط قرار دادن او دربارهای اعمال میشود. و تا حدودی او را به خود میآورد، در نیمه دوم این مرحله پا به جهان اراده میگذارد قوه تفکر و قضاوت در او رشد میکند.<sup>۱</sup>

دورهی هفت سالگی دوم نظر به وضع طبیعی کودک به دو مرحله جدایی از هم قابل تقسیم است. دورهی ۷ تا ۱۱ سالگی که هنوز در ادامهی کودکی است و دورهی ۱۲-۱۴ سالگی که دورهی مقدماتی بلوغ یا دوره جوانی است.<sup>۲</sup>

### ۳-۱- ویژگیهای مهم دورهی ۷ تا ۱۱ سالگی (کودکی)

#### ۱-۳-۱- فطام روانی: کودک در این دوره از وابستگی به خانواده جدا میشود (کودک

دو دوره فطام دارد یکی پایان دو سالگی است که کمکم غذاهای دیگر را میخورد و از شیر گرفته میشود و یکی در سن هفت سالگی)، به این علت این، اصطلاح را برای ورود به دبستان انتخاب کردهاند که کودک از وابستگی عاطفی و روانی به خانواده جدا میشود و برای نخستین بار در خارج از منزل به سر بردن و در محیط دیگری زندگی کردن را تجربه میکند.

در این محیط کودک اولین تجربیات نظام یافته و سازمان یافته اجتماعی را به دست

میآورد. بنابراین اگر مادری بگوید که من بهترین روشهای تدریس را در منزل به کار میندم

---

<sup>۱</sup>. علی، قائمی، خانواده و تربیت کودک، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳، ص ۳۸۵.  
<sup>۲</sup>. همان، ص ۳۶۰.

و یا پدری اظهار کند که کودکش را درس می‌دهد، فقط یکی از جنبه های تربیت فرزندش را عهده‌دار شده ولی از جنبه‌های اجتماعی وجود او غفلت ورزیده است. در سایه ورود به مدرسه است که کودک وابسته به پدر و مادر به کودک با مهارت‌های اجتماعی و دارای آداب اجتماعی تبدیل می‌شود.<sup>۱</sup>

از این رو در این دوره روابط اجتماعی وسیعتر و شدیدتر از مرحله‌ی قبل است به استثنای والدین، معلمین و دوستان نزدیک نقش مهمی در اجتماعی کردن دارند و کودکان در این سن میتوانند با یکدیگر تبادل تجربه داشته باشند.<sup>۲</sup>

البته باید توجه داشت که کودکان به یکباره اجتماعی نمیشوند خیلی از کودکان هستند که وقتی وارد مدرسه میشوند ناراحت و نگراناند و مدام گریه میکنند. در اینجا وظیفه والدین است که قبل از ورود فرزندانشان به مدرسه اسباب اجتماعی شدن آنها را فراهم کنند به این صورت که سعی کنند کودکشان با همسالان خود ارتباط مستمر داشته باشد و اجازه دهند مشکلات ارتباطیاش را خودش حل کند تا بهتر بتواند جای خود را میان همسالان در مدرسه پیدا کند.

## **۲-۳-۱- علاقه به فعالیت و کار : حضرت رسولاکرم (صلی الله علیه وآله ) دوران دوم**

زندگی کودک یعنی بعد از ۷ سالگی را دوران اطاعت و مسئولیت پذیری کودک نام نهاده<sup>۳</sup> در

---

<sup>۱</sup> . محمد رضا، شرفی ، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۶۹.

<sup>۲</sup> . محمد رضا، شرفی ، مراحل رشد و تحول انسان، چاپ چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۶.

<sup>۳</sup> . محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامهی کودک، چاپ اول، قم ، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹.

این سن، شانه‌های کودک توان تحمل مسئولیت را دارد و ذهن او رشد میکند و توان درک مسائل و پاسخگو بودن در قبال مسئولیت را دارد. او شیفته فعالیت است فعالیت او نیز نشانه نیروی فزاینده و شور و نشاط حیاتی شدید و سازگاری او با عالم اشیاء است. این فعالیت که متنوع و عملی است از فعالیت کودک کودکستانی که شبیه به بازی است به فعالیت ما بزرگسالان نزدیکتر است و به صورت گوناگون نمایان میشود.<sup>۱</sup>

علاقه به کار و فعالیت از یک نیاز روانی سرچشمه میگیرد و آن (ابراز وجود) است کودک میخواهد بگوید من هستم، چون کار میکنم، این یک نیاز دقیق و عمیق برای کودک محسوب میشود اگر کودک نتواند از راه صحیح این نیاز را به خوبی برآورده نماید، سعی میکند این انرژی را در یک مجرای منفی بریزد و اعمال خرابکارانه انجام دهد. کودک با خودش میگوید من نقاشی کشیدم، به من توجه نکردید، به شما کمک کردم، به من توجه نکردید، حالا من هم شیشه را میشکنم و خواهر کوچکترم را آزار میدهم، تا شما بدانید من هم هستم و کاری انجام میدهم.<sup>۲</sup>

چون کودک علاقه به کار و فعالیت دارد چه بسیار مناسب و بجا است که والدین کاری را در خانه بر عهده او بگذارند و انجام وظیفه را از او خواستار شوند مثلاً از او بخواهند گلدان را آب دهد، اتاق را تمیز کند، کتابها را مرتب سازد و ... باید توجه داشته باشند وظیفهای بیش از حد طاقت از او خواسته نشود و نیز احیاناً اگر تکلیف را ناقص یا غلط انجام داد او را ملامت و سرزنش ننمایند و فقط او را هدایت نمایند.<sup>۳</sup>

---

۱. موریس، دُیس، مراحل تربیت، ترجمه: علی محمد کاروان، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۷۰.

۲. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، ص ۷۱۰.

۳. علی، قائمی، همان کتاب، ص ۳۶۰.

### ۳-۱-۳- سن دانایی: دوره‌های که حافظ انسان در اوج شکوفایی است، نه سالگی

است. در این سن کودک مسائل مورد علاقه اش را فرا میگیرد. حافظه انسان دارای منحنی است که شامل پیشرفت، فلات و نقصان میباشد بدین ترتیب که ۹ تا ۱۶ سالگی سن پیشرفت رشد حافظه است. ۲۶ تا ۳۵ سالگی مرحله فلات است و از ۳۵ سالگی به بعد سن نقصان حافظه است.<sup>۱</sup>

کودک در این سن میتواند تقریباً همه چیز، حتی بیفایدهترین چیزها را در صورتی که مورد علاقه او واقع گردد یاد بگیرد. همان طور که در دوره قبل، از طریق بازی با استدلال آشنا میشد اینک از راه بازی کردن برکردن را یاد میگیرد، این دوره، دوره فراگیری همه چیز است.<sup>۲</sup>

بر والدین لازم است که بهترین ساعات و جدیت‌ترین نیروهای خود را صرف پرورش ذهن و جسم فرزندان خود کنند که سرمایه‌های اصلی زندگی آنها هستند برای این کار، بی‌مناسبت نیست که برخی مواقع داستانهای نیمه تمامی را برای آنها بیان نموده و بخواهید که بقیه داستان را آنها به پایان برسانند. چگونگی تکمیل داستان توسط کودکان نمایانگر دو موضوع جدی و قابل توجه است.

نخست، میزان خلاقیت و نوآوری کودک در این رابطه مشخص میشود و معلوم میدارد که آیا کودک از قالبهای ذهنی تکراری و معمولی برای پایان یک داستان بهره میگیرد و یا در صدد نوآفرینی در طرح مطالب تکمیلی است. دیگر آنکه، میزان امیدواری و ناامیدی، نشاط و افسردگی و پاره‌های از ویژگیهای روانی کودک در تکمیل داستان روشن میشود. کودکی

۱. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، ص ۷۲

۲. موریس، دُبس، همان کتاب، ص ۶۷.



که داستان را با مرگ، اندوه و ... به پایان میبرد از شرایط روحی امیدوارکنندهای برخوردار

نیست و در مقابل داستانهایی که با زمینههایی از امید، روشنایی و ... همراه است نشانگر

روحیهای با نشاط و تحرک لازم است.<sup>۱</sup>

#### **۴-۳-۱- ثبات شخصیت کودک:** ثبات و آرامش شخصیت در این دوره که میان دوره -

های کودکستانی و نوجوانی قرار دارد، بیشتر از آن دو دوره است و با خصوصیات ثبات و

آرامش روحی همراه است. بنابراین پدر و مادر فرصت دارند تا اعمال تربیتی مطلوب را شروع

کنند و ادامه دهند آنها فرصت دارند تا یک رابطه‌ی صحیح و دوستانه با کودکشان برقرار کنند

که در سالهای بعد نیز حلال مشکل آنان باشد اما اگر این فرصت را از دست دهند و کودکشان

به حد مرحله‌ی بعدی برسد دیگر نمیتوانند با فرزندشان تفاهم داشته باشند و رفتارهایش را

تغییر دهند. چون در مرحله‌ی بعد (مرحله نوجوانی) در برابر پدر و مادر مقاومت نشان میدهد

و برخوردهایش تدافعی است.<sup>۲</sup>

#### **۵-۳-۱- ظهور استعدادها:** در این دوره، استعدادهای مختلف ظاهر میشود به عقیده

اکثریت روانشناسان انسانها هر کدام در یک زمینه و بعد خاص استعداد فراوان و برجسته

دارند و در سایر زمینهها معمولی هستند. مثلاً فردی استعداد ریاضی درخشان دارد ولی در

زمینه امور فنی موفق نیست. بنابراین باید در وجود فرزندان استعداد اصلی را پیدا کرد و

پرورش داد. نتیجه شناخت استعداد اصلی در کودکان باعث میشود که اولاً میزان پیشرفت آنها

---

۱. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، ص ۷۶.

۲. همان، ص ۷۸.

در این زمینه استعدادشان قابل توجه خواهد بود. ثانیاً انگیزه‌های بزهکاری در افراد از بین می‌رود برخی افراد چون خودشان را در هیچ زمینه‌ای موفق ندیده‌اند. احساس کفایت و لیاقت نمیکنند بنابراین سعی میکنند تا از طریق منفی به این احساس دست یابند.

بیشتر نوجوانان هنجارشکن کسانی هستند که هرگز افتخاری کسب نکرده‌اند و وجودشان را مفید نمیدانند چون استعدادیابی صحیح نشده‌اند. باید سعی شود تا استعداد اصلی از استعدادهای متوسط و ضعیف تشخیص داده شود تا بتوان بر روی آن سرمایه گذاری نمود چرا که زمان پرداختن به این عمل دوره‌ی دبستان است.

وجود بازیهای فکری مثل پازلها (معماهای فکری) از نظر بازده آموزشی، تأثیر فراوان

دارد. گاهی یک هواپیمای کنترلی گران قیمت برای فرزندان خریده میشود ولی وقتی او میخواهد اسباب بازی را دستکاری کند و از کار آن سر در بیاورد چون گران است به او اجازه داده نمیشود، این اسباب بازی از نظر تربیتی هیچ بازدهی ندارد. در عوض یک پازل ساده که قیمت آن خیلی ناچیز است میتواند اثر تربیتی فوقالعاده‌ای داشته باشد.<sup>۱</sup>

### **۶-۳-۱- بیدار شدن فطریات:** در این سن فطریات کودک بیدار میشود. فطریات

جنبه‌های ذاتی است که یاد گرفتنی نیست. مثل وجدان اخلاقی کودک، علاقه به پاکی و صداقت و ... فطریات در سالهای دبستانی ظاهر میشود و اگر کودک مربی خوبی داشته باشد و شرایط مساعد باشد رشد و تکامل مییابد.<sup>۲</sup>

---

۱. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، ص ۸۳.  
۲. محمد رضا، شرفی، مراحل رشد و تکامل انسان، همان، ص ۱۴۸.

هر برگ دارای یک آزمون مفید در این زمینه است که از کودکان ۶ ساله سؤال میکند که، دو پسر داریم، یکی را مادر برای نهار صدا میکند، او شتاب میکند و بدون آنکه متوجه شود ۱۳ فنجان و نعلبکی که پشت در گذاشته شده است را میشکند. پسر بچهی دوم مادرش در خانه نیست او چهار پایه را زیر پایش میگذارد و سعی میکند مربا را بردارد و بخورد، شیشه مربا از دستش میافتد و یک فنجان و نعلبکی میشکند. حالا بگوئید کدام بیشتر اشتباه کرده‌اند؟ بچه‌های پیش دبستانی میگفتند: کودک نخست، چون تعداد بیشتری استکان شکسته است. قضاوت اینان متکی بر کمیت است. ولی بچه‌های دبستانی میگفتند: بچه دوم چون بچه اول ندانسته این کار را کرد و بچه دوم دانسته و با اراده این کار را کرده است اینان به کیفیت عمل بیشتر اهمیت میدهند.<sup>۱</sup>

پدران و مادران از نظر شکل دادن اخلاقیات در کودکان نقش مؤثری را بر عهده دارند. آنها باید از نظر اخلاقی بر روی خودشان کار کنند. چرا که فرزندان از والدینشان الگوبرداری میکنند پس اگر والدین فرزند خوبی میخواهند باید اول خودشان خوب باشند.

#### ۴-۱- ویژگیهای مهم دورهی ۱۲ تا ۱۴ سالگی (نوجوانی)

در دوران مختلف رشد و تکامل انسان، دو مرحله از یک جهش رشد کم نظیری برخوردار دارند و نمیتوان در سایر دورانها نمونههایی از این جهش یافت، این دو مرحله به ترتیب عبارتند از: مرحله جنینی و مرحلهی نوجوانی. در مرحله جنینی، در عرض ۹ ماه و چند روز، جنین تبدیل به یک انسان کامل میشود، با توجه به ویژگیهای اندام ها، اعضای بدن و خصوصیات چهره و استخوانبندی و..

۱. محمدرضا شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، ص ۸۴.

دورهی نوجوانی دارای سرعت فراوان از نظر تحولات جسمی میباشد. از نظر سنی از سن ۱۲ تا ۱۴ سالگی میباشد. سنین نوجوانی دوران عصیان، دگرگونی فیزیولوژی، بلوغ، خود محوری، بی توجهی به دیگران و آرمانگرایی شدید است. ارتباط مثبت و هماهنگی پدر و مادر با هم در این سنین، ورود به خرافهای نوجوانی را در نوجوان کم میکند گروه همسالان بیشترین نفوذ را روی نوجوان دارند و پدر و مادر میتوانند با کنترل این گروهها به سلامت فرزند خود کمک کنند.

موفقیت پدر و مادر یا اطرفیان بستگی کامل به مناسبات پیشین آنها با او دارد. آنها با این نوجوان، سالیان قبل هم رو به رو بودهاند. بنابراین این نوجوان حاصل تلاش آنها است اگر خواهان آنند که در آینده با نوجوان مسأله و مشکل نداشته باشند، باید امروز برخورد درست و اصولی با او داشته باشند. پدر و مادر آیندهنگرهم برای فردا تدارک تربیت خوب میبینند و هم برای امروز برخورد موفق دارند.<sup>۱</sup>

#### **۱-۴-۱- کسب شخصیت:** نوجوانان دوستدار کسب شخصیت هستند. برای رسیدن به

مرحلهی کسب شخصیت باید دو اصل حاصل شود: ۱- انجام مهارتها و دارا بودن توانمندیهای خاص در برخورد با دیگران ۲- پذیرفته شدن این مهارتها از سوی پدر و مادر و اطرفیان.

برخی نوجوانان مرحله اول را طی میکنند ولی اگر خانواده و اطرفیان قدرت او را نپذیرند، دچار عدم تعادل روانی میشود. در جهت کسب شخصیت باید از دو راه به نوجوان کمک کرد: ۱- کسب مهارتها و تواناییها را بیاموزد ۲- به زبان و رفتار به او فهمانده شود که

---

۱. سید محمد رضا، پیغمبری، تربیت خودمانی، چاپ اول، کاشان، انتشارات رسل، ۱۳۸۸، ص ۸۰.

او را پذیرفته و شخصیت او قابل پذیرش و احترام است و او به عنوان یک انسان در حال کمال مورد قبول است.<sup>۱</sup>

نوجوانان اکثراً از این موضوع رنج میبرند که میخواهند با تجربه، کامل و موفق باشند ولی روش آن را نمیدانند و کسی هم نیست که آنها را در این زمینه راهنمایی کند. این مسأله برخاسته از وجدانهای پاک و قلبهای لطیف نوجوانان، گویای آن است که جویای فضیلت و ارزشهای اخلاقی هستند ولی روش رسیدن به آن را نمیدانند. حال چه باید کرد تا نوجوان اعتماد به نفس پیدا کنند و مهارتها و تواناییها را بیاموزد؟! ۱- در انتقاد از نوجوانان دقت شود که تمام شخصیت آنها مورد حمله قرار نگیرد و تنها آن قسمتی مورد سؤال قرار گیرد که نتوانسته وظیفه‌اش را درست انجام دهد. ۲- سعی شود ناگهانی و بدون مقدمه مورد انتقاد واقع نشوند تا مبدا این انتقاد به تمام شخصیت نوجوان گسترش داده شود زیرا اینگونه انتقاد کردن ویرانگر و مخرب خواهد بود.<sup>۲</sup>

برای مرحله دوم یعنی پذیرش شخصیت از طرف پدر و مادر و اطرافیان نیز میتوانند با زبان این پذیرش را نزد دوستان و اقوام و خانواده بیان کرد. و میتوان با عمل به آنها ثابت کرد شخصیت آنها مورد پذیرش واقع شده است.

## **۲-۴-۱- استقلال طلبی:** نوجوان به دلیل اینکه خودش را در آستانه یک انسان کامل

شدن میبیند، علاقه به کسب استقلال در زندگی دارد. آنچنان که میخواهد از آشیانه خود پرواز کند و در فضایی آزاد زندگی نماید میخواهد که از تحت سلطه والدین خود بیرون آید و با افراد مورد اعتمادش سرگرم شود. این خواستار برایش جنبه افراطی دارد، آنچنان که شیفته

---

۱. محمد رضا، شرفی، با فرزندان خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، ص ۸۵.  
۲. همان، ص ۸۶.

آن میباید و حتی در طریق وصول به آن از قبول امرها و پندها خودداری میکند و به تحکم و فرمانروایی والدین و مربیان خویش تن در نمیدهد.

معنی استقلال از نظر نوجوان به معنی عصیان علیه والدین و مربیان و گاهی هم اتخاذ

شیوه و رفتاری ضد اجتماعی است و این امر در دوران بلوغ و نوجوانی عمده‌ترین نوع

کشمکش روانی و هم اجتماعی او را تشکیل میدهد.

او به خاطر استقلال طلبی است که حتی دوست دارد بدنبال شغل و حرفه‌های آزاد برود،

میخواهد خانه پدری را ترک گوید، از دخالت والدین در کار خود ناراحت است، میکوشد

درباره کار، خواب، نظافت و تکالیف درسی خود شخصاً تصمیم بگیرد، و در کل استقلال

طلبی او آنچنان پر دامنه است که از هر گونه کنترلی میرنجد و میخواهد خود فکر کند و عمل

نماید و از صورت طفیلیگری بیرون آید و زندگی مستقل و آزادی داشته باشد.<sup>۱</sup>

شرط برخورد صحیح با نوجوان این نیست که در تمام مسائل او دخالت شود. برای

مثال: فرض کنید یک راه باریک کوهستانی وجود دارد و عرض این راه کوهستانی به اندازه‌های

کم است که افراد باید پشت سر هم حرکت کنند. نوجوان و پدر و مادرش به دنبال هم در این

مسیر هستند. این نوجوان به جاهای باریکی که میرسد و احتمال خطر هست، والدین دستش

را میگیرند و او را کمک میکنند ولی در جاهایی که راه عریضتر شد و احتمال خطر خیلی

کم یا صفر است باید اجازه دهند او خودش حرکت کند و نباید دخالت کنند.

برخی مسیرهای زندگی در فردای نوجوان چنان است که اگر به او کمک نشود و او را

کنترل نکنند اثرات سقوط بسیار خطرناک خواهد بود و غیرقابل جبران ولی برخی مسیرهای

---

۱. علی، قائمی امیری، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ اول، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳، ص ۷۹.

زندگی هموارتر است که در آن باید به کنترل دوردور نوجوان اکتفا نمود و اجازه داد که خودش طی طریق کند. بنابراین یک حالت متناوب از نظارت و آزادی دادن به نوجوان باید در زندگیش باشد.

### **۳-۴-۱- شدت و تلون عواطف:** عواطف دردورهی نوجوانی شدید میشود. مثلاً دوست

داشتن دورهی کودکی، در نوجوانی تبدیل میشود به عشق ورزیدن و دوست نداشتن به تنفر تبدیل میگردد و نوجوان امروز به یک موضوع علاقه نشان میدهد و فردا به موضوع دیگر. حالات عاطفی در این دوره ناپایدار است و با کوچکترین محرکی ممکن است خشمگین و عصبانی شود و از یک موفقیت به شدت شاد میگردد و از یک موضوع به اعجاب برسد و نوجوان بطور متوالی از شادی و خوشحالی به تأثر و افسردگی و یا برعکس میرسد و در نتیجه بیشباتی در برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان در او ایجاد میگردد. از نظر تربیتی بر والدین است که به نوجوان خود کمک نمایند تا درباره خود اندیشیده و عکسالعمل عاطفی مناسب را از خود بروز دهند.<sup>۱</sup>

### **۴-۴-۱- بلوغ جنسی و توجهات لازم در این زمینه:** این سن دوره بیداری و هشیاری

جنسی است و روی این نظر و به دستور اسلام نوجوانان حق ندارند با افراد جنس مخالف حتی مادر و پدر و برادر و خواهر در یک بستر بخوابند رشد دختران و سرعت زیاد آن در آنان

---

۱. شهاب، ادیبی، روان شناسی ارتباط والدین با فرزندان، اصفهان، انتشارات چهارباغ، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴.

کاملاً پیدا است. آثار بلوغ و علائم رشد جنسی در آنان زیادتیر نمایان میشود و به طور کلی در دوران بلوغ رشد تن بسیار و رشد روان کم است.

نوجوان وقتی با علائم بلوغ روبرو میشود برایش سؤالاتی پیش میآید که این تغییرات از کجا ناشی میشود و مربوط به چه تحولاتی است و او چه وظیفهای دارد. این سؤالات ذهن نوجوان را به جستوجو و میدارد. در این جا دو سؤال مطرح میشود: ۱- اگر نوجوان نسبت به این مسائل توجیه نشود چه عواقبی دارد؟ ۲- اگر نکات ضروری از طریق والدین به او گفته نشود و دیگران در صدد انتقال آن برآیند چه عواقبی دارد؟<sup>۱</sup>

به نظر میرسد که باید نوجوان را قبل از بلوغ در جریان تحولات روحی و جسمیاش قرار داد و اینکه او نباید نگران شود و این حالات، طبیعی است باید تنها با نوجوان در یک فرصت خلوت مطرح شود. باید والدین بدانند که با نوجوان نباید آنقدر کلی حرف زده شود که هیچ چیزی را متوجه نشود و نه آنقدر جزئی که حریم محبت پدر و فرزند یا مادر و فرزند شکسته شود.

اگر پدر و مادر مسأله خجالت و ... را در نظر بگیرند و مسأله را مطرح نکنند باید در انتظار مشکلات و مسائل بیشتری درآینده بنشینند که برای نمونه به موارد زیر اشاره میشود:

- فرزند به دنبال کانالهایی غیر از پدر و مادر برای کسب اطلاعات میگردد و احتمالاً به دام دوستان ناباب میافتد و به انحراف کشیده میشود.

---

۱. علی، قائمی، همان کتاب، ص ۳۶۲.



- نوعی احساس گناه به نوجوان ناآگاه دست می‌دهد. نوجوان احساس میکند پاک

نیست و گناه کرده است و همین احساس گناه او را به سمت انجام اعمال خلاف بیشتری سوق می‌دهد.

مطلبی که میتواند در هدایت و کنترل غریزه نوجوان بسیار مناسب باشد فضای اخلاقی و معنوی خانواده است. نوجوانی که در این محیط پرورش میابد اگر محیط برای رشد اخلاقی مناسب بود، او هم رشد میکند ولی اگر این محیط بوسیله نوارها، کتابها، عکسها و فیلمهای آلوده احاطه شده باشد و انواع عوامل محیطی و محرک موجود باشد، نوجوان آلوده میشود و از نظر غریزی منحرف میگردد.<sup>۱</sup>

#### **۵-۴-۱- کامل کردن رفتار اجتماعی :** نوجوانان غالباً احساس میکنند که دیگران آنها

را زیر نظر دارند. بنابراین خیلی متوجه اطرافیان هستند و نگاههای آنها را زیر نظر دارند در این سن کامل کردن رفتار اجتماعی صورت بهتری به خود میگیرد.<sup>۲</sup>

والدین میتوانند با در اختیار گذاشتن فرصتهای اجتماعی خوب مثل عضویت در کتابخانه کانون یا عضویت در یک تیم ورزشی سالم و عضویت در برنامههای فرهنگی و رفت و آمدهای اجتماعی مناسب و مطلوب این فرصت را به نوجوان بدهند که رفتار نپخته و ناشیانه اجتماعیاش را کامل کند.<sup>۳</sup>

نوجوانان بیشتر به خودشان فکر میکنند تا دیگران و به همین دلیل دوستی ها این دوران

خیلی مدبرانه و مصلحت آمیز است و این پدر و مادر هستند که باید با نوجوانان خویش

---

۱. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، صص ۹۲-۹۳.

۲. محمد رضا، شرفی، مراحل رشد و تکامل انسان، همان، ص ۱۴۹.

۳. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان، ص ۹۴.

صحبت کنند و به آنها بگویند که حساسیت داشتن بیش از حد در دنیای امروز مزیتی محسوب  
نمیشود. در دنیای امروز حساسیتهای جزئی زیاد داشتن جز اینکه توان و انرژی عصبی را  
کاهش میدهد و انسان را زودتر به مرحلهی نابودی عصبی میرساند نتیجهای دیگر ندارد...  
پس این والدین هستند که میتوانند کمک قابل توجهی به فرزندان خود بکنند تا بتوانند  
رفتارهای اجتماعی فرزندانشان را کامل کنند و او را برای ورود به زندگی اجتماعی در آینده  
آماده سازند.<sup>۱</sup>

---

۱. سید محمد رضا، پیغمبری، همان، ص ۸۱.

## فصل دوم

# اصول و روشهای تربیت

## ۲- اصولها و روشهای تربیت

شالوده‌ی یک جامعه‌ی سالم، با تربیت درست شکل میگیرد. با تربیت صحیح میتوان جامعه‌های بالنده و پویا و صالح ساخت و در این میان والدین و مربیان نقش سازنده و اساسی دارند، بدون تردید سعادت انسان، در تربیت صحیح با رعایت معیارها و ارزشهای گرانقدر و اصیل اسلامی، در دستیابی به حیات طیبه است.

در این رابطه نیازمند به برنامه تربیتی صحیح و اسلامی برای گام برداشتن به سوی این هدف مقدس هستیم برنامه‌های که بین نیازهای جسم و جان، توازن و تعادل برقرار کند و کودکان و نوجوانان را برای زندگی فردا آماده‌تر سازد، به طوری که از شخصیتی والا برخوردار گردند و به منشاء و عادات و رفتارهایی که از سیرهی ائمه معصومین (علیهم السلام) و الگوهای حقیقی بشری، نشأت گرفته است، آراسته گردند.

عدم آشنایی با روشها و اصول علمی تربیت، خانواده‌ها را در سرراشایی دشواریها و ناهنجاریهای روانی به پیش خواهد برد. مع الاسف در خانواده‌ها تربیت فرزندان، معلول خلقوخوی والدین و تابع عادات و عدم آگاهی آنان به مسائل اساسی تربیت است در نتیجه این عدم توجه، اغلب کودکان و نوجوانان، از انضباط فردی و اجتماعی محروم بوده، در زندگی با آداب و اخلاق اسلامی بیگانه و فاقد اعتماد به نفس، شجاعت و عزم اراده‌اند. پرداختن به خویشتن و احساس وظیفه نسبت به تربیت خود و خانوادگی خود از اساسیترین وظیفه‌هاست. خداوند در قرآن میفرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا »<sup>۱</sup>

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتش جهنم نگه دارید».

---

۱. سوره تحریم (۶۶)، آیه ۶.

والدین و مربیان تربیتی در قبال حقوق افراد تحت تربیت خود، مسئولیتی بس بزرگ دارند، باید در راه شناخت و رعایت وظیفه‌ی خود نسبت به فرزندان و دانش‌آموزان سعی و تلاش نمایند.

با خورده‌گیری‌های پیاپی از رفتار و کارهای کودکان و نوجوانان نمیتوان آنان را اصلاح کرد و والدین و مربیان باید صبر و حوصله داشته باشند و برای این کار وقت بگذارند و برنامه‌ریزی داشته باشند.<sup>۱</sup> البته توفیق در این امر مهم، مستلزم برخورداری و آشنایی پدر و مادر، اعضای خانواده و معلمان با اصول و روشهای تربیتی است که در این فصل به آنها اشاره شده است.

## ۱-۲- اصول تربیت

اصول تربیت بیان‌کننده یک سری از قوانین است که لازمی امر تربیت میباشد که انجام این قوانین و رعایت حدود آن باعث میشود که والدین بتوانند فرزندان خوبی تربیت کنند. این قوانین برای همهی انسانها در همه جای دنیا کارساز میباشد زیرا این اصول نشأت گرفته از فطرت انسانهاست و همه با وجدان خود خوبی آن را میفهمند به طور مثال همهی انسانها دوست دارند به آنها احترام گذاشته شود یا با عدالت با آنها برخورد شود و ... . اجرای این اصول در برنامه‌های تربیتی باعث میشود که بتوانند بدون آنکه وقت زیادی بگذارند پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در امر تربیت داشته باشند و فرزندان خوبی و با اخلاق تربیت کنند.

ولی چون این پژوهش در رابطه با کودک در هفت سال دوم است این اصول به دو قسمت اصول مشترک بین کودک و نوجوان و اصول مخصوص نوجوان تقسیم شده است.

---

۱. رضا، فرهادیان، تربیت برتر، چاپ سوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۰، ص ۴۱.

## ۱-۲-۱-۱- اصول مشترک:

اصول مشترک شامل اصولی میشود که هم برای کودکان و هم برای نوجوانان کارایی دارد و والدین میتوانند با این اصول کودکان ۷ تا ۱۴ سال را به درستی تربیت کنند و سعی بر آن است که این اصول کاربر عملی لازم داشته باشد که در زیر به آنها پرداخته شده است.

### ۱-۱-۱-۲- اصل احترام : کودک یک انسان است و هر انسانی به شخصیت خویش علاقمند

میباشد او میخواهد دیگران قدرش را بدانند و به شخصیت او احترام بگذارند. بزرگداشت دیگران را از علائم بزرگی و شخصیت خویش و یک نوع قدردانی می‌شمارد. <sup>۱</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به کودکان احترام میگذاشتند و درس پرورش شخصیت کودکان را با احترام گذاشتنشان به مردم میآموختند. از ایشان روایت شده است: «به فرزندان خود احترام گذارید و به آداب و روشهای پسندیده با آنها معاشرت کنید.» <sup>۲</sup> و نیز ایشان میفرمایند: «وقتی نام فرزندان را می‌برید او را گرمی دارید و در مجلس برایشان جا باز کنید و با ترشروی با آنها برخورد نکنید.» <sup>۳</sup>

پدران و مادرانی که به شخصیت فرزندان خویش علاقمند هستند باید همواره احترام آنها را رعایت کنند و وجودشان را گرمی بدانند. احترام به کودک یکی از عوامل مهم پرورش شخصیت او به شمار میرود. کودکی که مورد تجلیل و احترام قرار گیرد، بزرگوار و شریف و با شخصیت بار میآید و برای حفظ شخصیت خود، از کارهای زشت اجتناب خواهد کرد. سعی میکند با انجام کارهای نیک، شخصیت خود را در نظر دیگران کاملتر گرداند تا بیشتر و

---

۱. ابراهیم، امینی، تربیت، چاپ چهارم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸، ص ۹۲.  
۲. فلسفی، محمد تقی، الحدیث - روایات تربیتی، چاپ هفتم، جلد ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۴۴.  
۳. همان، ج ۳، ص ۶۳.

بهرتر مورد تجلیل دیگران قرار گیرد. فرزندی که مورد احترام پدر و مادر قرار گیرد از رفتار آنان تقلید میکند و به دیگران و به پدر و مادر احترام میگذارد.

اما والدین نادان که متأسفانه تعداد آنان کم نیست. احترام به فرزند را منافی تربیت و با شأن پدری و مادری ناسازگار میدانند. تصور میکنند اگر به فرزندان احترام بگذارند آنها لوس میشوند و به والدینشان احترام نمیگذارند آنها بیاعتنایی و بیاحترمی به کودکان را وسیلهی تربیت می شمارند و بدین وسیله، شخصیت آن ها را زمین زده، زبونی و فرومایگی را در نهادشان میگذارند در صورتی که این یکی از اشتباهات بزرگ تربیتی میباشد.

احترام به کودکان و نوجوانان نه تنها پدر و مادر را در نظر آنها کوچک نمیکند بلکه روح شرافت و بزرگواری را در آنان پرورش میدهد. آیین مقدس اسلام — که به شخصیت کودکان کاملاً توجه داشته — سفارش می کند که به کودکان احترام بگذارید.<sup>۱</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) میفرماید: « اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم »<sup>۲</sup>، «به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید».

پیغمبر اسلام همیشه و همهمجا با کودکان مدارا و مهربانی میکردند وقتی از سفر بر میگشتند کودکان به استقبال او میشتافتند و پیغمبر آنها را مورد نوازش و ملامطت قرار میداد سپس بعضی از آنها را بر اسب خود سوار میکرد و به اصحاب نیز دستور میداد بقیه را سوار کنند و با این حال به شهر باز میگشتند. از توهین به کودکان و حتی شیرخوارگان جداً خودداری مینمودند.<sup>۳</sup>

کودکان در سن ۷ سال دوم درست است که هنوز کودک خوانده میشوند ولی نسبت به هفت سال اول از قدرت تشخیص و تمیز بالایی برخوردارند. کودکان زیر ۷ سال هم معنای

۱. ابراهیم، امینی، تربیت، همان، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. علی شیرازی، محمد، عابدی، فرهنگ موضوعی مبلغان، قم، نشر مجال، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹ به نقل از میزان الحکمه، ح ۲۲۷۴۷.

۳. ابراهیم، امینی، همان کتاب، ص ۱۹۴.

احترام را به خوبی درک میکنند چه برسد به کودکان در سن ۷ سال دوم آنها احساس شخصیت میکنند و متقابلاً دوست دارند که اطرافیان نیز با آنها اینگونه برخورد کنند. همان طور که بیان شد اگر در این سن توانستید فرزندان خود را تربیت کنید موفق شده‌اید به همین منظور باید والدین با احترام با فرزندان خود رفتار کنند تا آنها نیز احساس شخصیت نمایند و خود را بزرگ و قابل احترام ببینند اگر این کار صورت گرفت نیمی از کارها را آسان میکند زیرا وقتی فرزند شما برای خود احترام قائل باشد و خود را بزرگ فرض کند دیگر به سراغ رفتارها و گفتارهای زشت و خلاف اخلاق و موازین تربیتی نخواهد رفت و اگر این حس در او باقی بماند در آینده نیز فردی با اعتماد به نفس بالا و قابل احترام خواهد بود.

## ۲-۱-۱-۲- اصل وفای به عهد : امور زندگی بشر بدون قرار داد و عهد و پیمان

نمیچرخد، مردم در بین خودشان قول و قرارهایی دارند. عهد و پیمان است که خانواده را تشکیل میدهد و شهرها و کشورها را با یکدیگر مربوط میسازد مردم به این قول و قرارها دل گرمی دارند و زندگی اجتماعی خویش را بر آنها پایه‌گذاری می کنند.

لزوم وفای به عهد ریشه‌ی فطری دارد و هر انسانی فطرتاً آن را درک میکند.<sup>۱</sup> هر انسانی در وجدان خود درک میکند وقتی با کسی عهد و پیمانی بست، موظف است به آن وفا نماید و اگر تخلف کرد در وجدان خود احساس ناراحتی و شرم ساری میکند. هر فرد و جامعه‌ای که به وفای عهد و پیمانهای خویش مقید باشد نزد دیگران عزیز، محترم، مورد اعتماد خواهد بود و مردمان بی‌وفا، نزد دیگران خوار و پست میباشند.<sup>۲</sup>

۱. ابراهیم ، امینی ، تربیت ، همان، ص ۱۶۹.

۲. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، گلی خوشبو از جانب خداوند، پژوهشگر رضا بصیرت، قم ، انتشارات شهاب الدین، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵.



آیین مقدس اسلام- که دین فطری است - دربارهی این امر حیاتی سفارشها کرده و وفای به عهد را واجب و از علائم ایمان شمرده است، خداوند در قرآن میفرماید: « وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا »<sup>۱</sup> « به پیمانهای خویش عمل کنید زیرا در قیامت مورد سؤال و بازخواست قرار میگیرد». رسولاکرم (صلی الله علیه وآله) نیز میفرماید: « لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ »<sup>۲</sup> « هر کس به عهد خویش وفا نکند دین ندارد».

برای اینکه وفاداری در بین جامعه احیاء شود و به صورت یک وظیفه همگانی در آید، باید از زمان کودکی این خوی پسندیده را در نهاد فرزندان پرورش داد فرزندان به والدینشان به دیدهی احترام نگاه میکنند از گفتار و رفتارشان تقلید میکنند آنها برای فرزندانشان سرمشق هستند. پس لذا التزام والدین به وفای به عهد خود عاملی برای نهادینه شدن این عمل در فرزندانشان است.

رسولاکرم (صلی الله علیه وآله) در این باره میفرماید: « إِذَا وَعَدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ فَلْيَنْجِزْ »<sup>۳</sup> «هرگاه یکی از شما به کودکش وعدهای داد حتماً باید به آن وفا کند و از عهد خود تخلف نکند». باید توجه داشت زمانی که فرزندان کوچک هستند (سنین زیر ۷ سال) نیازها و خواہش هایشان نیز کوچک است و توقعات والدین نیز از آنها کمتر. مثلاً با یک شکلات و یا پارک رفتن راضی میشوند و پدر و مادر میتوانند به آنها وعده دهند که اگر امروز در مهمانی مؤدب باشی فردا تو را به پارک میبرم یا برایت شکلات میخرم و این وعدهها که لزوماً باید به آنها وفا شود، خرج زیادی هم برای والدین ندارد و از عهده آنها بر میآید، و اینگونه وفای به عهد را به کودک خود عملاً آموزش میدهند.

ولی کودکان بالای هفت سال نیازها و خواهشهایشان بسیار متفاوت است و همچنین توقعات والدین نیز از آنها بیشتر میباشد و لذا وعدههایی هم که به آنها داده میشود نیز باید

۱. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۴.

۲. محمد تقی، فلسفی، الحدیث- روایات ترتیبی، جلد ۱، همان، ص ۱۰۰.

۳. همان، ص ۱۰۱.

متناسب با سن و سالشان باشد. مثلاً نمیتوان به یک کودک ۱۰ ساله گفت اگر معدل درسیات ۲۰ شود تو را به پارک میبرم و یا بستنی برایت میخرم. چون زحمت یک سال خیلی ارزشش بیشتر است. پدر و مادرها باید توجه داشته باشند که اگر نمیتوانند کاری را انجام دهند وعده‌ی تو خالی ندهند مثلاً برای اینکه فرزندشان را ترغیب به درس خواندن کنند به او بگویند اگر معدل ۲۰ شود برایت رایانه میخرم و کودک به این امید درس بخواند و معدل اش ۲۰ شود. ولی والدین به قول خود عمل نکنند.

اولاً باعث دلسردی فرزند از درس خواندن میشود و ثانیاً چون شما رویای یک سالهی او را خراب کرده‌اید به شما به چشم خیانتکار نگاه میکنند. اگر میتوانید به وعده‌ی خود عمل کنید به فرزندان قول دهید. کودکان بالای ۷ سال خیلی حساس هستند، مخصوصاً در دوره‌ی بلوغ و نوجوانی که نیازمند توجه‌اند و اگر با بد قولی و عهد شکنیهای شما روبه‌رو شوند این کار شما را به حساب عدم توجه شما به احساسات و علایق خود میدانند و از شما دوری میکنند و برای از بین بردن این خلاء (عدم توجه) به دنبال فردی در خارج از خانه می - روند و حتی ممکن است گرفتار دوستان ناباب شوند و آینده‌شان خراب شود.

پس باید دقت داشته باشید عدم وفای به عهد والدین چه عواقبی میتواند داشته باشد و والدین با این کارشان به فرزندان آموزش عهدشکنی نیز میدهند و علاوه بر عواقب بالا که ذکر شد باعث میشود کودکان و نوجوانان نسبت به والدینشان بی اعتماد شوند و والدین اعتبار کافی را نزد آنها نخواهند داشت لذا در مواردی هم که والدین بخواهند آنها را نصیحت کنند فرزندان قبول نخواهند کرد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۱-۲- اصل راستگویی: یکی از صفات پسندیده که هماهنگ با سرشت آدمیان

است راستگویی میباشد. هر انسانی بالفطره مایل است راست بگوید و همچنین سخنانی را که

---

۱. ابراهیم، امینی، تربیت، همان، ص ۱۷۱.

از دیگران میشوند، راست تلقی کند. یکی از بزرگترین وظایف پدر و مادر در تربیت فرزند، پرورش فطرت راستگویی کودک است.<sup>۱</sup>

یکی از عوامل مهم پرورش کودک، محیط خانواده است. در آنجاست که بچه شکل میگیرد و از اخلاق پدر و مادر و سایر معاشران تقلید مینماید. اگر محیط خانواده، محیط راستی و درستی باشد و پدر و مادر و سایر افراد، با صداقت و راستی با همدیگر رفتار کنند و سخن بگویند، بچه‌های آنان، نیز با راستی و درستی پرورش خواهند یافت.<sup>۲</sup>

برعکس اگر محیط، محیط دروغ و دروغگویی باشد و پدر و مادر به یکدیگر و فرزندان خویش دروغ بگویند. بچه‌های بیگناهی که در چنین محیطی پرورش میابند، این خوی ناپسند را از والدین میآموزد.

برای اینکه فرزندان راستگویی را سرمشق خود قرار دهند، باید این کار را از کودکی و دوران خردسالی آنها شروع کنید ولی ادامهی این کار تا دورهی بزرگسالی به طول خواهد انجامید تا آنجا که شخصیت فرزند به طور کامل شکل بگیرد کودکان در ۷ سال دوم، به خوبی میتوانند راست را از دروغ تشخیص دهند.

اگر در خردسالی والدین میتوانند با دروغ گویی کاری از پیش ببرند در حالی که خود این کار نیز حتی در این دورهی خردسالی رفتار اشتباهی است باید بدانند که دیگر در این سن نباید این کار را بکنند. مثلاً وقتی فرزندان کار اشتباهی انجام میدهند به آنها بگویند به پدرت میگویم یا فردا به مدرسه‌ات می‌آیم و به معلمت میگویم و همینطور در موارد دیگر وقتی کودک ببیند والدینش چند بار این جملات را تکرار کردند و عملی را انجام نمیدهند دیگر از آنها حساب نمیرند و همهی حرفهایشان را دروغ برداشت میکنند.

---

۱. محمد تقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، چاپ دهم، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۳۳-۳۸.  
۲. همان، ص ۳۷.

و نیز به آنها یاد می‌دهند که برای رسیدن به مقاصد خود دروغ بگویند و در مورد مسائلی هم که راست می‌گویند و قصد نصیحت آنها را دارند کودکان به دلیل بیاعتمادی نسبت به حرفهای آنها سخنان والدینشان را نمی‌پذیرند.

کودکان در این سن احساس شخصیت میکنند و دوست دارند دیگران نیز آنها را محترم بشمارند فرزندانی که در محیط صداقت و راستی پرورش پیدا میکنند در خود احساس بزرگی و شخصیت میکنند زیرا کسی با دروغگویی به احساس و شخصیت آنها توهین نکرده و به همین دلیل از اعتماد به نفس بالایی برخوردارند و در آینده نیز انسانهای راستگو و قابل اعتماد خواهند بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) میفرماید: « عَلَیْکُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ یَهْدِیْ إِلَى الْبِرِّ » «راست پیشی کنید که به سوی خوبی انسان را هدایت میکند»<sup>۱</sup>

ولی فرزندانی که با دروغگویی مکرر والدین روبه‌رو میشوند احساس میکنند که والدینشان آنها را به مسخره گرفته‌اند و با احساس آنها بازی میکنند و در نتیجه آنها دروغگویی والدینشان را بیاحترامی به شخصیتشان تلقی میکنند و چه بسا عقده پیدا کنند و یا دچار مشکلات روحی میگردند و از فضایل انسانی به دوراند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) میفرماید: « اَقْلَ النَّاسِ مُرُوَّةً مَنْ کَانَ کَاذِبًا » «کم نصیبت‌ترین مردم از سجایای مردانگی و فضایل انسانی دروغگویان هستند»<sup>۲</sup>

بنابراین، پدران و مادرانی که میخواهند فرزندان‌شان راستگو باشند. چاره‌ای ندارند جز این که راستگویی را پیشهی خود سازند. هیچگاه نباید فرزندان‌شان را تهدید به کاری بکنند که آن را انجام نمیدهند حتی حواس‌شان جمع باشد که اگر نمیخواهند کسی را به خانه خود

۱. ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه سخنان و خطبهای پیامبر (صلی الله علیه وآله)، چاپ ششم، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیاء، ۱۳۵، ص ۵۶۶.

۲. علی رضا، صابری یزدی، محمد رضا، انصاری محلاتی، الحکم الزاهر، با ترجمه انصاری، چاپ دوم، قم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش، ص ۵۶۶.

دعوت کنند و او را در کوچه ملاقات کردند به او به دروغ نگویند بفرمائید داخل منزل زیرا فرزندان آنها بزرگ شده‌اند و به خوبی این موارد را زیر نظر دارند.<sup>۱</sup>

باید در تمام ریزه کاریهای رفتار خود دقیق باشند و کوچکترین دروغی نیز از دهانشان بیرون نیاید زیرا آنها الگوی فرزندان‌شان هستند و فرزندان از رفتار آن تقلید میکنند.

#### ۴-۱-۱-۲- اصل آزادی: یکی دیگر از اصول تربیت کودکان و نوجوانان این است که به

آنها آزادی داده شود. زیرا خداوند در وجود انسان غرایز و عواطفی را به ودیعه نهاده که وجود آنها برای تشکیل شخصیت او لازم و سودمند است. مانند: محبت، خشم، شجاعت، ترس، حمله و دفاع، کنجکاوی، تقلید و ... این غرایز از جانب خدا، برای رفع مشکلات زندگی به انسان عطا شده است و همینها هستند که شخصیت او را تشکیل میدهند.

این غرایز باید در محیطی آزاد پرورش و تکامل یابند. ترس برای فرار از خطرها به کار میرود، پرخاشگری برای حمله به دشمن لازم است و کنجکاوی برای کسب دانش ضرورت دارد، کسی که اصلاً نترسیده و حالت دفاع و پرخاش در وجودش نباشد انسان ناقصی است. امام صادق (علیه السلام) میفرماید: «کسی که پنج چیز نداشته باشد، وجودش چندان فایده‌ای ندارد: دین، عقل، ادب، آزادی، خوش اخلاقی».<sup>۲</sup>

در محیط آزاد است که افراد میتوانند غرایز خود را به کار گیرند و آزادانه فعالیت کنند، شخصیت خود را پرورش دهند و برای زندگی اجتماعی آماده شوند. سرکوب کردن به شخصیت انسان لطمه‌های بزرگی وارد خواهد ساخت بسیاری از پدران و مادران، خودشان را به جای عقل فرزندان قرار میدهند، به جایشان میفهمند، تصمیم میگیرند و انتخاب میکنند،

---

۱. ابراهیم، امینی، تربیت، همان، ص ۱۶۴.

۲. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۸۳.

فرزندان آزادی و حق تصمیم و اراده ندارند و بدون اجازهی پدر و مادر، نمیتوانند کاری انجام دهند این گونه کودکان غالباً گوشهگیر و بیعرضه خواهند بود.

روح ابتکار در آنان خاموش خواهد شد، جرئت ندارند در کارهای مهم دخالت کنند و تصمیم بگیرند، از قبول مسئولیتهای دشوار دوری مینمایند، از رهبری و فرماندهی عاجزند چون از آزادی محروم گشتهاند و نتوانستهاند غرایز و خواستههای درونی خویش را اشباع نمایند، عقده پیدا میکنند این عقده ها ممکن است به بیماری های روانی و ضعف اعصاب منتهی گردد.

در مقابل والدینی هستند که در مورد فرزندان خویش هیچ گونه امر و نهیای ندارند و بی تفاوت محضاند این برنامه نیز برنامه تربیتی نیست و عیبهای بزرگی دارد. کودکانی که با این برنامه تربیت شوند و در انجام کارها هیچگونه محدودیتی نداشته باشد، غالباً خودخواه و شهوت ران و زورگو بار میآیند و برای دیگران حق نمیشناسند و به حقوق دیگران تجاوز میکنند و از پدر و مادر سلب آسایش مینمایند.

به خواهران و برادران و کودکان دیگر آزار میرسانند به علت اینکه غرایز و خواستههای درونی آنان آزادی مطلق داشته، غالباً به افراط کشیده میشوند و آنها را به فساد و تباهی میکشانند و اصولاً خودپرست و پرتوقع هستند.

همانطور که دانستید سن ۷ سال دوم دورهی اطاعت و فرمانبرداری است ولی این به این معنا نمیباشد که کودک را محدود ساخته و اجازهی کاری را به او ندهید بلکه درعین حالی که تربیت میشود باید از آزادی نسبی نیز برخوردار باشد زیرا همان طور که گفته شد اگر کودک را محدود کرده و به جای او تصمیم بگیرید او انسان ناحقی میشود و از عهدی کارهایش به درستی بر نمیآید. این وظیفهی پدر و مادر است که اعتدال را در این زمینه برقرار

سازند و در بعضی موارد و کارها باید به فرزندان آزادی دهند و در بعضی موارد آنها را محدود سازند.

#### ۵-۱-۱-۲- اصل عدل و مساوات: یکی دیگر از اصول مهم تربیتی که والدین و مربیان

موظفند آن را به طور دقیق رعایت نمایند عدالت و تساوی بین کودکان است.<sup>۱</sup> خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید: « اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى » « عدالت بورزید که به تقوا نزدیکتر است»<sup>۲</sup> و امام صادق نیز میفرمودند: « عدل و انصاف در ذائقه‌ی مردم شیرینتر و گواراتر از آبی است که آدم تشنه بنوشد. در اداره‌ی کارها گرچه کوچک باشد، چیزی بهتر از عمل نیست.»<sup>۳</sup>

یک خانوادگی چند نفری، به منزله‌ی یک کشور کوچک است که پدر و مادر آن را اداره و سرپرستی میکنند چنان که حسن اداره‌ی یک کشور بدون رعایت عدل و مساوات امکانپذیر نیست، در اداره‌ی خانواده نیز عدل و انصاف ضرورت دارد.

صفا و صمیمیت، محبت و الفت، اعتماد و خوشبینی، رفاه و آسایش، تنها در محیط عدل و مساوات به وجود می‌آید درچنین محیطی است که کودکان درست پرورش می‌یابند و نیروهای درونی خویش را به فعلیت و تحقق میرسانند و از پدر و مادر، عملاً درس عدل و مساوات می‌گیرند.<sup>۴</sup>

پدران و مادران عاقل با تمام فرزندان خود پسر باشند یا دختر، زشت باشند یا زیبا، بزرگ باشند یا کوچک یکسان رفتار می نمایند و همه را فرزند خود میدانند و بین آنها به بهانه‌های واهی از قبیل اینکه این پسر است، این فرزند اول است، این چنین است و آن چنان

---

۱. حبیب الله ، میرزایی، تربیت فرزند در پرتو رهنمودها و رفتار پیامبر(صلی الله علیه وآله ) ، مشهد، انتشارات عروج اندیشه ، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵.  
۲. سوره مائده (۵) ، آیه ۷.  
۳. محمد یعقوب، کلینی ، الکافی ، چاپ ششم ، جلد دوم ، تهران ، انتشارات اسلامی ، ۱۳۶۲، ص ۱۴۶.  
۴. ابراهیم ، امینی ، تربیت، همان ، ص ۱۸۷.

است تفاوتی در محبت و احترام، در خوراک و پوشاک، در حمایت، طرفداری، در تعریف و تمجید در بخشش و خدمت، در جهازیه و تهیه امکانات و دهها مسئله دیگر قائل نمی شوند و با همه با عدالت رفتار می نمایند.<sup>۱</sup>

زیرا کودکان در این سن ( ۷ سال دوم) فطریاتشان کاملاً بیدار است و خوب و بد را میفهمند و از نظر عقلی کاملتر شدهاند هر چند که خردسالان نیز تبعیض را میفهمند ولی در این سن ۷ سال دوم در ک فرزندانی خیلی بالاتر از خردسالان است و آنها تبعیضها را با تمام وجود احساس میکنند خصوصاً در سن بلوغ که فرزندان نیازمند به توجه والدین و اطرافیان هستند و اگر با بیعدالتیهای والدین روبهرو شدند چه بسا لطمه های اخلاقی غیر قابل جبرانی بر آنها وارد خواهد شود که اهم آنها به طور خلاصه این است:

- فرزندان در محیط خانه عملاً از رفتار پدر و مادر درس حق کشی و بیعدالتی فرا میگیرند و به آن عادت میکنند.
- فرزندانی که مورد تبعیض قرار گرفتهاند، از پدر و مادر کینه به دل میگیرند و ممکن است عکس العمل نشان بدهند و دست به سرکشی و عصیان بزنند.
- در بین خواهران و برادران حسد و دشمنی به وجود میآید و آنها همیشه در نزاع و کشمکش خواهند بود و حتی ممکن است عکسالعملهای شدیدی نشان بدهند و دست به شرارت و حتی قتل و جنایت بزنند.
- کودکانی که مورد تبعیض قرار گرفتهاند، احساس محرومیت و مظلومیت مینمایند و عقده پیدا میکنند و همین عقده، ممکن است اضطراب و ناراحتی و ناامیدی تولید کند و بالاخره به ضعف اعصاب و بیماریهای روانی منتهی گردد.<sup>۲</sup>

---

۱. حبیب الله، میرزایی، همان کتاب، ص ۲۲۵.

۲. ابراهیم، امینی، تربیت، همان، ص ۱۸۸.



پدر و مادر، مسئول همهی این نابسامانیها هستند که از قانون ضروری عدل و مساوات تخلف نمودند و بین فرزندان شان تفاوت گذاشتند. البته پدر و مادر نمیتوانند با همهی فرزندان کاملاً یکسان رفتار کنند نیازهای کودکان در سنین مختلف و در همهی زمانها به نسبت جنس آنها یکسان نیست و عدل و مساوات همچنین اقتضایی ندارد.

مگر میتوان فرزند بزرگ را در آغوش گرفت و مانند بچهی شیرخوار نوازش کرده یا پول تو جیبی بچهی سه ساله را عیناً به مقدار پول تو جیبی پسر بچهی هجده ساله قرار داد و... عدل و مساوات چنین اقتضایی ندارد، اما به هر حال پدر و مادر باید با عقل و تدبیر کامل، رفتار عادلانه‌ای را انتخاب کنند که فرزندان شان احساس تبعیض ننمایند.<sup>۱</sup>

#### ۶-۱-۱-۲- اصل تدرج و تمکن : «تدرج» به معنای اندک اندک و آهسته آهسته پیش

رفتن و پایه پایه نزدیک شدن است.<sup>۲</sup> و «تمکن» به معنای جای گرفتن و جاگیر شدن و پا بر جا شدن و نیز توانایی و قدرت و قادر شدن بر چیزی است.<sup>۳</sup>

هیچ انسانی جز با اساس تمکن و تواناییاش و جز با حرکتی تدریجی و مناسب به کمالات الهی درست نمیآید، همچنان که عکس این مطلب نیز صادق است و هیچ انسانی یک مرتبه و دفعه‌تاً تباه نمیشود. تدرج و تمکن در تربیت امری است که در هر دو طرف صادق است و انسان براساس آن به سوی والایی یا تباهی سیر میکند.<sup>۴</sup>

بعضی از والدین و مربیان قصد دارند که در فرصتی کوتاه و با شتابی کودکان، فرزندان و متربیان خود را به سر منزل مقصودی که در ذهن خود دارند برسانند، بدون اینکه فرصت دستیابی خود به خودی آن را فراهم نماید.<sup>۵</sup>

۱. ابراهیم امینی، تربیت، همان، ص ۱۸۸..

۲. محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵۶.

۳. محمد معین، همان کتاب، ص ۱۱۴۲.

۴. مصطفی، دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۵، ص ۱۶۳.

۵. علی، ضرتاش ور، تربیت دینی، نشریه کارو کارگر، ۱۳۷۹، ص ۲۰.

سیر تربیت، یعنی تربیت کردن و تربیت پذیری امری تدریجی است و جز با استمرار و رعایت توانایی و قدرت کودکان و نوجوانان تحقق نمی‌یابد. مثلاً در تکالیف دینی فرزند در سن ۷ سالگی اگر والدین بخواهند همه ی تکالیف و فضایل و رذایل را یک جا به فرزندانش منتقل کنند، مطمئناً نتیجه مطلوب نخواهند گرفت بلکه باید گام به گام و به مقدار گنجایش و ظرفیت فرزندان به آنها آموزش دهند.

پس در آموزش و تربیت فرزندان باید سطح درک، سن و مقتضیات زمان و مکان را در نظر گرفت و با بهره‌گیری از علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی و روابط انسانی و با استفاده از شیوه‌های نوین و کارآمد به تربیت فرزندان همت گماشت. همانطور که بارش آرام باران، بهتر در دل زمین نفوذ میکند و زمین فرصت هضم و جذب را پیدا میکند، بارانهای سیلاسا باعث تخریب و ویرانی زمینها میشود، آموزشهای تسریعی و پر محتوا ملامت و خستگی و دلزدگی را برای کودکان و نوجوانان ایجاد میکند.<sup>۱</sup>

#### ۷-۱-۱-۲- اصل تسهیل و تیسیر : تسهیل و تیسیر به معنای آسان کردن و سهل گردانیدن

است.<sup>۲</sup> و مراد آن است که در حکمت تربیتی راههای آسان و میسر به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن فراهم شود و با متربی از سر ملایمت و مدارا رفتار شود تا بتواند راه را بر خود هموار سازد و طی طریق کند و به مقصود دست یابد.

اهمیت این اصل تا آنجا است که کتاب هدایت و سعادت انسان (قرآن کریم) نیز آسان قرار داده شده است تا حرجی بر مردمان در فهم و دریافت آن نباشد، آیین تربیت در اسلام بر تکالیف شاق بنا نشده است زیرا آیینی است متعادل که بر فطرت آدمی استوار شده است و سختیهای ظاهری آن نیز به دلیل آن که با فطرت هماهنگ و سازگار است، در ذائقهی جان

---

۱. محمد رضا، مطهری، شرحی بر جلوههای رفتاری امام خمینی (رحمه الله علیه) با کودکان و نوجوانان، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹.  
۲. محمد، معین، همان کتاب، ص ۱۰۸۳.

آدمی شیرین و گوارا است و همین موجب میشود که صفات الهی و خصلتهای نیک به آسانی و راحتی کسب شود و راه و رسم تربیت محمدی هم بر امور سهل و آسان بنا نهاده شده است و از خشونت و تندی به دور است.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

« بَعَثَنِي بِالْحَنِيفَةِ السَّهْلَةِ السَّمْعَةِ »<sup>۲</sup> « خداوند مرا بر شریعت و دین حنیف و آسان و ملایم مبعوث کرده است ».

با توجه به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اهمیت این اصل در مورد کودکان و نوجوانان بیشتر معلوم میشود چرا که آسانگیری موجب جذب شدن آنان به خانواده و حتی دین و اسلام میشود و به عکس سختگیری به آنها و بهانه جویی های مداوم باعث دفع آنها از والدین و به دنبال آن مسیرهای انحرافی در جامعه میشود.

در این رابطه حدیثی از امام صادق است که ایشان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل میکنند که:

«خدا رحمت کند کسی را که فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری کند. [راوی حدیث

گوید: پرسیدم : چگونه فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری کند؟!] حضرت فرمود: آن چه را که

در توان اوست از او بپذیرد و آن چه را که برایش طاقت فرساست از او نخواهد و او را به تکلیف

مافوق طاقتش وا ندارد و او را دچار سرگشتگی و شرمندگی نسازد.»<sup>۳</sup>

## ۲-۱-۲- اصول مختص به نوجوانان:

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، همان کتاب، ص ۱۷۴.

۲. محمد یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۵، مترجم: محمد باقر کمرهای، چاپ دوم، انتشارات اسوه، بی جا، ۱۳۷۲، ص ۴۹۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۰.

به دلیل اینکه در این دوره ۷ ساله دوم مرحله نوجوانی قرار دارد و این دوره مشکلاتش بیشتر و دغدغه والدین در مورد نوجوانان بیشتر است به صورت جداگانه برخی از مباحث این دوره در این قسمت بیان شده است.

#### ۱-۲-۱- اصل ارتباط نزدیک و تفاهم: تربیت در این دوره دارای نقش بنیادین است و

اینکه آیا نوجوان در آینده انسانی ارزنده خواهد بود یا نه بستگی به تربیت آنان در این دوران دارد. تربیت این نسل امکان پذیر نیست جز از راه ارتباط نزدیک والدین و مربیان با آنان و ایجاد تفاهم فیما بین و اشتراک فکری.

اینان در سنین بلوغ و نوجوانی، بویژه در مرحله بلوغ به دوران و وضعی میرسند که حتی برخوردشان با والدین و مربیان بگونه‌های عجیب و ظاهراً توأم با هراس است مربی باید بکوشد با کسب آگاهی از طرز فکر و رغبت‌های او، از مسائل و مشکلاتش سر در بیاورد و با او بجوشد و بسازد.

در دگرگونی رفتار، عوامل متعددی دخالت دارند که بگونه کلی میتوان از عوامل انسانی و غیر انسانی نام برد. در عوامل انسانی رفتار پدر و مادر، معلم و دوستان... را میتوان نام برد و در عوامل غیر انسانی حتی آب و هوا، شرایط غذایی و دارویی، فقر و ثروت و دیگر مسائل اثر دارد، برای این مسائل در سنین بلوغ باید عوارض آن را نیز افزود که خود به خود موجب تحول و نابسامانیهاست.

شناخت این عوامل در موارد زیادی میتواند سازنده باشد و دانستن آنها برای مسئولان تربیتی لازم است زیرا در مواقعی که فکر میکنند نوجوانشان عصبی است یا سرناسازگاری با آنها را دارد در واقع ممکن است علت آن بلوغ باشد و یا ناکامی از یک امری که او خواستار وصول آن بوده، در این صورت والدین بهتر میتوانند روی رفتارشان با نوجوان توجه داشته

باشند و رفتارهای او را بهتر تحمل میکنند باید بدانند این چنین رفتارها را جز از طریق نزدیک شدن به او و تفاهم و همفکری با او نمیتوان جبران کرد.<sup>۱</sup>

## ۲-۲-۱-۲- اصل اعتماد به نفس : یکی از هدفهایی که در تربیت فرزندان و بویژه

نوجوانان لازم است مورد توجه باشد، پرورش روحیه خود باوری و ایجاد اعتماد به نفس است. کسی که اعتماد به نفس نداشته باشد، زبون و بیچاره و ناتوان است و نمیتواند از امکانات و استعدادهای موجود خود بهره‌برداری کند.<sup>۲</sup>

انسان برای سلامت روحی و روانی احتیاجی مبرم به اعتماد به نفس دارد. چرا که اعتماد به نفس بالا در موفقیت تحصیلی نقش موثری دارد.

عوامل بیشماری در پرورش و تقویت اعتماد به نفس نوجوانان موثر است از جمله اینکه والدین باید مواظب باشند تا نوجوانشان را با دیگر نوجوانان مقایسه نکنند و هیچگاه نظریات خود را به آنها تحمیل نکنند بلکه به صورت مشورتی سعی کنند نظر خود را به آنها برسانند منطقی و ملایم با آنها گفتگو کنند.

یکی دیگر از کارهایی که والدین میتوانند انجام دهند تا نوجوان اعتماد به نفس بالا داشته باشد این است که سعی کنند با نوجوانشان دوست باشند به او محبت کنند و علاقه خود را به او ابراز نمایند و دراین محبت کردن نیز حد اعتدل را رعایت نمایند، همواره با احترام او را یاد کنند و هیچگاه او را با القاب زشت و نامناسب صدا نزنند، در حد توانش به او مسئولیت

---

۱. علی ، قائمی امیری، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ اول، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳، صص ۳۰۵-۳۱۲

۲. محمد علی، سادات، راهنمای پدران و مادران(شیوههای برخورد با نوجوانان) ، جلد اول، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۷.

دهند و همواره توجه به تواناییهای او بکنند و نه ضعفهایش، استعدادهای او را بشناسند و او را در این زمینه تقویت کنند تا او نیز با اعتماد به نفس بار بیاید.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۱-۲- اصل اجتماعی شدن: اسلام برای تربیت همه جانبه افراد جامعه خود،

کوشش بسیار دارد و با به کار بردن شیوه خاص خویش سعی دارد از یک سو آنان را در رابطه با خود فردی حق شناس و وظیفه دار بار آورد و از سوی دیگر رابطه او را با اجتماع براساس همزیستی مسالمتآمیز و صلح و تفاهم قرار دهد.

شیوه تربیتی اسلام درباره همگان و بویژه نوجوانان به گونهای است که میکوشد آنان را در جنبههای مربوط به شرف و انسانیت و اصالت، خلوص و صفا، برادری و امانت، افرادی نمونه معتدل، مدیر و مسلط بر خود، بار آورد و رفتارشان را تحت ضابطهای قرار دهد و این مهم جز در سایه ارتباط با افراد جامعه و داشتن برخوردهای اجتماعی مناسب حاصل نخواهد شد.

در این دوره از رشد، امکان رشد و پرورش نوجوانان در همه زمینهها از جمله در زمینه اجتماعی وجود دارد آنان در وضع و موقعیتی هستند که میتوانند ضرورت رعایت مقررات و ضوابط اجتماعی را دریابند و به اهمیت آن توجه کنند آنان میتوانند در برخی از امور دخل و تصرف داشته باشند و این که آمادگی لازم را در کارها پیدا کنند وظیفه والدینشان است که آنها را یاری رسانند.

والدین باید بدانند که نوجوانان دیگر آن کودکان خردسال نیستند که در تصمیم گیری - های خانه و مدرسه دور از گود باشند و یا عذر بزرگترها در مشارکت ندادن آنها در امور این

---

۱. حسین، نجاتی، روانشناسی نوجوانی (چگونگی رفتار با نوجوان)، چاپ سوم، تهران، انتشارات بیکران، ۱۳۸۹، صص ۱۹۶-۱۹۸.

باشد که آنها درک و فهم کافی و لازم را ندارند زیرا میدانند که آنها تا حدودی رشد کرده‌اند و شرایط آینده حیاتشان ایجاب میکند در امور و تصمیم‌گیریها مشارکت نمایند.

پس لازم است والدین تا حدودی آنها را در تصمیم‌گیری‌های خود شرکت دهند و نیز برای اینکه رفتارهای اجتماعی آنها کامل شود لازم است آنان را در برنامه‌های جمع، جماعت، در دستجات و راهپیماییها، در تشیع جنازه و کلاسهای ورزشی جمعی و باشگاه رفتن و... شرکت دهند تا از این طریق هم راه و رسم حیات اجتماعی را به آنان آموزش دهند و هم به آنان اعتماد به نفس دهند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-۱-۲- اصل مشورت کردن: یکی از عواملی که به نوجوانان شخصیت میدهد،

مشورت کردن با آنها در امور خانواده است. این کار سبب میشود که آنها احساس کنند که در خانواده به حساب می‌آیند و به نظر آنها توجه میشود. به این ترتیب آنچه را در دل دارند با والدین خود در میان می‌گذارند و این، در پیدایش صمیمت و همدلی در خانواده موثر است.

لازم است والدین از پیشنهادهای صحیح نوجوانان استقبال کنند و در صورتی که در پیشنهادهای آنان خطایی می‌بینند، با دلیل و منطق آنها را به اشتباه خود متوجه سازند. این عمل باید به گونهای انجام شود که به شخصیت آنها لطمه نزند و در آنان احساس ناتوانی را ایجاد نکند.

اگر در خواستهها و پیشنهاد های نوجوانان ایراد اصولی وجود ندارد میتوان از ایرادهای جزئی چشم پوشی کرد و از همراهی و همفکری آنها بهره‌مند شد که این امر حس همکاری را در خانواده رشد میدهد.

---

۱. علی، قائمی امیری، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، همان، صص ۲۶۶-۲۶۷.

نتیجه دیگر مشورت با فرزندان این است که والدین به تدریج راه و روش فکر کردن و تصمیم گرفتن را به فرزندان خود می‌آموزند. تقویت قوه تصمیم‌گیری برای زندگی آینده آنها بسیار لازم است. برخی افراد با وجود برخورداری از تحصیلات عالی، در تصمیم‌گیری بسیار ناتوان هستند و به همین علت در زندگی اجتماعی و خانوادگی با مشکلات جدی روبه‌رو میشوند.<sup>۱</sup>

مشورت باید با توجه به سن نوجوان و میزان تجربه و اطلاعات او صورت گیرد. یعنی اموری را که مربوط به او نیست یا او اطلاعات لازم را برای اظهار نظر درباره‌اش ندارد، با او در میان نگذارید. در مشورت با فرزندان به آنها کمک کنید تا یاد بگیرند اول جوانب مختلف یک موضوع را بسنجند و بعد تصمیم بگیرند به جای نظرخواهی مطلق، فرزند را در برابر دو امر مساوی قرار دهید تا یکی را انتخاب کند مثلاً نپرسید در تعطیلات چه کنیم؟ بلکه دو کاری را که می‌توانید انجام دهید مطرح کنید و از او بخواهید یکی را انتخاب کند.<sup>۲</sup>

گفتگوهای صمیمانه با فرزندان، مشورت و همفکری با آنها و به حساب آوردن آنها در اداره امور خانواده بسیاری از مشکلات موجود در روابط والدین و فرزندان را از میان بر میدارد و در ایجاد جو تفاهم و همکاری در خانواده بسیار مؤثر است.<sup>۳</sup>

## ۲-۲- روشها

والدین و مربیان تربیتی برای تربیت نسلی سالم، خود ساخته، متخلق به اخلاق و ... ناگزیر به رعایت اصول و روشهای تربیتی می‌باشند که اصول در قسمت قبل بیان شده و اینک نوبت به بیان روشهای تربیتی می‌باشد. تمام روشهای تربیتی، مناسب تربیت کودکان و

---

۱. محمد علی، سادات، همان کتاب، ص ۴۱.

۲. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۱۱۷.

۳. محمد علی، سادات، همان کتاب، ص ۴۲.



نوجوانان نیست و چه بسا روشهایی هستند که به جای تربیت صحیح باعث از بین رفتن تربیت فرزندان میشود و آنها را به طور کلی از مبانی تربیتی دور میسازد

در این قسمت سعی بر آن شده است که روشهای تربیتی به دو قسمت روشهای مفید و مؤثر و روشهای آسیبزا تقسیم شدند که روشهای مفید و مؤثر را نیز به دو قسمت روشهای مشترک میان کودک و نوجوان و روشهای مخصوص نوجوانان تقسیم شده است.

### ۱-۲-۲- روشهای مفید و مؤثر مشترک بین کودکان و نوجوانان

هر رشته از علوم، متد و روش خاص به خود دارد که اگر درست و به جا به کار گرفته شود، نتایج مطلوبی به همراه خواهد داشت. تعلیم و تربیت نیز چنین است، برای آنکه بتوان استعدادهای نهفته کودکان و نوجوانان را در جهت مطلوب شکوفا ساخت و آنها را انسانهایی مفید برای جامعه اسلامی پرورش داد، لازم است که اولیاء و مربیان از روشهای تربیت اسلامی بهره گیرند.

اسلام نیز پیروانش را به اتخاذ روشها و شیوههای درست در انجام کارها توصیه کرده است. خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید: «لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»<sup>۱</sup> «نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه در آید، نیکی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از راه آن داخل شوید»

در تفسیر آیه فوق، امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: «(وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا) یعنی باید هر کاری را از راه خودش انجام داد»<sup>۲</sup>

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۹.

۲. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، مرکز نشر فرهنگ رجاء، تهران، بی تا، ص ۷۷.





و نوجوانان بیش از غذا، لباس، اسباب بازی، هوای آزاد و ... چشم انتظار آن هستند که محبت ببینند و به حساب آیند، به دیگر سخن برای آنان نان، قوت زندگی است، اما محبت، معنای زندگی است.

آنان که از محبت سرشارند، سکون و آرامش بیشتری را در وجود خود میابند و از روحيات شاد و اعتماد به نفس بهره‌مندند.<sup>۱</sup> همهی والدین فرزندان را دوست دارند حتی هنگامی که فرزندان خطایی کرده‌اند باز هم والدین قلباً آنان را دوست دارند. حال که این علاقه وجود دارد، باید آن را به فرزندان ابراز کننده جایز نیست پدر و مادری فرزند خود را در دل دوست داشته باشند اما اظهار نکنند. این نوع محبت تأثیر چندانی ندارد بلکه گاه تأثیر منفی میگذارد و زمانی که کودک مهر و محبت والدین را احساس نکند و خود را تنها بیابد عقاید تحقیرآمیز نسبت به خود پیدا میکند و به دنبال آن عواقب وخیمی به بار خواهد آمد.<sup>۲</sup>

کودکان در سن ۷ سال دوم ارتباطشان با دوستانشان بیشتر میشود و چه بسا از خانواده خود دوری میکنند. والدین باید سعی کنند با محبت فرزندان را جذب کنند و خود دوست فرزندان شوند که در این صورت تأثیرپذیری فرزندان از والدین بیشتر میشود و به راحتی به حرفهای آنها گوش میدهند.

البته باید در محبت کردن به فرزندان اعتدال رعایت شود زیرا زیاده‌روی در محبت باعث میشود که فرزندان لوس و بیمسئولیت بار بیایند و اگر به آنها کم مهری شود و والدین بترسند که مبادا آنها لوس بار بیایند اینکار باعث میشود که فرزندان در بیرون از خانه به دنبال محبت بگردند و چه بسا دچار انحرافات و فسادهای زیاد می شوند.

---

۱. سعید، احمدی، شیوهای معاشرت مبلغ با کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، قم، انتشارات ذوالقربی، ۱۳۹۰، صص ۱۶-۱۷.  
۲. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، خانواده موفق، چاپ ششم، تهران، انتشارات قدر ولایت، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸.

### ۳-۱-۲-۲- روش تکریم شخصیت: یکی از روشهای تربیتی کودکان، تکریم آنها و

توجه به شخصیت آنهاست، فرزندی که به قدر کافی در خانواده احترام شود و غریزه حب ذاتش به اندازه صحیح ارضا گردد روحیه طبیعی و روانی معتدل خواهد داشت و میتوان از او توقع اخلاق پسندیده و رفتار عادلانه داشت برعکس فرزندی، که از والدین احترام و تکریم ندیده و در محیط خانواده خواهش طبیعی حب ذاتش، ارضا نشده باشد در خود احساس حقارت و پستی کرده و روحی شکست خورده و روانی افسرده خواهد داشت چنین افرادی در معرض انحرافهای گوناگون بوده و در زندگی با خطرات متعددی مواجه میشوند.<sup>۱</sup>

فرزندان در هر سنی که باشند قابل احترام هستند، دوست دارند به شخصیت آنان توجه شود و مورد احترام و تکریم قرار گیرند، از این رو سزاوار است که پدر و مادر به این گرایش فطری توجه کنند و روحیهی کودکان و نوجوانان را با عزت نفس و اعتماد به نفس، تربیت و تحکیم کنند.<sup>۲</sup>

شخصیت، استقلال اراده، اعتماد به نفس و همچنین زبونی، فرومایگی و عدم اعتماد به نفس از صفاتی است که اساس آن در دامن پدر و مادر پی ریزی میشود فرزندانی که پدر و مادر با آنها معاملهی یک انسان نکرده و او را یک عضو محترم خانواده به حساب نیاوردهاند، در بزرگسالی نمیتوانند از آنها توقع استقلال و شخصیت داشته باشند.<sup>۳</sup>

لذا پدر و مادر باید دقت داشته باشند که در مهمانیها و دیدارهای خانوادگی و عمومی، آنها را همانند دیگران گرامی بدارند و به شیوهای خردمندانه تحسین کنند و از هر گونه تحقیر و تمسخر و به رخ کشیدن عیبه و لغزشهای فرزندان خویش بپرهیزند و حتی در محیط درون خانه نیز این نکته را از یاد نبرند.

۱. ابراهیم، مظاهری، با فرزندان در سایه قرآن، اصفهان، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۰، ص ۷۸.

۲. محمد جواد، مروجی طوسی، همان کتاب، ص ۸۰.

۳. محمد تقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، همان، صص ۵۴ و ۵۵.

روح کودکان و نوجوانان، چون گل، بسیار ظریف، حساس است و ممکن است با کوچکترین حرکت ناهنجار پژمرده شود. برخی از پدران و مادران به غلط تصور میکنند که چون پدر و مادر شده‌اند پس حق هرگونه اعمال نظر جابرانه و سلطه جویانه را بر فرزندان خود دارند و میتوانند با آنان به هر گونه که بخواهند رفتار کنند و این روش درستی در تربیت فرزندان میدانند غافل از اینکه اینگونه کودکان اعتماد به نفس ندارند و نیز از خود استقلال هم نشان نمیدهند در آینده نیز افرادی منزوی و گوشه‌گیر میشوند و خلاق و پویا نیستند.<sup>۱</sup>

در اینجا باید خاطر نشان کرد در آیین مقدس اسلام روایات زیادی درباره‌ی تکریم و احترام به شخصیت کودکان وجود دارد و این خود مؤید این مطلب است که روشی که بالا به آن اشاره شده برای تربیت کودکان که برخی از والدین آن را دنبال میکنند از نظر اسلام نکوهیده است. پیامبر بزرگ اسلام تا زمانی که زنده بودند به کودکان سلام میکردند و به این وسیله به شخصیت آنها احترام مینمودند و اصحاب را نیز به این کار دعوت میکردند به گونه‌ای که این کار به صورت سنت ایشان در آمده است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱-۲-۲- روش تشویق: یکی دیگر از روشهای تربیت، تشویق کودکان و نوجوانان

و تعریف از کارهای خوب آنهاست. تشویق، در روح و نهاد کودکان و نوجوانان اثر میگذارد و آنها را برای خوب شدن تحریص و ترغیب میکند. هر انسانی ذات خود را دوست دارد و میل دارد شخصیتاش را کاملتر گرداند دوست دارد که دیگران نیز به شخصیت و ارزش وجودی او پی ببرند و از او قدرشناسی و تشکر نمایند اگر مورد تحسین قرار گرفت هرچه بیشتر به خوبی متمایل میگردد و در راه تکامل واقع میشود.<sup>۳</sup>

تشویق به صورتهای گوناگون میتواند انجام شود، گفتاری، کلامی، عملی و فعلی. در

تشویقهای گفتاری و کلامی، با سخن و گفتار رفتار کودکان و نوجوانان مورد تأیید قرار

۱. محمد جواد، مروجی طبسی، همان کتاب، ص ۸۱.

۲. محمد تقی، فلسفی، کودک از نظروراثت و تربیت، همان، ص ۱۱۶.

۳. ابراهیم، امینی، تربیت، چاپ چهارم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲.

میگیرد. تشویقهای عملی نیز در قالبها و صور گوناگون میتواند انجام شود، نگاه همراه با

لبخند و نشاط، بوسیدن، هدیه دادن و با او همراه شدن.

در سیره پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین(علیه السلام) استفاده از تشویق به چشم

میخورد. در روایتی است که پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله) وارد مسجد شدند در این هنگام

دو گروه در مسجد هر کدام مشغول کار خاصی بودند. یکی به عبادت و دیگری به تعلیم و تعلم

و فقاقت، حضرت فرمودند: هر دو مجلس(گروه) خیر و سعادت آخرین است این خود

تشویقی کلامی است بر کار هر دو گروه که مخاطب خیالش آسوده میگردد که کارش بیشمره و

فایده نیست.

سپس حضرت علت گفتار خویش را روشن میسازد اما چون مجلس فقاقت و تعلم

- فقه، کاری بس با اهمیت است و زمینه بسیاری از رفتارهای صواب دیگر را فراهم می

سازد، تشویقی علیحده میخواهد به همین جهت، حضرت با بیان این نکته که من برای تعلیم

انسانها فرستاده شدهام، از بین دو مجلس، مجلس تعلیم و تعلم را برمیگزیند و در جمع آنها

حضور پیدا میکند که این خود استفاده از دو نوع تشویق کلامی و گفتاری است.

پدر و مادر باید بدانند که تشویق کودکان هیچگاه نباید بدون علت باشد و اولیاء و

مربیان موظفند در هنگام تشویق نقطه و مرکز توجه خود را ( که همان عمل فرزندان است) به

کودک نشان دهند تا این امر باعث جلب توجه و خوشنودی و دقت بیشتر کودکان و نوجوانان

در انجام اعمال هم سنگ با عمل مورد نظر شود.<sup>۱</sup>

در مقولهی ستایش و تشویق، باید تناسب میان عمل و میزان تشویق مراعات شود تا اثر

مطلوب را ببخشد بدون این تناسب، یا افراط میشود یا تفریط که هر دو زیان بار است زیرا اگر

تشویق کمتر از ارزش کار باشد موجب کم اهمیت یافتن آن کار و صفت میگردد و اگر بیشتر از

ارزش کار باشد این نیز بدآموزی دارد و ارزش آن جایزه لوث میشود.<sup>۲</sup>

۱. نبوشا، باطنی، اسماعیل، نوذری، راهنمای تربیت صحیح کودکان، تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰.

۲. جواد، محدثی، اخلاق معاشرت، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۹، صص ۲۶۱-۲۶۲.

در تشویق به این نکته نیز باید توجه داشت که تشویق همراه و توأم با عمل فرد باشد، چون فاصله‌ی زیاد بین تشویق و کار نیک، آن را از ارزش و اثر میاندازد و نقش شوق‌آوری آن را از بین می‌برد. با بهره‌گیری از تشویق زمینه‌های مناسب‌تری برای رشد فضایل اخلاقی کودکان و نوجوانان پدید می‌آید.

زیرا همانطور که بیان شد تشویق باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان نسبت به انجام کارهای نیک مصمم‌تر شوند و اینکار خود باعث ایجاد اخلاقیات خوب در آنها می‌شود و چون به خاطر کارهای خوب تشویق شده‌اند دیگر به سراغ رفتارهای بد و اخلاقیات غلط نمی‌روند.<sup>۱</sup>

#### ۵-۱-۲-۲- روش هماهنگی در تربیت: پدر و مادر در تربیت فرزند نقش بسیار مهم و

مؤثری دارند در نتیجه هماهنگی بین آنها موجب می‌شود که در امر تربیت فرزند موفق باشند<sup>۲</sup> هر اندازه والدین در روابط با فرزندان بیشتر صداقت و هماهنگی در رفتار و گفتار خویش داشته باشند در شخصیت فرزندان تغییرات قابل ملاحظه‌تری بر جای خواهد گذاشت.<sup>۳</sup> زیرا فرزندان دچار تناقض و دوگانگی نمی‌شوند، چون گفتار، اعمال و رفتار متفاوت و متناقضی از والدینشان مشاهده نمی‌کنند، در حالی که اگر بین پدر و مادر هماهنگی نباشد، فرزندان دچار تردید و تحیر می‌شوند و نمی‌دانند حق با کیست. و همچنین هماهنگی در رفتار والدین، احتمال صحت رفتار و گفتار آنها را در ذهن افزایش می‌دهد، چرا که وفاق و هم‌نظری والدین احتمال نادرست بودن رفتار و گفتار آنها را کاهش می‌دهد طبیعی است هرچه تعداد افرادی که سخن یا نظری را تأیید می‌کنند، بیشتر شود، احتمال نادرست بودن آن کمتر شده و بر میزان صحت آن افزوده می‌شود و برعکس، اگر بین رفتار و گفتار والدین در تربیت فرزند ناهماهنگی

---

۱. جواد، محدثی، همان کتاب، ص ۲۷۰.

۲. موسسه فرهنگی قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۰۷.

۳. محمد رضا، پور احمدی لاله، آموزش صحیح تربیت کودک، چاپ پنجم، تبریز، انتشارات زر قلم، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰.



و تناقض باشد، ارزش و اعتبار رفتار هر دو آنان در نزد فرزندان کم شده و مطمئن میشوند که حداقل روش یکی از والدین نادرست است به همین دلیل، میزان پذیرش گفتار والدین و تن دادن به روشهای تربیتیشان در بین فرزندان کاهش مییابد.<sup>۱</sup>

لازم است بیان شود که منظور از هماهنگی، ایجاد همگرایی و تفاهم در تمامی جنبهها و جزئیات زندگی نیست. بلکه در اصول و روشهای تربیتی باید به تفاهم و هماهنگی دست یافت. که این هماهنگی در تربیت را به گونهی دقیقتر میتوان مشتمل بر موارد زیر دانست:

الف) هماهنگی در هدفها و آرمانهای تربیت فرزند، به این معنا که برای آیندهی فرزندان خود، هدفهای مشترک در نظر گیرند.

ب) شناخت هر چه بهتر و بیشتر هدفها و یکی کردن آنها، به عنوان مثال آیا منظور هر یک از پدر و مادر از تربیت، بچهی خودساخته، کودک خلاق و نوجوان دارای اعتماد به نفس دقیقاً یکی است یا تفاوتهایی در تعریف و تهدید هدف تربیتی وجود دارد؟!

ج) هماهنگی در اتخاذ روشهایی که پدر و مادر را به این هدفها میرساند. به عنوان نمونه برای اینکه فرزند خانواده فردی با کفایت تربیت شود، چه روشهایی وجود دارد؟! آیا روشهای پدر و مادر در تحقق این امر مهم، یکی است؟!

د) هماهنگ کردن انتظارات پدر و مادر از فرزندان با تواناییهای آنان. چگونه انتظاراتی از فرزندان را در سر میپروانند؟! آیا پدر و مادر انتظارات متفاوتی از فرزندان خود دارند و پیامدهای آنها را پذیرفتهاند یا اینکه انتظاراتشان از فرزندان، یکدست و یکپارچه بیان میشود؟ یادآوری این نکته میتواند، این بخش را تکمیل کند که هماهنگی در یک زندگی متعادل و بالنده، روندی رو به رشد دارد و هر چه سالهای بیشتری از زندگی را پشت سر

---

۱. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۰۸

بگذارند، هماهنگی عمیقتر و با دوامتر میشود و این هماهنگی برای تربیت فرزندان سالم و پویا و متخلق به اخلاق لازم و بسیار مناسب است.<sup>۱</sup>

#### ۶-۱-۲-۲- روش داستان سرایی : یکی از تکنیکهای بسیار قدیمی تربیتی که ریشه

در تاریخ و فرهنگ دیرینه ملی ما دارد، انتقال پیامهای تربیتی به مخاطب از طریق قصه و داستان است.<sup>۲</sup> قصه گویی، هنر بسیار خوبی است و قصههای خوب، سازنده ی شخصیت کودکان و نوجوانان است.<sup>۳</sup>

زیرا آنها از شنیدن و خواندن داستان بیشتر لذت می برند، قصه گویی تأثیر فراوانی در کودکان و نوجوانان دارد و آنها از این طریق پیام تربیتی را به خوبی میپذیرند.<sup>۴</sup> زیرا وقتی داستان در قالب عواطف قرار گیرد و دارای مفهوم و هدف اخلاقی مهیجی باشد در اعماق روح انسان تأثیر میگذارد.<sup>۵</sup>

یکی از مزایای داستان تأثیر غیر مستقیم آن در مخاطب است. داستان به طور غیر مستقیم راه را نشان میدهد و هدایت میکند، الگو در اختیار میگذارد، عبرت میدهد، موعظه میکند، تشویق مینماید، میترساند و امیدوار میکند همهی اینها به دلیل اینکه غیر مستقیم الغا میشوند مؤثرتر و پایدارتر خواهند بود و با عمق بیشتری در دل و جان مخاطب نفوذ میکند.<sup>۶</sup> در فرهنگ اسلامی و کلام الهی، یعنی قرآن کریم نیز که قدمت چهارده قرنی دارد، مکرر و فراوان از داستان استفاده شده است در داستانهای کوتاه و بلند قرآن کریم هم از حوادث و زندگی پیشینیان نقل شده تا مخاطب با بهره گیری از تجربیات آنان، راههای خطای رفته شده را

۱. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶.

۲. مؤسسه قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۲۲.

۳. حسین، بانکی پورفرد، کودک نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، انتشارات تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰، ص

۴. مؤسسه قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۲۲

۵. محمد فاضل، الجمالی، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۴، ص ۶۵

۶. ابراهیم، امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، همان کتاب، ص ۴۰۴.

مجدداً طی نکند و راه و روشهای درست و تجربه شده را الگوی خویش قرار دهد و مدارج ترقی را سریعتر طی کند.

والدین نیز میتوانند به جای اینکه ارزشهای مورد نظر خود مانند صداقت، دوستی، نیکی به پدر و مادر، اذیت نکردن دیگران، پرهیز از بدزبانی، ظلم به دیگران و ... را به فرزندان خود از طریق زبان و نصیحت منتقل کنند، داستانهایی را برای آنان بگویند یا بخوانند که پیام غیرمستقیم داستان همین ارزشها و پیامهای تربیتی باشد و همان طور که بیان شد به دلیل غیر مستقیم بودن تأثیر بسزایی در تربیت فرزندان دارا میباشد.<sup>۱</sup>

#### ۷-۱-۲-۲- روش پر کردن اوقات فراغت : بیکاری یکی از مهمترین عوامل فساد و

تباهی است. افراد بیکار و افرادی که اوقات فراغت بیشتری دارند و از آن به درستی استفاده نمیکند، بیش از دیگران در خطر گرفتار شدن در انواع مفاسد هستند به خصوص کودکان و نوجوانان که در صحت عدم مراقبت و فقدان تجربه و نبود تعقل کافی، زمینه مناسبتری برای نفوذ بدیها در روح پاکشان را دارند.

لذا پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (علیه السلام) به والدین توصیه میکنند اوقات فراغت فرزندان خود را با انواع ورزشها و سرگرمیهای مفید پر کنند.<sup>۲</sup> پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «به فرزندان خود، شنا و تیراندازی بیاموزید»<sup>۳</sup> و همچنین در مواقعی که امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در کودکی با همدیگر کشتی میگرفتند پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله) آنها را بر این کار تشویق و تحریض میکردند و خود حضرت نیز با دیگران کشتی میگرفتند.<sup>۴</sup>

۱. مؤسسه قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۲۳.

۲. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۱۱۹.

۳. بهاء الدین خرمشاهی، مسعود انصاری، پیام پیامبر (صلی الله علیه وآله)، چاپ اول، تهران، انتشارات منفرد، ۱۳۷۶، ص ۷۹۲.

۴. محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی، مهریزی، قم، انتشارات دارالحديث، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴.

اوقات فراغت و خالی فرزندان را پر کنید و اجازه ندهید که حتی یک ساعت وقت خالی داشته باشند منظور از وقت خالی، این است که در آن هیچ برنامه، فعالیت و کاری ندارند اوقات فراغت و خالی فرزندان خود را به ویژه درایام تابستان که میزان آن بیشتر میشود با برنامهها و فعالیتهای مفید از قبیل کارکردن، مطالعه، ورزش، تفریح و ... پر کنید.<sup>۱</sup>

این کار برای فرزندان چند منفعت دارد: اولاً اوقات فراغت به جهت اینکه عاری از تکالیف موظف، تنشها و فشارهای ذهنی و روانی است، از بهترین شرایط اصلاح عادات ناپسند و رفتارهای نامطوب است.<sup>۲</sup> ثانیاً باعث نشاط و شادابی فرزندان میشود با پر کردن اوقات فراغت، فرزندان را از گرایش به بدیها باز میدارید.<sup>۳</sup>

## **۲-۲-۲- روشهای مفید و مؤثر مختص به نوجوانان:**

نوجوانان به دلیل اینکه به سنی نزدیک میشوند که باید کم کم وارد اجتماع شوند و مسئولیت بپذیرند نیازمند به روشهای دیگری برای تربیت هستند که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می شود.

### **۱-۲-۲-۲- روش مسئولیتپذیری:** به نوجوانان باید مسئولیتی واگذار کرد و از آنان

خواست که آن را به وجهی نیکو ادا کنند او را از همان آغاز باید عادت داد که مثلاً برای کارهای خانه یا مدرسه و مغازه یا امور اجتماعی وظیفه یا مسئولیتی را پذیرا گردد و نیکو از عهده آن برآید.

---

۱. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۵۰.  
۲. غلامعلی، افروز، مباحثی در روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱، ص ۱۲۸.  
۳. مؤسسه پژوهشهای دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۱۱۹.

شکی نیست که اعطای مسئولیت باید همراه با اعطای استقلال و آزادی لازم باشد و هم میبایست تسهیلاتی در رابطه با انجام مسئولیت او در اختیارش قرار گیرد تا آنکه بتواند شایستگی خود را در اجرای مسئولیت نشان دهد و هم در انجام آن احساس سرافرازی کند. ممکن است او در انجام وظیفه‌های که بر عهده او است موفق نباشد در چنین صورتی او را نباید مستحق کیفر و عقوبت دانست زیرا در این صورت او هرگز راه پذیرش مسئولیت را در پیش نخواهد گرفت و چه بسیار مواردی که او در مسیر انحراف افتد و این انحراف ناشی از عدم احساس تعهد و نداشتن مسئولیت باشد.<sup>۱</sup>

#### **۲-۲-۲-۲- روش نظارت و هدایت والدین در دوستیابی :** یکی از علائم دوران بلوغ

در نوجوانان ، میل و رغبت به هموعان است. دوستیهای دوران بلوغ میان دو نفر به وجود می‌آید و در همین دوستیها دیده شده که در بعضی شرایط رشد اجتماعی را کند و پیوستن به گروه را دشوار کرده است.

نوجوان به رفاقت و دوستی اهمیت فوق العاده‌ای میدهد و از مجالست با آنها لذت میبرد. گروه همسالان نقطه اتکاء برای نوجوان محسوب میشوند و حتی دیده شده است که در پشتیبانی از همسالان برعلیه خانواده قیام میکند.

والدین باید بدانند برای پرهیز از هر گونه درگیری و تصادم با نوجوان، ضمن مراقبت غیر مستقیم از نوجوان و سلب نکردن آزادی او، در کنار نوجوان حرکت کنند. والدین، باید بدانند که پذیرش نوجوان در جمع دوستان برای او اهمیت فروان دارد و از انزوا و عزلتطلبی او جلوگیری میکند. والدین باید توجه داشته باشند که تأثیر همسالان و دوستان در نوجوان تا

---

۱. علی، قائمی امیری، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ اول، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۷، ص ۲۶۷.



اعتراض قرار ندهید بلکه با بلند نظری و بزرگواری از کنار آن بگذرید تا بتوانید موارد مهمتر را با قاطعیت جلوگیری کنید. از این روش در تعلیم و تربیت اسلامی به تغافل تعبیر میشود.

تغافل یعنی این که خطاهای کسی را نادیده بگیریم و دانسته چنین وانمود کنیم که این اشتباهات را ندیده‌ایم. با به کارگیری این روش احساسات نوجوان با تذکرات پی در پی والدین جریحهدار نمیشود، و او از دست والدینش به ستوه نمی‌آید و در نتیجه لجبازی و ستیزه‌جویی در او زمینه رشد نمی‌یابد.

تغافل سبب میشود که پرده عجب و حیا فطری در نوجوان دریده نشده فرصت جبران و ترمیم از او گرفته نشود. تغافل نوعی برخورد بزرگوارانه و کریمانه است البته نباید فراموش کرد که تغافل نیز حدی دارد اگر نوجوان خطاها را تکرار کند، باید به گونهای از کار او جلوگیری کرد.

لازم است پدر یا مادر خطاهای جزئی را در ذهن خود جمع آوری کنند و بموقع و در شرایط مساعد تذکر لازم را به نوجوان بدهند. در برابر هر خطا به تذکر و سرزنش پرداختن ارزش سخن والدین را نیز از بین میبرد و سبب میشود نوجوان به این گونه سرزنشها و انتقادهای خو بگیرد و دیگر از آنها متأثر نشود.<sup>۱</sup>

#### **۴-۲-۲- روش پرورش اراده:** اراده عبارت است از تبدیل نیروی عقل به کار، یا به

کار انداختن امری که عقل آن را تأیید کرده است. اراده وسیله اجرای عقل عملی است پس از اینکه درباره امری به تحلیل پرداختیم و نظرات موافق و مخالف را مورد بررسی قرار دادیم تصمیم میگیریم امری را مورد توجه و اجرا قرار دهیم و اردهمان آن تصمیم را به مرحله اجرا میکشاند

---

۱. محمد علی، سادات، راهنمای پدران و مادران (شيوه‌های برخورد با نوجوانان)، جلد اول، چاپ دوازدهم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳، صص ۳۵ و ۳۶.

اراده نوجوان باید رشد و پرورش یابد به طوری که بتواند خوب تصمیم بگیرد، از حالت دو دلی و تردید خود را رها کند متزلزل و سست نباشد به هر بادی از جای نجنبد و با هر دستور توقفی، متوقف نگردد و البته این امر به عقل و خرد او هم مربوط میشود.

در پرورش اراده ضروری است که نخست او را از فشارهای درونی و بیرونی آزاد کنیم. جنبه‌های گوناگون و جبرآمیز زندگی که بی جهت بر اندیشه‌ها تحمیل اند از میان برداشته شوند ملاحظات بی حساب از میان برود. در کارها فقط خدا و رعایت دستورات او را در نظر گیرد و برای سازگاری با هدف و امری، تنها تعالیم مذهب و دستورات عقل را ملاک و مبنا قرار دهد.

و هم ضروری است در این راه از ترس و خوف بی حساب در امان باشد، از ملامتها در راه حق و اهمه‌های نداشته باشد. اگر امری را تشخیص داد بحق است، عمل کند و اگر چیزی را نادرست دانست تحت تأثیر جو و شرایط محیط قرار نگیرد، عزمش راستین باشد توبه را نشکند و هر بار که شکست، هشدار و خطاری بیاید.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۲- روش‌های آسبیزا

روشهای آسبیزا به شخصیت فرزندان (کودکان و نوجوانان) صدمه میزند و به جای تربیت کردن آنها باعث سرزدن رفتارهای نامناسب از آنها میشود زیرا همانطور که در فصل قبل بیان شد همهی انسانها دوست دارند به آنها احترام بگذارند و آزادی عمل و راستگویی را می - پسندند. و هیچگاه دوست ندارند که کسی به آنها زور بگوید یا با بیاحترامی با آنها برخورد کند و این نوع روشها خلاف فطرتشان است به همین دلیل به این روشها آسبیزا میگویند.

---

۱. علی، قائمی امیری، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، همان، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.



### ۱-۳-۲-۲- روش اجبار و زور: در فرهنگ، انسان دارای اراده‌ی آزاد و حق انتخاب

است. او میتواند راه هدایت را برگزیند یا اینکه به راه خطا و کفر برود. کار والدین هدایت، راهنمایی و تربیت فرزندان است و با زور و اجبار نمیتوانند فرزندان را تربیت و وادار به انجام کارهای خوب و ترک اعمال بد کنند چرا که پذیرش حق و انجام کارهای خوب و یا ترک اعمال بد، به انتخاب و اراده‌ی آنها است بدیهی است هر قدر والدین بتوانند فرزندان را در انجام دادن امری یا ترک کاری اقناع کنند، به همان اندازه آنها خود به راه حق تمایل پیدا می - کنند و نیازی به استفاده از زور و اجبار نیست.

کودکان در سن هفت سال دوم احساس شخصیت و استقلال طلبی دارند و از اینکه آنها را وادار به انجام کاری کنند به شدت ناراحت میشوند و این کار والدین پیامدهایی منفی را به دنبال دارد:

- اول اینکه، فرزندان را بی منطق و زورگو میکند.
- دوم، احساس میکند نسبت به او ظلم و ستم میشود و توان دفاع از خود را ندارد.
- سوم، نسبت به والدین بدبین و متنفر میشوند و کینه به دل میگیرد و در بزرگسالی ممکن است از آنها انتقام بگیرد.
- و در نهایت چهارم، چون احساس میکند به او زور گفته میشود، امر و نهی والدین را به خوبی اجرا و رعایت نمیکند و تلاش میکند مخفیانه و به دور از چشم آنها مرتکب آن عمل شود.<sup>۱</sup>

به این نکته مهم هم باید توجه داشت که اگر چه ممکن است والدین در برخی امور بازور و اجبار بتوانند فرزند خود را به انجام یا ترک کاری وادار کنند، اما در امور دینی و مذهبی، چنین روشی اصلاً کاربرد ندارد مثلاً اگر فرزند شما نسبت به نماز یا روزه بیاعتقاد بوده یا قانع نشده باشد مگر با زور و اجبار میتوانید او را وادار به نماز یا روزه کنید؟! مگر

---

۱. مؤسسه قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۴۱.

چند بار با ظاهرسازی او میتوان نسبت به اصل وضو گرفتن و صحت نمازش اطمینان پیدا

کنید؟! مگر روزه خوردن او قابل نظارت و کنترل است؟!۱

پس باید والدین و مربیان تربیتی با کودکان و نوجوانان با احترام و شخصیت برخورد کنند و از در محبت با آنها داخل شوند تا بتوانند با آنها رابطه‌ی خوب و صمیمی داشته باشند و با این روش آنها را تربیت کنند و نه با زور و اجبار.

## ۲-۲-۳-۲- روش توهین و تحقیر: پدران و مادرانی که در خانواده با فرزندان مهربانند

و میدان را برای فعالیتهای فطری آنان باز میگردانند و آنان را در کارهای خود تمسخر و تحقیر نمیکنند فرزندان‌شان خیلی زود به رشد معنوی و شخصیت روانی نائل میشوند و بر عکس پدران و مادرانی که در خانواده با فرزندان‌شان با بیاحترامی و توهین و تحقیر کردن سخن میگویند استعداد‌های درونی فرزندان‌شان را از رشد طبیعی باز میدارند و این کودکان و نوجوانان به علت ضعفی که در خود احساس میکنند بی شخصیت و زبون بار می‌آیند.<sup>۱</sup>

کودکان و نوجوانان ممکن است در یک یا چند مورد دارای نقاط ضعف و ناتوانیهای باشند. مثلاً در درسی نمرهی خوبی نمی‌آورند، در چیدن و جمع کردن سفره، ظروف را می‌شکنند، خرید را ناقص انجام میدهند و دهها مورد دیگر، هر چند نباید والدین این ضعفها را تأیید کنند یا از کنار آنها بیتفاوت بگذرند اما حق توهین آنها را با الفاظی نامناسب نیز ندارند.<sup>۲</sup>

زیرا کودکان و نوجوانان در خود احساس بزرگی میکنند و دوست دارند که دیگران نیز آنها را بزرگ ببینند و با احترام رفتار کنند ولی زمانی که والدین‌شان به خاطر همین کارهایی که در بالا ذکر شد به آنها توهین کنند و یا جلو دیگران آنها را تحقیر کنند بسیار شخصیت‌شان خورد میشود و سرخورده میشوند.

۱. محمد تقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، همان، ص ۷۸.

۲. موسسه فرهنگی قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۱۰.

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است که فرمودند: « به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنها معاشرت کنید و در ادامه میفرمایند « لَا يُرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ<sup>۱</sup> به» یعنی به فرزندان خود نگویند تو سفیهی، پستی، ستمگری، تو احمقی، بدکاری و دروغگویی زیرا هر یک از این کلمات به تنهایی اهانت بیاحترامی به شخصیت کودک و مانع رشد معنوی و تکامل اوست و در آینده هم همان گونه عمل و رفتار میکنند که توصیفشان کردند.<sup>۲</sup>

هیچ تردیدی نیست که توهین و تحقیر، نه تنها اثر سازنده و مثبتی ندارد بلکه آثار منفی نیز به دنبال دارد علاوه بر موارد بالا باعث میشوند فرزندان به والدین بدبین شوند و نسبت به آنها کینه به دل بگیرند و نیز خود فرزندان از والدینشان الگو بگیرند و با دیگران با بیاحترامی و تحقیرآمیز سخن میگویند.<sup>۳</sup>

راه درست آن است که والدین در برخورد با رفتارها و کارهای فرزندان سعی کنند در کنار نقاط ضعفشان به نقاط قوت آنان نیز توجه کنند و ضعفهای آنان را در همان حدی که وجود دارد، حتی کمتر از آن توصیف کنند و با جملاتی دوستانه و محترمانه و ارائهی مشاوره - ها و راهکارها، نحوه برطرف کردن نقاط ضعفشان را به آنان بیاموزند و هرگز به توهین و تحقیر و نالایق نشان دادن فرزندان نپردازند.<sup>۴</sup>

#### ۴-۳-۲-۲-۲-۲ روش ناهماهنگی والدین: والدین نقش بسیار موثری در تربیت

فرزندانشان دارند و باید دقت کنند که در برخورد با فرزندانشان با یکدیگر اتفاق نظر داشته باشند یعنی در روشها، منشاها و گفتار و رفتارشان با هم هماهنگی کامل داشته باشند.

۱. محمد باقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۲. محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۷۸.

۳. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۰۹.

۴. همان، ص ۱۱۱

زمانی که والدین با یکدیگر هماهنگ نباشند مشکلات زیادی برای فرزندان خود به وجود می‌آورند زیرا کودکان و نوجوانان در این سن روحیه اطاعت پذیری بالایی دارند و هر کاری که به آنها گفته شود را به راحتی قبول کرده و انجام می‌دهند و آنها همواره از رفتار والدینشان الگو برداری میکنند ولی زمانی که ببینند والدینشان هر کدام رفتار و روش خاصی دارند و با یکدیگر هماهنگ نیستند بر سر تشخیص خیر و شر، درست و نادرست احساس درماندگی میکنند و در پایان قدرت تشخیص ارزشها از ضد ارزشها را ندارند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، تناقض در دیدگاه و روشهای تربیتی والدین، راه سوء استفاده فرزندان را باز کرده و در هر مورد از نظر و دیدگاهی حمایت میکنند که با امیال و خواستههای آنان هماهنگی بیشتری داشته باشد و حتی گاهی با دامن زدن به اختلاف دیدگاه و روش والدین و انداختن آنان به جان یکدیگر، از آب گلآلود ماهی میگیرند و هدف خویش را به پیش می - برند.<sup>۲</sup>

همچنین احساس بی اعتمادی به والدین نزد اینگونه فرزندان رشد میکند به دلیل آنکه فرزندان پدر و مادر را قادر به حل مشکلاتشان نمیبینند پس در نتیجه مشکلات ما را نیز نمی - توانند حل کنند.<sup>۳</sup> بنابراین ضرورت دارد ابتدا خود والدین در روش تربیت، به هماهنگی برسند و در صورتی که بین خودشان اختلافی دارند، با مطالعه، گفتگو و مفاهمه و نیز مراجعه به روانشناسان و متخصصان تربیتی و کسب رهنمودهای لازم به روش صحیح دست یابند و به صورت هماهنگ به تربیت فرزندان خود بپردازند.<sup>۴</sup>

۱. محمد رضا، شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، همان کتاب، ص ۱۳۵.

۲. موسسه فرهنگی قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۰۸.

۳. محمد رضا، همان کتاب، ص ۱۳۳.

۴. موسسه فرهنگ قدر ولایت، همان کتاب، ص ۱۰۸.

## ۵-۲-۲- روش تنبیه: تنبیه در مواردی به کار میرود که رفتار کودک و نوجوان

ناپسند و برخلاف مقررات است و می‌خواهیم آن را تضعیف و خاموش کنیم.<sup>۱</sup> برای مثال اگر بعد از گفتن یک حرف زشت یا کار ناشایست از سوی کودک یا نوجوان به او سیلی بزنیم برای اینکه این رفتار را در او کاهش دهیم در حقیقت او را تنبیه کردیم.

هرچند مشاهدات روزانه و شواهد آزمایشی نشان داده‌اند که تنبیه در کاهش دادن رفتار نامطلوب به طور موقت موثر است، باید توجه داشت که تنبیه باعث نابودی رفتار تنبیه شونده نمیشود، بلکه تنها اثر آن این است که رفتار نامطلوب را موقتاً واپس می‌زند.<sup>۲</sup>

روانشناسان در این زمینه می‌گویند، تنبیه کارساز نیست، زیرا موجب عدم توجه و دقت به اصل هر موضوع میگردد و به جای این که از انجام کاری که کودک یا نوجوان کرده پشیمان شود و به اصلاح آن بیاورید، گرفتار نفرت و انتقامجوییهای خیالی میشوند.<sup>۳</sup>

کودکان و نوجوانان دوست دارند تا آنجا که میتوانند از تنبیه کنندگان دوری کنند کودک و نوجوانی که پی در پی به وسیله مادر و پدر یا معلم خود تنبیه شود، میل نخواهد داشت در کنار آنها باشد. و اگر این روش ادامه یابد شخص تنبیه شده ممکن است سرانجام به تنبیه کننده حمله‌ور شود. مثلاً نوجوانی که از کودکی مورد کتک کاری پدر قرار گرفته ممکن است بالاخره روزی در برابر او بایستد.

پرخاشگری عارضه دیگر تنبیه است و در خانواده‌هایی که پدر و مادر از تنبیه استفاده میکنند پرخاشگری و جنگ و دعوا در میان افراد خانواده بیشتر است. تنبیه ممکن است سبب ترس و نگرانیهای شدید در کودکان و نوجوانان شود که گاه در سراسر زندگی آنها را رها نمیکند آثار تنبیه مانند نتایج پاداشها قابل پیشبینی نیست. پاداش و یا تشویق میگوید آنچه

---

۱. اسماعیل، بیابانگرد، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۵۶.

۲. اسماعیل، بیابانگرد، همان کتاب، ص ۶۰.

۳. نیوشا، باطنی، اسماعیل، نوذری، راهنمای تربیت صحیح کودکان، تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۴، ص ۲۹.

را انجام داده‌ای تکرار کن، تنبیه می‌گوید از آن دست بکش اما نمی‌گوید به جای آن چه کار بکن در نتیجه رفتار نامطوبتری ممکن است جایگزین رفتار تنبیه شده شود<sup>۱</sup>.

بنابراین باید توجه ویژه مسئولان تربیتی به ویژه والدین را به این موضوع جلب کرد که کودکان امانت خداوند در دست آنها هستند و والدین باید تمام سعی خود را در شکوفا کردن استعدادهای آنها بنمایند. با تربیت صحیح و اصولی خود جامعه‌ی سالم و صالحی داشته باشند تا بدین وسیله نزد خداوند نیز بری باشند

---

۱. اسماعیل ، بیابانگرد ، همان کتاب، ص ۶۳.

## نتیجه گیری

تربیت یکی از مسائل ضروری و حیاتی برای کودک می باشد و دین مبین اسلام اهمیت خاصی برای این موضوع قائل شده است و مسئولیت این امر حساس و مهم در مرتبه اول بر عهده پدران و مادران نهاده شده است. اما تربیت کار سهل و ساده ای نیست بلکه فن بسیار ظریف و حساسی است که کاردانی و اطلاعات کافی و تجربه و بردباری و قاطعیت لازم دارد. متأسفانه خیلی از والدین به فن تربیت آشنا نیستند و به همین جهت بسیاری از کودکان با برنامه حساب شده و درست پرورش نمیابند بلکه خود به خود و به صورت خود رو بزرگ میشوند.

اگر پدر و مادر ویژگیهای هردورهی سنی کودک را بشناسند و تربیت خاص برای آن دوران ارائه دهند می توانند به هدف و نتیجهی مورد دلخواه خود برسند و این مستلزم آن است که آنها با روحیات و خلیات فرزندان خود نیز آشنا باشند. تاثیر و نفوذ عمیق والدین در کودک و رنگ دادن به شخصیت او بدان علت است که خانواده کانون محبت و احترام و در عین حال مرکز اعمال نظم و انضباط است.

کودک بر اثر محبتی که از والدین می بیند میکوشد که هر چه بیشتر خود را با آنها تطابق دهد و به همین علت تربیت و خط مشی آنها را میپذیرد و رفتار آنها را مورد تقلید قرار میدهد. پس با این اوصاف لازم است که والدین از اصول تربیتی و روشهای خاص تربیتی آگاه باشند و بتوانند با احترام گذاشتن به کودک و با عمل کردن به وعدههای خود و آسانگیری به او و همچنین با روشهای محبت و شخصیت دادن به کودک و تشویق کردن او، او را در رسیدن به تربیت صحیح و اسلامی یاری کنند و با اینکار موجبات سعادت خود و آنها را هم در این دنیا و هم در جهان آخرت فراهم آورند.

## فهرست منابع

\*قرآن کریم ، ترجمه : ناصر مکارم شیرازی، قم ، ناشر دار القرآن کریم (دفتر مطالعات

تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۶

۱- احمدی، علی اصغر: اصول تربیت ، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیا

و مربیان، ۱۳۸۸.

۲- ادیبی، شهاب الدین: روانشناسی ارتباط والدین با فرزندان ، چاپ اول، اصفهان،

انتشارات چهارباغ، ۱۳۸۳.

۳- امینی، ابراهیم: تربیت، چاپ چهارم، قم ، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۸.

۴- \_\_\_\_\_: آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹.

۵- \_\_\_\_\_: اسلام و تعلیم و تربیت، قم ، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۴.

۶- افروز، غلامعلی: مباحثی در روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان ، چاپ دوم،

تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.

۷- احمدی، سعید: شیوههای معاشرت مبلغ با کودکان و نوجوانان ، چاپ دوم، قم ،

انتشارات ذوی القربی، ۱۳۹۰.

۸. بانکیپور، امیرحسین: تربیت از منظر ولایت ، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات شهید

فهمیده، ۱۳۸۱.

۹- \_\_\_\_\_: کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران،

انتشارات تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰.



- ۱۰- باطنی، نیوشا، نوذری، اسماعیل: راهنمای تربیت صحیح کودکان ، تهران ، انتشارات عابد، ۱۳۸۴.
- ۱۱- بستانی ، محمود: اسلام و روانشناسی ، مترجم محمود هویشم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- ۱۲- بیابانگرد، اسماعیل: راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان ، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۱۳- پوراحمدی لاله، محمدرضا: آموزش صحیح تربیت کودک ، چاپ پنجم، تبریز، انتشارات زر قلم، ۱۳۸۷.
- ۱۴- پیغمبری، سید محمدرضا: تربیت خودمانی ، چاپ اول، کاشان، انتشارات رسل، ۱۳۸۸.
- ۱۵- تنهکار، محسن: تربیت دینی کودکان ، چاپ اول، قم، انتشارات نسیم حیات، ۱۳۸۹.
- ۱۶- ثابت ، حافظ : تربیت جنسی در اسلام، قم، انتشارات مدرسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۸۴.
- ۱۷- الجمالی، محمد فاضل: فلسفه تربیت اسلامی ، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۴.
- ۱۸- حسینی دشتی، مصطفی: معارف و المعاریف دایرة المعارف جامع اسلامی ، جلد دوم، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
- ۱۹- حسینی، مهدی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی ، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.

۲۰- خرمشاهی، بهاءالدین، انصاری، مسعود: پیام پیامبر، چاپ اول، تهران، انتشارات منفرد، ۱۳۷۶.

۲۱- دهخدا، علی اکبر: لغتنامه‌ی دهخدا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران مؤسسه لغت نامه‌ی دهخدا، ۱۳۸۸

۲۲- دلشاد تهرانی، مصطفی: سیری در تربیت اسلامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۵.

۲۳- سادات، محمد علی: راهنمای پدران و مادران (شیوه‌های برخورد با نوجوانان)، جلد اول، چاپ دوازدهم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.

۲۴- شیرازی، علی-عابدی، محمد: فرهنگ موضوعی مبلغان، قم، نشر جمال، ۱۳۸۳.

۲۵- شرفی، محمدرضا: با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

۲۶- \_\_\_\_\_: مراحل رشد و تحول انسان، چاپ چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۲۷- شکوهی یکتا، محسن: تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۰.

۲۸- عمید، حسن: فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیستم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.

۲۹- فلسفی، محمد تقی: کودک از نظر وارثت و تربیت، جلد ۲، چاپ دهم، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷

۳۰- قائمی امیری، علی: خانواده و تربیت کودک، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳.

۳۱- \_\_\_\_\_: شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ اول، تهران،

انتشارات امیری، ۱۳۶۷.

۳۲- محمدی ری شهری، محمد: حکمت نامهی جوان، ترجمه مهدی مهریزی، قم،

انتشارات دارالحديث، ۱۳۸۶.

۳۳- \_\_\_\_\_: حکمت نامهی کودک، مترجم: عباس مهریزی، قم، انتشارات

دارالحديث، ۱۳۸۴.

۳۴- مظاهری، ابراهیم: با فرزندان در سایه قرآن، اصفهان، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۰.

۳۵- محدثی، جواد: اخلاق معاشرت، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۹.

۳۶- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت: خانواده موفق، چاپ ششم، تهران، انتشارات

موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۰.

۳۷- منصوری، اعظم: مهمترین روشهای ارتباط و تربیت کودکان، چاپ سوم،

اصفهان، انتشارات شهید فهمیده، ۱۳۸۴.

۳۸- مروجی طبسی، محمد جواد: حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیه السلام،

چاپ هجدهم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۳.

۳۹- مطهری، مرتضی: تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۴.

۴۰- \_\_\_\_\_: شرحی بر جلوههای رفتار امام خمینی (رحمه الله علیه) با کودکان و

نوجوانان، چاپ سوم، تهران، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.

۴۱- میرزایی، حبیب الله: تربیت فرزند در پرتو رهنمودها و رفتار پیامبر (صلی الله علیه وآله)،

چاپ دوم، مشهد، انتشارات عروج اندیشه، ۱۳۸۲.

۴۲- معین، محمد: فرهنگ فارسی معین، جلد اول، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۱.

- ۴۳- مؤسسه پژوهش های دینی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) : گلی خوشبو از جانب خداوند، قم، انتشارات شهابالدین، ۱۳۸۸.
- ۴۴- م. سجادیه : ۴۰۵ نکته در تربیت، چاپ اول، اصفهان، انتشارات گل افشان، ۱۳۸۱.
- ۴۵- نجاتی، حسین: روان شناسی نوجوانی (چگونگی رفتار با نوجوان) ، چاپ سوم، تهران، انتشارات بیکران، ۱۳۸۹.
- ۴۶- نیلیپور، مهدی : بهشت عقاید، چاپ اول، اصفهان، انتشارات سیمرغ، ۱۳۹۱.
- ۴۷- وزیری، مجید: حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام، تهران، شرکت چاپ و نشر بینالملل، ۱۳۸۳.

#### منابع عربی:

- ۴۸- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم: لسان العرب، ج ۵، چاپ سوم، بیروت ، انتشارات دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ۴۹- پاینده، ابولقاسم: نهج الفصاحه ، چاپ ششم، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیاء ، ۱۳۸۵.
- ۵۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد: تصنیف غرر الحکم و دررالکلم ، چاپ اول، قم ، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
- ۵۱- الراغب اصفهانی، ابولقاسم حسن بن محمد: مفردات الفاظ قرآن ، قم، انتشارات ذویالقربی، ۱۳۸۳.
- ۵۲- شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی: مکارم الاخلاق ، چاپ چهارم، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۰.

۵۳- شیخ صدوق : من لا يحضره الفقيه ، ج ۳ ، چاپ دوم، بیروت، انتشارات موسسه علمی مطبوعات، ۱۴۲۶ق.

۵۴- صابری یزدی، علی رضا ، انصاری محلاتی، محمد رضا: **الحکم الزاهره** با ترجمه انصاری، چاپ دوم، قم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۵۵- طباطبائی ، محمد حسین : **تفسیرالمیزان**، جلد دوم، تهران، انتشارات مرکز نشر فرهنگی رجا، بی تا.

۵۶- فلسفی، محمد تقی: **الحديث - روايات ترتيبی**، جلد ۱ و ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.

۵۷- کلینی، محمد یعقوب ، **الكافي**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

۵۸- مجلسی، محمد باقر: **بحارالانوار**، ج ۵۸ ، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

۵۹- محدث عاملی، زینالعابدین کاظمی خلخالی: **الجواهرسنیه - کلیات حدیث قدسی**، چاپ سوم، تهران ، انتشارات دهقان، ۱۳۸۰.

۶۰- نیشابوری، فتال: **روضة الواعظین و بصيرة المتعظین** ، جلد دوم ، چاپ اول، قم، انتشارات رضی، بی تا.

#### سایت:

۶۱- [fars news com/newatext php?nn= 139108060000451](http://farsnews.com/newatext.php?nn=139108060000451)

#### نشریه:

۶۲- ضرباتش ور، علی: **تربیت دینی کودکان** ، نشریه کار و کارگر، ۱۳۷۹.

## کتاب شناسی

- ۱- انصاریان، حسین: **نظام خانواده در اسلام**، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات ام ابیها، ۱۳۷۹.
- ۲- الکافیه، دیوید: **رشد کودک و تعلیم و تربیت از دیدگاه پیاژه**، ترجمه، حسین نائلی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- ۳- اسنایدرمن، ناستی، استریپ، یگ: **کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها**، مترجم، اکرم کرمی، تهران، انتشارات صابرین، ۱۳۸۵.
- ۴- انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران: **روش رفتار اولیا و مربیان با کودک و نوجوان در مراحل رشد**، ترجمه اسحق بادی، مهدی دیری- غلامرضا کاکلی، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴.
- ۵- براز جانی، عبدالمجید: **۲۴۰ اصل خانوادگی در اندیشه مطهر**، چاپ هشتم، قم، انتشارات آخرین وصی، ۱۳۸۸.
- ۶- بهشتی، احمد: **حقوق کودک**، چاپ ششم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۷.
- ۷- بیدالف، استید: **کلیدهای تربیت و رفتار با پسرها**، مترجم اکرم قیطاسی، تهران، انتشارات صابرین، ۱۳۸۵.
- ۸- جعفری، محمدتقی: **ارکان تعلیم و تربیت**، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸.
- ۹- حجتی، محمد باقر: **مسائل تربیتی اسلام**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.

- ۱۰- خلیلی ، علی: مریان آگاه.کودکان موفق، اصفهان، انتشارات افسر، ۱۳۸۲.
- ۱۱- شکوهی ، علی: عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی ، چاپ چهارم ، مشهد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان رضوی، ۱۳۸۴.
- ۱۲- فردوسی، سیما: پاسخ به والدین، تهران، انتشارات صابرین، ۱۳۸۵.
- ۱۳- قائمی امیری، علی : دنیای نوجوانی دختران، چاپ اول، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۰.
- ۱۴- گاربر، استین : چگونه با کودک رفتار کنم ؟، ترجمه شاهین خزعلی، چاپ ۲۸، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۸.
- ۱۵- مظاهری، حسین: تربیت فرزند از نظر اسلام ، چاپ چهارم، قم ، انتشارات مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۹.
- ۱۶- مظلومی، رجبعلی: تربیت معنایی انسان ، چاپ سوم ، تهران، انتشارات آرین، ۱۳۷۹.